

چهل حدیث درباره مساجد

تألیف:

دکتر یونس یزدان پرست

تحقیق و تخریج احادیث:

دکتر سید زکریان حسینی

چهل حدیث درباره مساجد	عنوان کتاب:
دکتر یونس یزدان پرست	تألیف:
دکتر سید زکریان حسینی	تحقیق و تخریج احادیث
مساجد و خطبه ها - احادیث	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
فروردین (حمل) ۱۳۹۵ شمسی، رجب ۱۴۳۷ هجری	تاریخ انتشار:
سایت عقیده www.aqeedeh.com	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مؤلف	١
مقدمه محقق و مخرّج احادیث	١
چهل حدیث اصلی این کتاب	١
حدیث اوّل: تاریخچه مسجد	١١
حدیث دوّم: همه جای زمین مسجد است	١٤
حدیث سوّم: مساجد بهترین مکانها نزد خداوند ﷺ	١٥
حدیث چهارم: هدف اصلی از ایجاد مساجد	١٦
حدیث پنجم: فضیلت نماز خواندن در مسجد الحرام و مسجد	
النّبی ﷺ	١٩
حدیث ششم: فضیلت نماز خواندن در مسجد الأقصى	٢٠
حدیث هفتم: فضیلت نماز خواندن در مسجد قبا	٢٤
حدیث هشتم: فضیلت ساختن مسجد	٢٥
حدیث نهم: فضیلت نماز جماعت در مسجد	٢٧

- حدیث دهم: فضیلت نماز جماعت صبح و عشاء در مسجد..... ۲۹
- حدیث یازدهم: فضیلت جماعت مسجد بزرگتر..... ۳۰
- حدیث دوازدهم: فضیلت ماندن در مسجد..... ۳۲
- حدیث سیزدهم: فضیلت رفتن به مسجد در شب..... ۳۴
- حدیث چهاردهم: فضیلت دور بودن خانه از مسجد..... ۳۵
- حدیث پانزدهم: فضیلت صبح رفتن به مسجد برای طلب علم... ۳۷
- حدیث شانزدهم: فضیلت قرآن خواندن در مسجد و نزول ملائکه و رحمت..... ۳۹
- حدیث هفدهم: جواز خوابیدن و استراحت در مسجد..... ۴۱
- حدیث هجدهم: جواز خوردن و آشامیدن در مسجد..... ۴۴
- حدیث نوزدهم: جواز بازی کردن در مسجد..... ۴۶
- حدیث بیستم: جواز اطراق کردن در مسجد..... ۴۸
- حدیث بیست و یکم: جواز دخول بچه به مسجد..... ۴۹
- حدیث بیست و دوّم: جواز خواندن نماز جنازه در مسجد..... ۵۶
- حدیث بیست و سوّم: جواز دخول حیوانات به مسجد در صورت عدم آلوده کردن مسجد..... ۵۸
- حدیث بیست و چهارم: جواز دخول کافر، جنب، حائض و نفساء به مسجد..... ۵۹
- حدیث بیست و پنجم: تمییز کردن و پاک نمودن مساجد..... ۶۴

- حدیث بیست و ششم: اذکار مسجد ۶۸
- حدیث بیست و هفتم: با آرامش به مسجد رفتن ۷۲
- حدیث بیست و هشتم: خواندن دو رکعت نماز هنگام دخول به مسجد ۷۳
- حدیث بیست و نهم: عدم جواز بار سفر بستن جز برای سه مسجد ۷۷
- حدیث سی ام: کراهیت خرید و فروش، شعر گفتن و ندا کردن برای گمشده در مسجد ۷۸
- حدیث سی و یکم: کراهت زیور آراستن مساجد ۸۲
- حدیث سی و دوم: عدم جلوگیری از رفتن زنان به مسجد ۸۴
- حدیث سی و سوم: افضلیت نماز خواندن در خانه نسبت به مسجد برای زنان ۸۸
- حدیث سی و چهارم: حکم نماز نوافل در مسجد ۹۰
- حدیث سی و پنجم: استحباب گذاشتن پای راست هنگام دخول به مسجد ۹۲
- حدیث سی و ششم: حکم رفتن به مسجد با وجود بوی بد و آلت جنگی و اشیاء خطرناک ۹۳
- حدیث سی و هفتم: اعتکاف در مسجد ۹۴

-
-
- حدیث سی و هشتم: بلند نکردن صدا در مسجد به دلیل عدم تشویش بر نمازگزاران..... ۹۵
- حدیث سی و نهم: قضاوت و اقامه حدود و انجام برخی امور دنیوی در مسجد..... ۹۷
- حدیث چهارم: بهترین صف نماز مساجد..... ۱۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ، وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱]. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲].

اما بعد، کتاب حاضر مجموعه‌ای گهربار و عظیم از فرموده‌های صحیح و نابِ اشرف مخلوقات، سیّد مرسلین، اول مؤمنین، خاتم النبیین محمّد مصطفی ﷺ در زمینه مسجد و احکام و فضایل مربوط به آن می‌باشد که سعی گردیده از گلزار نبوّت با ظرافتی دقیق خوشه‌چینی شوند تا در سایه آنها احکام و فضایل این موهبت الهی شناخته شود و در راستای آن حقوق مسجد و وظایف انسان نسبت بدان محرز و آشکار گردد.

فرموده‌های رسول گرامی اسلام ﷺ یکی از اساسی‌ترین، مهم‌ترین، کاربردی‌ترین و دقیق‌ترین منابع استنباط احکام شرعی می‌باشند؛ چرا که هر مسلمانی یقین دارد که هر حکمی از جانب پیامبر ﷺ، وحی و پیامی از سوی خدا ﷻ می‌باشد که بدو وحی و پیام گردیده است، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]. «و (محمّد) از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. آن جز وحی و پیامی نیست

که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می‌گردد»، پس در واقع تبعیت از حکم ای‌شان ﷺ، تبعیت از خداوند ﷻ می‌باشد: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا﴾ [النساء: ۸۰]. «هر که از پیغمبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است». و پیامبر خدا ﷺ دعوتگری بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده‌ای می‌باشد که خداوند ﷻ بوسیله پیام‌هایی که از طریق وی به انسان‌ها ابلاغ کرده، بر آنها مَنّت نهاده و اتمام حجت کرده است؛ خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا] [الأحزاب: ۴۵-۴۶]. «ای پیغمبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستادیم. و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا طبق فرمان الله، و به عنوان چراغ تابان». و بدین خاطر خداوند ﷻ به مؤمن ندا می‌دهد هر پیامی را از جانب رسولش ﷺ پذیرا باشد، و با دیده مَنّت قبول و با عزمی راسخ و عملی قاطع در راستایش قدم بردارد، فرمان خداوند ﷻ در این راستا: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷]. «چیزهائی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهائی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید». پس انسان باید دریابد هرگونه مخالفتی با پیامبر ﷺ، بلا و عذاب دردناک به همراه دارد که موجب هلاکی وی می‌گردد، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]. «آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلائی (در برابر عصیان) که می‌ورزند) گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود». ولی در پیروی از ای‌شان ﷺ، پیروزی و کامیابی وجود دارد، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا

عَظِيمًا ﴿٧١﴾ [الأحزاب: ٧١]. «اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند ، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد». بدین خاطر پیروی از رسول الله ﷺ واجب شرعی می‌باشد.

مساجد دوستداشتنی‌ترین مکان‌های آبادی‌ها و شهرها در نزد خداوند ﷻ می‌باشند که با مجوّز وی ساخته شده‌اند و از روز نخست بر پایه تقوا بنا گردیده‌اند و محل عبادت و مناجات و نیایش با خداوند عظیم ﷻ می‌باشند و محل نزول رحمت و برکتی خاص هستند که انسان نور پرفروغ و عظیم خداوند ﷻ را در آنجا با سیر و سلوک عارفانه و عابدانه خواهد یافت، به‌گونه ای که مساجد بهترین، بلندمرتبه‌ترین، بزرگترین، برترین و باشکوه‌ترین مکانها بر روی کره خاکی می‌باشند و نماز جماعت در مسجد بر نمازی که تنها خوانده شود، بیست و هفت درجه، برتری دارد و قدم نهادن به‌سوی آن عبادت و موجب دوری از آتش جهنّم می‌باشد و ماندن انسان در آن مشمول دعای مستمر ملائکه بزرگوار خداوند ﷻ می‌شود و آنها پیایی تا اتمام حضور دعای مغفرت و رحمت می‌کنند و جدای از بهره‌مندی از این فضیلت، در فاصله انتظار برای نماز، ثواب نماز خواندن برای انسان نیز نوشته می‌شود. مسجد جدای از اینکه مکانی برای عبادت، بلکه مکانی برای اعمال مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... نیز می‌باشد که انسان می‌تواند با رعایت اصول و قوانین شرعی و حفظ مقصد اصلی بنای مساجد (؛ عبادت و ذکر خداوند متعال و قرائت قرآن) در آن به فعالیتّ بپردازد تا به مکانی برای گردهمایی و اتحاد و یکدلی و یکرنگی مسلمان تبدیل شود.

خداوند ﷻ با تکریم این مکان مقدّس و مجوّز ساختن مسجد در هر جای کره خاکی بر انسان مِتّ نهاده تا در راستای اجرای احکام و قوانین و تکریم و حفظ حقوق مسجد، مشمول عفو و اجر و ثواب خاص و زیاد گردد و

در راستای آن به خالق خود تقرّب جسته و حلاوت و کامیابی ایمان را در ژرفای وجودش بچشد. بدین خاطر این کتاب جدای از انتخاب احادیث صحیح در رابطه با مسجد و احکام و فضایل آن، سعی دارد با تحلیل سند احادیث که توسط استاد گرانمایه جناب دکتر سیّد زکریا حسینی انجام شده، فقط احادیث صحیح و یا حسن آورده شوند و در این خوشه‌چینی سعی بر آن بوده احادیث به صورتی جامع و مانع انتخاب گردند تا همه احکام مربوطه در راستای آنها شناخته شوند. بعد از آن همت به شرح آنها شده تا در پرتو آن بتوان فهم بهتر و احکام مربوطه دقیق و شفاف دریافت شود. امیدوارم خداوند عظیم ربّ عرش عظیم، بخاطر این عمل که فقط بخاطر رضای وی انجام گرفته، تمامی گناهان بنده حقیر و ضعیف را که خود را پرورده مسجد و مدیون آن می‌داند، مورد عفو و مغفرت و مرحمت و هدایت خاص خود قرار دهد. آمین یا ارحم الراحمین

د.یونس یزدان‌پرست

مقدمه محقق و مخرج احادیث

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

اما بعد: با همکاری برادر گرامی جناب آقای دکتر یزدان پرست (حفظه الله) چهل حدیث مهم درباره مسجد را گردآوری نموده که اصل مطالب و فضائل و واجبات مسجد در آنها آمده باشد؛ تا علاوه بر اینکه حفظ آن روایات آسان و راحت بوده، با خواندن آن روایات، بتوانیم به فضیلت آنها هم عمل کنیم.

در واقع هدف اصلی ما از این کار، عمل کردن به احادیث و فرامین رسول الله ﷺ و ترویج فرموده‌های ایشانی ﷺ می‌باشد؛ که هرکس بتواند در کوتاهترین و شیواترین سخن آنها را فهمیده و سپس به آنها عمل نماید. و دکتر یزدان پرست به شرح این احادیث پرداخته تا فهم مطلب برای همگان راحت بوده و بهره بیشتری ببرند؛ و مفهوم کلام سید المرسلین و امام المتّقین رسول الله ﷺ را به راحتی دانسته و بفهمند؛ و این شاء الله که عمل خداپسندان و نیکی گردیده است.

لذا بنده برای اثقان این عمل به تحقیق و تخریج احادیث آن کتاب پرداخته و روایات ضعیف و واهی را خارج نمودم؛ تا مبنای کار ما فقط بر احادیث «صحیح» و یا «حسن» بوده که موجب سرگردانی خواننده و مسلمانان نگردد.

البته باید به چند نکته در مورد تحقیق و تخریج احادیث این کتاب اشاره کنیم و این که:

۱- در تخریج احادیث کتاب چنانچه آن حدیث در یکی از صحیحین (بخاری و مسلم) آمده باشد ما به طرق آن، فقط در کتب سته (بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسایی، ابن ماجه)؛ اما اگر روایت در صحیحین نباشد سعی خود را کرده‌ایم تا به تمامی طرق آن را در کتب حدیثی و رجالی اشاره کنیم.

۲- باید توجه داشت که برای آدرس دادن به احادیث و صفحات از حرف (ش) به معنی شماره حدیث، و از حرف (ص) به معنی شماره صفحه و از (ج) به معنی جلد استفاده کرده‌ایم.

۳- تمامی احادیث که در این کتاب به آنها استناد شده، روایات «صحیح» و یا «حسن» بوده و به هیچگونه روایت «ضعیفی» استناد نشده است.

و در آخر از خداوند عزوجل هم در خواست داریم که به بنده توفیق عنایت فرماید تا بتوانم بدون تعصّب به بررسی حقیقت بپردازیم و دیگران را هم به نظر حق راهنمایی کنیم و ما را امام متقیان قرار دهد که:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴].

و پدر و مادر و استادان و سایر مؤمنان را در روز قیامت مورد مغفرت خویش قرار دهد و در جنّات فردوس منزل نماید.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ [ابراهیم: ۴۱].
د. ماموستا سید زکریا حسینی

چهل حدیث اصلی ابن کتاب

۱- ابوذر رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيُّ مَسْجِدٍ وَضِعَ فِي الْأَرْضِ أَوَّلُ؟ قَالَ: «الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ» قَالَ: قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى! قُلْتُ: كَمْ كَانَ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: أَرْبَعُونَ سَنَةً، ثُمَّ أَتَيْنَا أَدْرَكْتُكَ الصَّلَاةُ بَعْدَ فَصْلَةٍ، فَإِنَّ الْفَضْلَ فِيهِ».

۲- جابر بن عبد الله رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُعْطِيتُ حِمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، وَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ، وَأُحِلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ».

۳- ابوهريره س روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا، وَأَبْغَضُ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ أَسْوَاقُهَا».

۴- انس بن مالک رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «بَيْنَمَا نَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ جَاءَ أَغْرَابِيٌّ فَقَامَ يَبُولُ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: مَهْ مَهْ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تُزْرِمُوهُ دَعْوُهُ فَتَرْكُوهُ حَتَّى بَالَ، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ هَذِهِ الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلُحُ لِثَنِيٍّ مِنْ هَذَا الْبَوْلِ، وَلَا الْقَدْرِ إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ ﻋَﻠَﻴْهِ السَّلَامُ، وَالصَّلَاةِ وَفِرَاقَةِ الْقُرْآنِ. أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: فَأَمَرَ رَجُلًا مِنَ الْقَوْمِ فَجَاءَ بِدَلْوٍ مِنْ مَاءٍ فَشَنَّهُ عَلَيْهِ».

۵- جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ.» «پیغمبر خدا ﷺ فرمودند: نماز در مسجد من برتر از هزار نماز در غیر آنجا می باشد بجز در مسجد الحرام که نماز در مسجد الحرام برتر از صد هزار نماز در غیر آنجا می باشد».

۶- عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عليه السلام سَأَلَ اللَّهَ ثَلَاثًا، أَعْطَاهُ اثْنَتَيْنِ، وَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ قَدْ أَعْطَاهُ الثَّالِثَةَ: سَأَلَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَسَأَلَهُ حُكْمًا يُوَاطِئُ حُكْمَهُ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَسَأَلَهُ مَنْ أَتَى هَذَا الْبَيْتَ يُرِيدُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فِيهِ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ خَطِيئَتِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ قَدْ أَعْطَاهُ الثَّالِثَةَ.»

۷- عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءٍ كُلَّ سَبْتٍ، مَاشِيًا وَرَاكِبًا. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ رضی الله عنه يَفْعَلُهُ.»

۸- عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت کرده است: «سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ.»

۹- عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةُ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً.»

۱۰- عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت کرده است: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ.»

۱۱- اَبی بن کعب رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: صَلَاتُكَ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِكَ وَحَدَّكَ، وَصَلَاتُكَ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِكَ مَعَ الرَّجُلِ، وَمَا أَكْثَرَتْ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ».

۱۲- ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ، مَا لَمْ يُحْدِثْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا دَامَتِ الصَّلَاةُ تُحِبُّهُ لَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْفَلِبَ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ».

۱۳- سهل بن سعد روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِيُبَشِّرِ الْمَشَاءُونَ فِي الظَّلَامِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ النَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۱۴- انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ بَنِي سَلَمَةَ أَرَادُوا أَنْ يَتَحَوَّلُوا عَنْ مَنَازِلِهِمْ فَيَنْزِلُوا قَرِيبًا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ ، قَالَ: فَكَّرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُعْرُوا الْمَدِينَةَ، فَقَالَ: أَلَا تَحْتَسِبُونَ آثَارَكُمْ».

۱۵- ابوامامه رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا أَنْ يَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ يَعْلَمَهُ، كَانَ لَهُ كَأَجْرِ حَاجٍّ تَامًا حَاجَّتُهُ».

۱۶- ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرْتُ مُسْلِمًا، سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يَتْلُونَ

كِتَابَ اللَّهِ، وَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ».

۱۷- عبدالله بن عمر رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «كُنْتُ غُلَامًا شَابًّا عَزَبًا فِي عَهْدِ النَّبِيِّ ﷺ، وَكُنْتُ أَيْتُ فِي الْمَسْجِدِ، وَكَانَ مَنْ رَأَى مِنَّا مَقْصَدًا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ خَيْرٌ فَأَرِنِي مِنَّا مَا يُعْبِرُهُ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَمِنْتُ، فَرَأَيْتُ مَلَكَيْنِ أَتَيَانِي، فَأَنْطَلَقَا بِي، فَلَقِيَهُمَا مَلَكٌ آخَرُ، فَقَالَ لِي: لَنْ تُرَاعَ، إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ. فَأَنْطَلَقَا بِي إِلَى النَّارِ، فَإِذَا هِيَ مَطْوِيَةٌ كَطَيِّ الْبُئْرِ، وَإِذَا فِيهَا نَاسٌ قَدْ عَرَفْتُ بَعْضَهُمْ، فَأَخَذَا بِي ذَاتَ الْيَمِينِ. فَلَمَّا أَصْبَحْتُ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِحِفْصَةَ. فَرَعَمْتُ حَفْصَةَ، أَنَّهَا قَصَّتْهَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَقَالَ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ رَجُلٌ صَالِحٌ، لَوْ كَانَ يُكْثِرُ الصَّلَاةَ مِنَ اللَّيْلِ. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ يُكْثِرُ الصَّلَاةَ مِنَ اللَّيْلِ».

۱۸- عبدالله بن الحارث الزبیدی رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «كُنَّا نَأْكُلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ، الْخُبْزَ وَاللَّحْمَ ثُمَّ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّيْنَا وَلَمْ نَتَوَضَّأْ».

۱۹- عائشه رضی اللہ عنہا روایت کرده است: «أَنَّ أَبَا بَكْرٍ رضی اللہ عنہ، دَخَلَ عَلَيْهَا وَعِنْدَهَا جَارِيَتَانِ فِي أَيَّامٍ مَنَى تَدَفَّقَانِ، وَتَضَرَّبَانِ، وَالنَّبِيُّ ﷺ مُتَعَشٍّ بِثَوْبِهِ، فَانْتَهَرَهُمَا أَبُو بَكْرٍ، وَقَالَ: مِزْمَارَةُ الشَّيْطَانِ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَكَشَفَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ وَجْهِهِ، فَقَالَ: دَعُهُمَا يَا أَبَا بَكْرٍ، فَإِنَّهَا أَيَّامُ عِيدٍ، وَتِلْكَ الْأَيَّامُ أَيَّامُ مَنَى. وَقَالَتْ عَائِشَةُ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَسْتُرُنِي وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى

الْحَبَشَةِ وَهُمْ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ فَرَجَرَهُمْ عُمَرُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: دَعَهُمْ
أَمْنَا بَنِي أَرْوْدَةَ. حَتَّى إِذَا مِلْتُ، قَالَ: حَسْبُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ:
فَاذْهَبِي!».

۲۰- عائشه ؓ روایت کرده است: «أَنَّ وَلِيدَةً كَانَتْ سَوْدَاءَ لِحْيٍ مِنَ
الْعَرَبِ، فَأَعْتَقُوهَا، فَكَانَتْ مَعَهُمْ، قَالَتْ: فَخَرَجْتُ صَبِيَّةً لَهُمْ عَلَيْهَا
وِشَاحٌ أَصْفَرٌ مِنْ سُيُورٍ، قَالَتْ: فَوَضَعْتُهُ - أَوْ وَقَعَ مِنْهَا - فَمَرَّتْ بِهِ
حَدِيَاةٌ وَهُوَ مُلْقَى، فَحَسِبْتُهُ لَحْمًا فَخَطَفْتُهُ، قَالَتْ: فَالْتَمَسُوهُ، فَلَمْ
يَجِدُوهُ، قَالَتْ: فَاتَّهَمُونِي بِهِ، قَالَتْ: فَطَفِقُوا يُفْتَشُونَ حَتَّى فَتَشُوا
قُبْلَهَا، قَالَتْ: وَاللَّهِ إِنِّي لَقَائِمَةٌ مَعَهُمْ، إِذْ مَرَّتِ الْحَدِيَاةُ فَأَلْقَتْهُ، قَالَتْ:
فَوَقَعَ بَيْنَهُمْ، قَالَتْ: فَقُلْتُ هَذَا الَّذِي اتَّهَمْتُمُونِي بِهِ، رَعِمْتُمْ وَأَنَا مِنْهُ
بَرِيئَةٌ، وَهُوَ ذَا هُوَ، قَالَتْ: فَجَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَسْلَمْتُ، قَالَتْ
عَائِشَةُ: «فَكَانَ لَهَا خِيبَاءٌ فِي الْمَسْجِدِ - أَوْ حِفْشٌ».

۲۱- ابوقتاده أنصاری ؓ روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي
وَهُوَ حَامِلٌ أُمَامَةَ بِنْتِ زَيْنَبَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَلَأَبِي الْعَاصِ بْنِ
رَبِيعَةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسٍ فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا، وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا».

۲۲- عباد بن عبدالله روایت کرده است: «أَنَّ عَائِشَةَ ؓ أَمَرَتْ أَنْ يَمَرَّ
بِحَنَازَةِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ ؓ فِي الْمَسْجِدِ، فَتُصَلِّيَ عَلَيْهِ، فَأَنْكَرَ
النَّاسُ ذَلِكَ عَلَيْهَا، فَقَالَتْ: مَا أَسْرَعَ مَا نَسِيَ النَّاسُ، مَا صَلَّى رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ عَلَى سُهَيْلِ ابْنِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ».

۲۳- عبدالله بن عباس ؓ روایت کرده است: «طَافَ النَّبِيُّ ﷺ فِي حَجَّةِ
الْوَدَاعِ عَلَى بَعِيرٍ، يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ بِمِحْجَنٍ».

۲۴- ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ حَبِلاً قَبْلَ نَجْدٍ، فَجَاءَتْ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي حَنِيفَةَ يُقَالُ لَهُ: ثُمَامَةُ بْنُ أُثَالٍ، فَرَبَطُوهُ بِسَارِيَةٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: أَطْلِفُوا ثُمَامَةَ، فَانْطَلَقَ إِلَى نَخْلٍ قَرِيبٍ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَاعْتَسَلَ، ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

۲۵- عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ بِالْمَسَاجِدِ أَنْ تُبْنَى فِي الدُّورِ، وَأَنْ تُطَهَّرَ وَتُطَيَّبَ».

۲۶- پیامبر ﷺ هنگام خروج به مسجد فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي فَوْقِي نُورًا، وَفِي تَحْتِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا، وَفِي أَمَامِي نُورًا، وَفِي خَلْفِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَأَعْظِمْ لِي نُورًا، وَعَظِّمْ لِي نُورًا، وَاجْعَلْ لِي نُورًا، وَاجْعَلْ لِي نُورًا، اللَّهُمَّ أَعْظِمْ لِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي عَصِي نُورًا، وَفِي لَحْيِي نُورًا، وَفِي دَيْئِي نُورًا، وَفِي شَعْرِي نُورًا وَفِي بَشْرِي نُورًا».

۲۷- ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا تَأْتُوهَا تَسْعُونَ، ائْتَوْهَا تَمْشُونَ عَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأْتُوا».

۲۸- ابوقتاده رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ، فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ». «پیامبر ﷺ فرمودند: هرگاه یکی از شما داخل مسجد شد، تا دو رکعت نماز نخواند ننشیند».

۲۹- ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى».

۳۰- عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى عَنِ الشِّرَاءِ وَالْبَيْعِ فِي الْمَسْجِدِ، وَأَنْ تُنْشَدَ فِيهِ صَلَاةٌ، وَأَنْ يُنْشَدَ فِيهِ شِعْرٌ، وَنَهَى عَنِ التَّحَلُّقِ قَبْلَ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ».

۳۱- عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: ما أُمِرْتُ بِتَشْيِيدِ الْمَسَاجِدِ. قال ابنُ عباس: لَتُزَخْرِفُنَهَا كما زَخَرَفَتْ الْيَهُودُ وَالتَّصَارِيُّ».

۳۲- عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده است: «كَانَتْ امْرَأَةٌ لِعُمَرَ تَشْهَدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْعِشَاءِ فِي الْجَمَاعَةِ فِي الْمَسْجِدِ، فَقِيلَ لَهَا: لِمَ تَخْرُجِينَ وَقَدْ تَعْلَمِينَ أَنَّ عُمَرَ يَكْرَهُ ذَلِكَ وَيَعَارُ؟ قَالَتْ: وَمَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْهَانِي؟ قَالَ: يَمْنَعُهُ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ».

۳۳- همسر ابوحمید الساعدی رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّهَا جَاءَتْ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنِّي أُحِبُّ الصَّلَاةَ مَعَكَ! قَالَ ﷺ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ تُحِبِّينَ الصَّلَاةَ مَعِيَ وَصَلَاتُكَ فِي بَيْتِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي حُجْرَتِكَ وَصَلَاتُكَ فِي حُجْرَتِكَ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكَ فِي دَارِكَ وَصَلَاتُكَ فِي دَارِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكَ وَصَلَاتُكَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِي قَالَ فَأَمَرْتُ فَبَنِيَ لَهَا مَسْجِدًا فِي أَقْصَى شَيْءٍ مِنْ بَيْتِهَا وَأَظْلَمِهِ فَكَانَتْ تُصَلِّي فِيهِ حَتَّى لَقِيَ اللَّهُ ﷻ».

۳۴- زید بن ثابت رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اتَّخَذَ حُجْرَةً فِي رَمْضَانَ، فَصَلَّى فِيهَا لَيْلًا، فَصَلَّى بِصَلَاتِهِ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَلَمَّا عَلِمَ بِهِمْ جَعَلَ يَقْعُدُ، فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: قَدْ عَرَفْتُ الَّذِي رَأَيْتُمْ مِنْ صَنِيعِكُمْ، فَصَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنْ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةُ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةُ».

۳۵- عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ، فِي تَنْعُلِهِ، وَتَرَجُّلِهِ، وَطُهْرِهِ، وَفِي شَانِهِ كُلِّهِ».

۳۶- جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الْبُقْلَةِ، الثُّومِ - وَقَالَ مَرَّةً: مَنْ أَكَلَ الْبَصَلَ وَالثُّومَ وَالْكُرَّاثَ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَّى مِمَّا يَتَأَذَّى مِنْهُ بَنُو آدَمَ».

۳۷- عبدالله عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ عُمَرَ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ، قَالَ: كُنْتُ نَذَرْتُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَنْ أَعْتَكَفَ لَيْلَةً فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ قَالَ ﷺ: فَأَوْفِ بِنَذْرِكَ».

۳۸- ابوسعید الخدری رضی الله عنه روایت کرده است: «اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ، فَسَمِعَهُمْ يَجْهَرُونَ بِالْقِرَاءَةِ، وَهُوَ فِي قُبَّةٍ لَهُ، فَكَشَفَ السُّتُورَ وَقَالَ ﷺ: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ يُنَاجِي رَبَّهُ، فَلَا يُؤْذِي بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَلَا يَرْفَعَنَّ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ - أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ».

۳۹- کعب بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّهُ تَقَاصَى ابْنُ أَبِي حَدَرٍ دَيْنًا كَانَ لَهُ عَلَيْهِ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَرْتَفَعَتْ أَصَوَاتُهُمَا حَتَّى سَمِعَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ، فَخَرَجَ إِلَيْهِمَا حَتَّى كَشَفَ سِجْفَ حُجْرَتِهِ، فَنَادَى يَا كَعْبُ، قَالَ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: صَعُ مِنْ دَيْنِكَ هَذَا

وَأَوْمَأَ إِلَيْهِ أَيْ الشَّطْرَ، قَالَ: لَقَدْ فَعَلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: قُمْ فَاقْضِهِ».

۴۰- جابر بن عبدالله رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ الْمُقَدَّمُ، وَشَرُّهَا الْمُؤَخَّرُ، وَشَرُّ صُفُوفِ النِّسَاءِ الْمُقَدَّمُ، وَخَيْرُهَا الْمُؤَخَّرُ، ثُمَّ قَالَ: يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ، إِذَا سَجَدَ الرِّجَالُ فَأَغْضُضْنَ أَبْصَارَكُنَّ، لَا تَرَيْنَ عَوْرَاتِ الرِّجَالِ مِنْ ضَيْقِ الْأُزْرِ».

حدیث اول: تاریخچه مسجد

ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيُّ مَسْجِدٍ وُضِعَ فِي الْأَرْضِ أَوَّلُ؟ قَالَ: «الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ» قَالَ: قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى! قُلْتُ: كَمْ كَانَ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: أَرْبَعُونَ سَنَةً، ثُمَّ أَتَيْنَا أَذْرَكْتَكَ الصَّلَاةَ بَعْدَ فَصْلَةٍ، فَإِنَّ الْفَضْلَ فِيهِ».^۱ «به پیغمبر خدا ﷺ گفتم: کدامین مسجد برای اولین بار در زمین بنا شد؟ ای شان ﷺ فرمودند: «مسجد الحرام» ابوذر گفت: گفتم: بعد از آن؟ ای شان ﷺ فرمودند: مسجد الاقصی! گفتم: چند سال بین آنها

۱- (صحیح): بخاری (ش ۳۳۶۶ و ۳۴۲۵) / مسلم (ج ۱ ص ۳۷۰) / نسایی (ش ۶۹۰) / ابن ماجه (ش ۷۵۳) از طریق (حفص بن غیاث و عبدالواحد بن زیاد و ابومعاویة الضریر و علی بن مسهر) روایت کرده‌اند: «حدثنا الأعمش حدثنا إبراهيم التيمي عن أبيه قال: سمعت أبا ذر رضی الله عنه قال: قلت يا رسول الله...».

۲- مکه در لغت از (مکّ) که به معنای مکیدن می‌باشد، و بعد از ساختن کعبه، مکه و بکّه نام گرفت و از این جهت که گناهان حاجیان را می‌مکد، مکه نامیده شده است؛ زیرا وقتی حاجی، به حج و زیارت خانه خدا می‌رود، خداوند ﷻ گناهانش را پاک می‌کند و همانند روزی می‌باشد که از مادر به دنیا آمده و عاری از پلیدی گناه می‌باشد؛ چراکه ابوهیرره روایت کرده است: «سمعت النبي ﷺ يقول: مَنْ حَجَّ لِلَّهِ، فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». «از پیغمبر ﷺ شنیدم که هرکس برای خداوند حج کند درحالیکه همبستری و فسق و گناه نکرده باشد، (از حج در حالی) برمی‌گردد مانند روزی که از مادرش متولد شده است».

و آن بکّه نیز خوانده می‌شود، که از بکی به معنای گریه کردن می‌باشد؛ شاید بدین دلیل بکه خوانده می‌شود که مردم در آنجا گریه می‌کنند. (نک: ابن فارس، مقاییس اللغة، ۱/۱۸۶).

بوده؟ فرمودند: چهل سال، هر جاییکه وقت نماز داخل گردید، نمازت را در آنجا بخوان، که فضیلت نماز در اوّل وقت است».

اوّلین مسجدی که زمین با وجود آن آراسته شد و مایه رحمت و برکت و شوکت گردید مسجد الحرام می باشد، مسجد الحرام در مکه^۱ مکرمه در غرب جزیره العرب واقع شده است که کعبه در وسط آن قرار دارد و آن در اسلام دارای فضائل مختلف و والایی می باشد، از جمله:

کعبه نخستین خانه ای می باشد -از حیث قدمت و حرمت- که با دست انبیاء علیهم السلام جهت پرستش و نیایش صحیح خداوند یگانه برای مردم بنیانگذاری گشته است، و یکی از بزرگترین و باشکوه ترین عبادت ها یعنی؛ حج در آنجا برپا می شود. خداوند عز و جل می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿۶۱﴾ فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۶۷﴾﴾ [آل عمران: ۹۶-۹۷]. «نخستین خانه ای (از حیث قدمت و حرمت که با دست انبیاء جهت پرستش و نیایش صحیح خداوند یگانه) برای مردم بنیانگذاری

(صحیح): بخاری (ش ۱۵۲۱ و ۱۸۱۹ و ۱۸۲۰) / مسلم (ج ۲ ص ۹۸۴) / ترمذی (ش ۸۱۱) / نسایی (ش ۲۶۲۷) / ابن ماجه (ش ۲۸۸۹) از طریق (سیار أبو الحكم ومنصور بن المعتمر) روایت کرده اند: «سمعت أبا حازم قال سمعت أبا هريرة رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: من حج لله فلم يرفث ولم يفسق رجع كيوم ولدته أمه».

۱- بدان مسجد الاقصی گفته می شود بخاطر دوری آن با مسجد الحرام و یا گفته شده چون غیر آن مکانی برای عبادت نبوده است و نیز گفته شده: بخاطر پاک و مبرا بودنش از هر نوع ناپاکی و پلیدی و پلشتی. به آن بیت المقدس نیز می گویند که آن هم به معنای پاک شده از پلیدی می باشد. رک: ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۴۰۸/۶.

گشته است، خانه‌ای است که در مکه قرار دارد (و کعبه نام و از لحاظ ظاهر و باطن) پر برکت و نعمت است و مایه هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشنی است، مقام ابراهیم (یعنی مکان نماز و عبادت او از جمله آنها است). و هر کس داخل آن (حرم) شود در امان است. و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانایی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همة جهانیان بی‌نیاز است».

کعبه قبله مسلمانان بوده که در نماز و در دیگر عبادات به آن رو می‌کنند. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۹]. «از هر مکانی که بیرون شدی نماز رو به سوی مسجدالحرام کن و این روکردنت (از همة نقاط زمین به سوی مسجدالحرام) بیگمان حق (ثابت و موافق مصلحت) است و از جانب پروردگارت می‌باشد، و خدا از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست».

خانه کعبه توسط آدم ﷺ برای بار اول ساخته شد، و توسط ابراهیم خلیل ﷺ و فرزند بزرگوارش اسماعیل ﷺ تجدید بنا گردید^۱. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷]. «و (به یاد آورید) آن گاه را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (ی کعبه) را بالا می‌بردند (و در اثنای آن دست دعا به سوی خدا برداشته و می‌گفتند): ای پروردگار ما! (این عمل را) از ما بپذیر، بی‌گمان تو شنوا و دانا هستی».

۱- رک: ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۴۰۸/۶ و ۴۰۹.

و پس از چهل سال حضرت آدم علیه السلام به ساختن بیت المقدس اقدام نمود و حضرت سلیمان علیه السلام هم آن را تجدید بنا کردند.^۱

حدیث دوم: همه جای زمین مسجد است

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، وَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ، وَأُحِلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ»^۲. «پیامبر خدا ﷺ فرمودند: به من پنج چیز داده شده که به هیچکدام از پیامبران پیش از من داده نشده است: دشمنانم از فاصله‌ی یک ماه راه از من ترسانده شده‌اند، و زمین برای من مسجد و پاک قرار داده شده است، و هر انسانی از امت من به وقت نماز رسید (در همان زمان و مکان) نماز بخواند، و برای من غنائم حلال شده و هر پیامبری برای قوم خاص خودش برانگیخته می‌شد ولی من برای همه مردم مبعوث شده‌ام و نیز به من شفاعت داده شده است».

مسجد یعنی؛ مکانی برای نماز که اگرچه فقها تعاریف مختلف از آن ارائه داده‌اند، در واقع مسجد مکانی اختصاصی برای نماز می‌باشد که فقط و فقط برای خداوند ﷻ و عبادت او بنا شده است که البته بنا بر حدیث فوق به هر

۱- رک: ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۴۰۸/۶ و ۴۰۹.

۲- (صحیح): بخاری (ش ۴۳۸ و ۳۳۵) / مسلم (ش ۱۱۹۱) / نسایی (ش ۴۳۲) از طریق

(یحیی بن یحیی و سعید بن نصر و محمد بن سنان و حسن بن اسماعیل) روایت

کرده‌اند: «حدثنا هشيم قال أنبأنا سيار عن يزيد عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله ﷺ: ...».

مکانی که در آن عبادت خداوند ﷻ شود و بر او سجده شود نیز اطلاق می‌گردد که بنابر عرف مکانی که برای برپایی نمازهای پنجگانه برپا شده مسجد گفته می‌شود تا مصلی، نمازخانه، جامع و غیره از آن خارج شود و احکام و فضیلت مسجد شامل آنها نمی‌گردد^۱.

با همه این اوصاف از این حدیث محرز است که یکی از نعمتهای خاص پروردگار ﷻ به پیامبر اکرم ﷺ و امتش پاک بودن زمین برای عبادت خداوند ﷻ و جواز بنا کردن مسجد برای کسب رضای خداوند ﷻ در همه جای کره خاکی می‌باشد. این نعمت آسانی، راحتی و فرحی خاص دربردارد که همه انسانها، در همه مکانها و در موقعیتهای مختلف می‌توانند مسجدی بنا کنند و از فضایل وصف‌ناپذیر و نایاب و شگرف آن بهره‌مند شوند.

حدیث سوّم: مساجد بهترین مکانها نزد خداوند ﷻ

ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ ﷻ مَسَاجِدُهَا، وَأَبْغَضُ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ ﷻ أَسْوَاقُهَا»^۲. «پیامبر خدا ﷺ فرمودند: دوستداشتنی‌ترین (مکان آبادی‌ها و) شهرها در نزد خداوند ﷻ مساجد آن و منفورترین آن در نزد خداوند بازارهای‌شان می‌باشد».

۱- نک: تفسیر النسفی، ۴/ ۱ - ۳؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۲/ ۷۸.

۲- (صحیح): مسلم (ج ۱ ص ۴۶۴) روایت کرده است: «حدثنا هارون بن معروف وإسحاق بن موسى الأنصاري، قالَا حدثنا أنس بن عياض حدثني ابن أبي ذباب في رواية هارون وفي حديث الأنصاري حدثني الحارث عن عبد الرحمن بن مهران مولى أبي هريرة عن أبي هريرة أن رسول الله ﷺ قال: ...».

مساجد به دلیل اینکه با مجوّز خداوند ﷺ ساخته شده‌اند و از روز نخست بر پایه تقوا بنا گردیده و محل عبادت و مناجات با خداوند عظیم ﷻ می‌باشند و محل نزول رحمت و برکت هستند و انسان نور پرفروغ و عظیم خداوند ﷻ را آنجا با سیر و سلوک عارفانه و عابدانه خواهد یافت، بهترین، بلندمرتبه‌ترین، بزرگترین، برترین و باشکوه‌ترین مکانها بر روی کره خاکی می‌باشند. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحَ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْآصَالِ﴾ [النور: ۳۶]. «(اگر در جستجوی نور پرفروغ خداوند هستید، آن را بجوئید) در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است برافراشته شوند و در آنها نام خدا برده شود (و با ذکر و یاد او، و با تلاوت آیات قرآنی، و بررسی احکام آسمانی آباد شود. خانه‌های مسجد نامی که) در آنها سحرگاهان و شامگاهان به تقدیس و تنزیه یزدان می‌پردازند».

بدین خاطر است که هیچ مکانی فضیلت مسجد را ندارد و مجوّزی مانند مسجد برای ساخت و بنا ندارد ولی بازارها به دلیل وجود گناه و معصیت و اختلاط مردان و زنان به حرامی و وجود ربا و غصب و دزدی و کلاهبرداری و فساد بدترین مکان‌ها در نزد خداوند ﷻ می‌باشند. و انسان مسلمان هم چیزی که خداوند آن را دوست داشته دوست می‌دارد؛ و چیزی که از ان بیزار بوده بیزاری می‌جوید.

حدیث چهارم: هدف اصلی از ایجاد مساجد

انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «بَيْنَمَا نَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَامَ يَبُولُ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: مَهْ مَهْ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تُزِرْمُوهُ دَعْوُهُ فَتَرْكُوهُ حَتَّى بَالَ، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ

دَعَا فَقَالَ لَهُ: إِنَّ هَذِهِ الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلُحُ لَشَيْءٍ مِنْ هَذَا الْبَوْلِ، وَلَا الْقَدَرِ إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ ﷻ، وَالصَّلَاةِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ: فَأَمَرَ رَجُلًا مِنَ الْقَوْمِ فَجَاءَ بِدَلْوٍ مِنْ مَاءٍ فَشَنَّهُ عَلَيْهِ^۱. «در موقعیکه ما در مسجد با رسول خدا ﷺ بودیم، مرد عرب بادیه‌نشین آمد و در مسجد شروع به ادرار کردن نمود. یاران رسول خدا ﷺ گفتند: وی را باز دارید، وی را باز دارید. انس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: از وی ممانعت نکنید، به حال خودش واگذارید، آنها وی را به حال خود گذاشتند تا ادرار کرد. سپس رسول خدا ﷺ وی را صدا کردند و به وی فرمودند: این مساجد برای این اعمال همچون ادرار و پلیدی و پلشتی ساخته نشده‌اند، بلکه برای ذکر خداوند و نماز و قرائت قرآن می‌باشند یا سخنی مانند این را فرمودند، انس گفت: به مردی از قوم امر فرمود و با سطلی از آب آمد و بر آن ریخت».

این فرموده بیانی صریح از مقصد و غایت ساختن مسجد می‌کند و آن عبادت کردن و پرستش ربّ العالمین خالق یکتا ﷻ می‌باشد، جدای از این مهم، این حدیث بیانگر احکام مهمّی می‌باشد که فهم و دقّت در آن از اهمیّت خاص برخوردار می‌باشد از جمله:

- وجود هرگونه پلیدی و پلشتی مادّی و معنوی در مسجد حرام است و مسلمانان باید از وجود و انجام آن خودداری و ممانعت کنند. جدای از نجاسات مادّی همچون ادرار و خون و خوک و باید از اعمال حرام و خلاف شریعت در محدوده مسجد همچون غیبت،

۱- (صحیح): مسلم (ج ۱ ص ۲۳۶) روایت کرده است: «حدثنا زهير بن حرب حدثنا عمر بن يونس الحنفي حدثنا عكرمة بن عمار حدثنا إسحاق بن أبي طلحة حدثني أنس بن مالك - وهو عم إسحاق - قال: بينما نحن في المسجد مع رسول الله ﷺ: ...».

تهمت، سخنان منافی عَقّت و ادب، انجام رفتارهای بد و ... خودداری شود؛ چرا که وقتی ظاهر مسجدی از ناپاکها دور می‌گردد، به طریق اولی باید ناپاکی‌های باطن را از آن دفع نمود.

- فقها اتفاق نظر دارند که ماندن انسان مُحدَث یعنی؛ کسی که وضو ندارد در مسجد جایز است، چون پیامبر ﷺ امر به خارج کردن مرد اعرابی نکردند.

- ماندن در مسجد برای عبادت و اعتکاف و انتظار نماز مستحب می‌باشد ولی ماندن بدون دلیل و نشستن در آن بدون هیچ هدفی مُباح می‌باشد.

- رفتار پیامبر خدا ﷺ در ارتباط با مرد اعرابی الگویی زیبا و دقیق برای هر مسلمانی می‌باشد که با دیدن اعمال بد و ناروا از دیگران و نهی از منکر با عجله اقدام نکند و با نهایت ادب و احترام و آرامش با شخص برخورد کرده و آنچه را که باید تبلیغ کند و به شخص برساند و حتّی در پاک کردن اشتباهات به وی کمک کند؛ چراکه پیامبر ﷺ به اعرابی امر نکرد که ادرارش را پاک کند، شخص دیگری را مأمور پاک کردن کردند.

- هر مکان و شیئی آغشته به ادرار و مشابه آن با ریختن آب بر آن پاک می‌شود؛ همچنانکه در این روایت دیدیم که رسول الله ﷺ فرمودند که یک سطل آب روی آن ادرار بریزید؛ و اگر پاک نمی‌شد، ریختن آب روی آن معنی ندارد.

حدیث پنجم: فضیلت نماز خواندن در مسجد الحرام و

مسجد النبی ﷺ

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ»^۱. «پیغمبر خدا ﷺ فرمودند: نماز در مسجد من برتر از هزار نماز در غیر آنجا می باشد بجز در

۱- (صحیح): احمد، المسند (ش ۱۴۶۹۴ و ۱۵۲۷۱) / ابن ماجه (ش ۱۴۰۶) / طحاوی، شرح مشکل الآثار (ج ۲ ص ۶۲) / ابن منذر، الاوسط (ش ۲۴۹۵) / ذهبی، سیر اعلام النبلاء (ج ۲۲ ص ۲۵۵) / ابن الاعرابی، المعجم (ش ۱۵۱۰) / ابن عبدالهادی، تنقیح التحقيق فی أحادیث التعليق (ش ۲۱۷۹) / ابن عبدالبر، التمهيد (ج ۶ ص ۲۷) از طریق (حسین بن محمد عبدالجبار بن محمد وزکریا بن عدی و علی بن معبد و احمد بن عبدالملک و عبدالله بن مروان و سلیمان بن عبدالله) روایت کرده اند: «حدثنا عبيدالله ابن عمرو الرقي عن عبد الكريم (بن مالک) عن عطاء (بن ابی رباح) عن جابر قال: قال رسول الله ﷺ: ...». و رجالش «رجال صحيحين» بوده و اسنادش هم صحیح می باشد.

و امام منذری گفته است: «اسناده صحيح».

و امام ابن عبدالهادی هم گفته است: «حديث صحيح».

و امام البوصیری هم گفته است: «هذا إسناد صحيح رجاله ثقات»

و حافظ عراقی گفته است: «اسناده جيد».

و امام ابن حجر گفته است: «رجالہ ثقات» [ابن حجر، فتح الباری (ج ۳ ص ۶۷) /

عراقی، طرح التثريب (ج ۸ ص ۲۶۷) / منذری، الترغيب والترهيب (ج ۲ ص ۱۳۹) / ابن

عبدالهادی، تنقیح التحقيق فی أحادیث التعليق (ج ۳ ص ۵۰۰) / البوصیری، مصباح

الزجاجة (ج ۱ ص ۲۵۰)].

مسجد الحرام که نماز در مسجد الحرام برتر از صدهزار نماز در غیر آنجا می باشد».

این حدیث بیانی آشکار در تقدیس این دو مسجد و فضیلت عبادت بالأخص نماز در آنها می باشد. اگرچه برخی از علما این فضیلت را حمل بر نماز فرض و نفل می کنند ولی با توجه به فرموده پیامبر ﷺ این فضیلت به نماز فرض اختصاص دارد؛ چراکه ای شان ﷺ در فرموده ای به طور مطلق ابراز می دارند: «أَفْضَلُ صَلَاةٍ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ»^۱. «برترین نماز انسان در خانه اش می باشد بجز نمازهای واجب».

بنابر این حدیث خواندن نمازهای نفل در خانه از هر جای دیگر حتی این دو مسجد برتر است^۲.

حدیث ششم: فضیلت نماز خواندن در مسجد الأقصی

عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ اللَّهَ ثَلَاثًا، أَعْطَاهُ اثْنَتَيْنِ، وَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ قَدْ أَعْطَاهُ الثَّالِثَةَ: سَأَلَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَسَأَلَهُ حُكْمًا يُوَاطِئُ حُكْمَهُ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَسَأَلَهُ مَنْ أَتَى هَذَا الْبَيْتَ، يُرِيدُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ، لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فِيهِ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ حَظِيَّتِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

۱- (صحیح): بخاری (ش ۷۳۱ و ۶۱۱۳ و ۷۲۹۰) / مسلم (ش ۱۸۶۱) / ابوداود (ش ۱۰۴۶ و ۱۴۴۹) / نسایی (ش ۱۵۹۹) از طریق (موسی بن عقبه و عبدالله بن سعید و ابراهیم بن ابی النضر) روایت کرده اند: «عن سالم أبي النضر عن بسر بن سعيد عن زيد بن ثابت أن رسول الله...».

۲- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، شماره ۱۹۰۵.

وَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ قَدْ أَعْطَاهُ الثَّالِثَةَ^۱. «از پیغمبر خدا ﷺ روایت شده که فرمود: سلیمان پسر داود علیهما السلام سه چیز از خداوند خواست، خداوند دو مورد

۱- (صحیح): احمد، المسند (ش ۶۶۴۴) روایت کرده است: «حدثنا معاوية بن عمر و الازدی حدثنا إبراهيم بن محمد أبو إسحاق الفزاري حدثنا الأوزاعي حدثني ربيعة بن يزيد عن عبدالله بن الديلمي قال دخلت على عبدالله بن عمر و وهو في حائط له بالطائف يقول: ...». و ابواسحاق الفزازی هم متابعه شده و ابن حبان (ش ۶۴۲۰ و ۱۶۳۳) / طبرانی، المعجم الاوسط (ج ۹ ص ۱۵) / طحاوی، شرح مشکل الآثار (ج ۹ ص ۲۱۱) / فسوی، المعرفة و التاريخ (ج ۲ ص ۲۹۳) از طریق (بشر بن بکر و الولید بن مزید و الولید بن مسلم) روایت کرده اند: «ثنا الأوزاعي حدثني ربيعة بن يزيد حدثني عبدالله بن الديلمي سمعت عبدالله بن عمرو بن العاص يقول: ...».

و اوزاعی هم متابعه شده و نسایی (ش ۶۹۳) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۱۳ ص ۶۳۱) / ابوزرع، الفوائد المعلقة (ش ۱۱) / فریابی، القدر (ش ۵۷) / فسوی، المعرفة و التاريخ (ج ۲ ص ۵۲۱) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۲۲ ص ۲۹۴ و ج ۳۱ ص ۴۰۳) / خطیب بغدادی، الرحلة فی طلب الحديث (ص ۱۹۳) از طریق (سعید بن عبدالعزیز و معاوية بن صالح) روایت کرده اند: «عن ربيعة بن يزيد عن عبدالله الديلمي عن ابن الديلمي عن عبدالله بن عمر و يقول: ...».

و ربيعة بن يزيد الایادی هم متابعه شده و حاکم، المستدرک (ش ۳۶۲۴ و ۸۳) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۱۳ ص ۶۲۹ و ۶۳۰) و المعجم الاوسط (ج ۷ ص ۴۹) / ابن ماجه (ش ۱۴۰۸) / ابن خزيمة (ش ۱۳۳۴) / بیهقی، شعب الایمان (ش ۳۸۷۷) / حکیم الترمذی، نوادر الاصول (ش ۴۳۲ و ۴۳۱) / مزی، تهذیب الکمال (ج ۱۹ ص ۲۲) / خطیب بغدادی، الرحلة فی طلب الحديث (ص ۱۹۷) از طریق (عروة بن روم و یحیی بن ابی عمرو) روایت کرده اند: «ثنا عبدالله بن الديلمي دخلت على عبدالله بن عمر و بن العاص وهو في حائطٍ يقول: ...». و رجال احمد «رجال صحيحين» بوده جز عبدالله بن فیروز الديلمي که «ثقة» و مترجم در تهذیب می باشد.

و امام ابن حجر هم گفته است: «اسناد صحيح».

از آنها را به وی عطا کرد. و خواهش نمود که سوّمی را هم به وی ببخشد: درخواست کرد که مُلک و پادشاهی به وی عطا کند که به کسی غیر از او داده نشود، پس خداوند آن را به وی عطا کرد، و درخواست کرد هر قضاوتی که می‌کند موافق حکم خداوند باشد، پس خداوند آن را به وی عطا کرد، و درخواست کرد که هرکس به این خانه بیاد منظورش بَیْتُ الْمَقْدِس بود که هیچ هدف و مقصدی جز نماز در آن نداشته باشد، گناهانش به گونه‌ای بخشیده شوند مانند (روزی که) از مادر به دنیا آمده باشد. رسول الله ﷺ فرمود: و من امیدوارم که خداوند این سوّمی را به وی عطا کرده باشد».

مسجد الأقصى دارای فضایل مختلفی می‌باشد، از جمله:

- اوّلین قبله مسلمانان بوده و آنها قبل از اتّجاه به کعبه به‌سوی آن نماز می‌خواندند.

- إسرائ پیامبر ﷺ در شب معراج قبل از هجرت رو به‌سوی این مسجد بوده، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنْ

و امام نووی هم گفته است: «اسناد صحیح».

و امام حاکم نیشابوری گفته است: «هذا حدیث صحیحٌ قد تداوله الأئمة وقد احتجا بجميع رواته ثم لم يخرجاه ولا أعلم له علة».

و امام ذهبی هم گفته است: «على شرطها ولا علة له» [حاکم، المستدرک مع التلخیص للذهبی (ش ۸۳) / نووی، المجموع (ج ۸ ص ۲۷۸) / ابن حجر، فتح الباری (ج ۶ ص ۴۰۸)].

باید اشاره کنیم که در روایت نسایی (ش ۶۳۹) به جای عبدالله الدیلمی، (ابوادریس الخولانی) آمده که خطا می‌باشد؛ وسعید بن عبدالعزیز مخالف سایر روایان یعنی (اوزاعی و معاویة بن صالح و عروة بن رویم و یحیی بن ابی عمرو) آن را روایت کرده است. هرچند هر دو راوی (عبدالله الدیلمی و ابوادریس الخولانی) ثقة بوده و خللی در اسناد ایجاد نمی‌کند.

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ
 عَائِلَتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾ [الإسراء: ۱]. «تسبیح و تقدیس
 خدائی را سزا است که بنده‌ی خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از
 مسجدالحرام به مسجدالاقصی (بیت‌المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را
 پربرکت ساخته‌ایم. تا برخی از نشانه‌های خود را بدو بنمایانیم. بی‌گمان
 خداوند بس شنوا و بینا است».

- همچنین طبق این روایت، ساخت آن توسط یکی از پیامبران بزرگ
 الهی صورت گرفته که این بر اهمیت موضوع می‌افزاید.
- وعلاوه بر اینها، هرکس به قصد نماز خواندن به مسجد الاقصی برود،
 خداوند ﷻ تمامی گناهان گذشته وی را خواهد بخشید و چه
 فضیلتی بزرگتر از این می‌باشد!

با همه این فضایل از بزرگ‌ترین فضیلت آن طبق فرموده پیامبر ﷺ، نماز
 خواندن در آن موجب بخشیده شدن تمامی گناهان و همانند روزی که
 انسان معصوم از مادر به دنیا می‌آید، می‌باشد؛ که امید است، خداوند قدیر و
 رحیم این توفیق را به تمامی مسلمانان عطا کنند که بار سفر به آنجا ببندند
 و دست صهیونیست غاصب و ملعون از آنجا کنده شود و رایت توحید و
 ایمان در آنجا برافراشته گردد.

حدیث هفتم: فضیلت نماز خواندن در مسجد قبا

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءٍ كُلَّ سَبْتٍ، مَاشِيًا وَرَاكِبًا. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ رضی الله عنهما يَفْعَلُهُ^۱.» «پیغمبر ﷺ هر روز شنبه پیاده یا سواره به مسجد قُبا می آمدند. و عبدالله بن عمر رضی الله عنهما (هم به تبعیت از ایشان) این کار را انجام می دادند».

و او در «مَاشِيًا وَرَاكِبًا» به معنای او یعنی؛ یا می باشد و بنابر آنچه برای پیغمبر ﷺ امکان داشت شنبه ها به مسجد قُبا (که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده بود) رفته اند و از آنجاییکه روایت با کان همراه فعل مضارع آمده استمرار و تکرار را می رساند و این نشانۀ فضیلت این مسجد مُبارک و تکرار این عمل توسط پیامبر ﷺ می باشد. و اگر فضیلتی نداشته، چرا پیامبر ﷺ هر شنبه به زیارتش می رفتند؟!.

همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما هم بنابر تبعیت وافر و دقیق از سنت های پیغمبر ﷺ این عمل را تکرار و تبعیت می کردند.

۱- (صحیح): بخاری (ش ۱۱۹۳) / مسلم (ش ۳۴۶۲ و ۳۴۶۱) از طریق (عبد العزیز بن

مسلم و سفیان بن عیینه) روایت کرده است: «عن عبدالله بن دينار عن ابن عمر رضی الله عنهما

قال كان النبي ﷺ ...».

حدیث هشتم: فضیلت ساختن مسجد

عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت کرده است: «سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ»^۱. «از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر کس مسجدی را برای خداوند بنا کند، خداوند مانند آن را در بهشت برایش بنا می کند».

اساس بهره‌مندی از این فضیلت آن است که مسجد خالصانه برای رب العالمین و بر مبنا و پایه تقوا و پرهیز از مخالفت فرمان خدا جل جلاله و جلب خوشنودی او بنیاد نهاده شود. خداوند جل جلاله می فرماید: ﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸]. «...مسجدی (مانند مسجد قبا) که از روز نخست بر پایه تقوا بنا گردیده است سزاوار آن است که در آن برپای ایستی و نماز بگزاری. در آنجا کسانی هستند که می خواهند (جسم و روح) خود را پاکیزه دارند و خداوند هم پاکیزگان را دوست می دارد».

کلمه «مِثْلَهُ» در حدیث صفتی برای مصدری محذوف می باشد یعنی؛ برای وی بنایی مانند آن را بنا می کنند. لفظ «مثل» یعنی؛ همانند و شبیه در کمیّت و کیفیّت. ولی با توجه به فرموده خداوند جل جلاله که می فرماید:

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۵۰) / مسلم (ج ۱ ص ۳۷۸ و ج ۴ ص ۲۲۷۸) / ترمذی (ش ۳۱۸) / ابن ماجه (ش ۷۳۶) از طریق (عبدالله الخولانی و محمود بن لبید) روایت کرده اند: «أنه سمع عثمان بن عفان يقول عند قول الناس فيه حين بنى مسجد الرسول ﷺ: إنكم أكثرتم وإني سمعت النبي ﷺ يقول: ...».

﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا﴾ [الأنعام: ۱۶۰]. «هرکس کار نیکی انجام دهد (پاداش مضاعف، دست کم از دریای جود و کرم خداوند معظم) ده برابر دارد...». و نیز ﴿لِيُؤْفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [فاطر: ۳۰]. «تا خداوند اجرشان را به تمام و کمال بدهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید. چرا که خدا آمرزگار و سپاسگزار است». به نظر می‌رسد که خداوند ﷻ حداقل ده خانه با کیفیت والاتر و زیباتر و عظیم‌تر به وی عطا خواهد کرد. جدای از این فضیلت، این فرموده می‌رساند که ساختن مسجد وسیله داخل شدن به بهشت می‌باشد؛ چرا که لازمه بهره‌مندی از خانه‌های بهشتی داخل شدن به بهشت می‌باشد؛ و احتمال هم دارد مقصود این بوده که خداوند به وی خانه‌ای عطا کرده که از ده خانه بهتر باشد.^۱

جدای از این فضایل بنا بر فرموده پیغمبر اکرم ﷺ ثواب و پاداش هر عبادتی در آن مسجد برای بنیانگذار مسجد نوشته می‌شود بدون اینکه از ثواب عابدان کسر شود، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً، فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، كُتِبَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا، وَلَا يَنْقُصُ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ»^۲ «هرکس در اسلام روش نیکی را بنیان نهاد و دیگران به آن عمل

۱- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، شماره ۷۵۶.

۲- (صحیح): مسلم (ج ۴ ص ۲۰۵۹) / ترمذی (ش ۲۶۷۵) / نسایی (ش ۲۵۵۴) / ابن ماجه (ش ۲۰۳) از طریق (عبد الرحمن بن هلال العبسی والمندر بن جریر) روایت کرده‌اند: «عن جریر بن عبد الله قال: جاء ناس من الأعراب إلى رسول الله ﷺ عليهم الصوف فرأى سوء حالهم قد أصابتهم حاجة، فحث الناس على الصدقة فأبطؤا عنه حتى رئي ذلك في وجهه. قال: ثم إن رجلا من الأنصار جاء بصرة من ورق ثم جاء آخر ثم تتابعوا حتى عرف السرور في

نمایند، به اندازه تعداد کسانی که به آن عمل نموده برایش پاداش نوشته می-شود؛ بدون اینکه از اجر آنان چیزی کم گردد».

حدیث نهم: فضیلت نماز جماعت در مسجد

عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^۱. «رسول خدا ﷺ فرمودند: نماز جماعت بر نمازی که تنها خوانده شود، بیست و هفت درجه، برتری دارد».

جدای از اینکه نماز خواندن با جماعت در مسجد چنین فضیلت والایی دارد، این آمدن به مسجد و آبادکردن آن با نماز و عبادت نمادی از ایمان به خداوند ﷻ و روز قیامت می باشد، خداوند ﷻ می-فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (التوبة: ۱۸). «تنها کسی مساجد خدا را (با ورود

ووجهه فقال رسول الله ﷺ: من سن في الإسلام سنة حسنة، فعمل بها بعده كتب له مثل أجر من عمل بها ولا ينقص من أجورهم شيء ومن سن في الإسلام سنة سيئة فعمل بها بعده كتب عليه مثل وزر من عمل بها ولا ينقص من أوزارهم شيء».

۱- (صحیح): بخاری (ش ۶۴۵ و ۶۴۹) / مسلم (ش ۱۵۰۹-۱۵۱۲) / ترمذی (ش ۲۱۵) / نسایی (ش ۸۳۷) / ابن ماجه (ش ۷۸۹) از طریق (مالک بن انس و عبیدالله بن عمر) روایت کرده است: «عن نافع عن ابن عمر أن رسول الله ﷺ قال: صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفذ بسبع وعشرين درجة».

پیوسته به آن) آبادان سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خدا نترسد. امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشند».

بخاطر همین است که انسانی که قلبش در مساجد آویزان است و دلبستگی و محبت خاص به مساجد خداوند ﷻ دارد و پیوسته به مسجد رفته و با عبادت و نیایش و مناجات با خالق خود مساجد را آباد می‌کند، در روز قیامت در روزی که سایه‌ای جز سایه خداوند ﷻ وجود ندارد، در زیر سایه خداوند متعال قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: ... رَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ»^۱ «هفت گروه در روز قیامت، زیر سایه خداوند هستند: ... یکی از آن گروهها، مردی بوده که قلبش وابسته مسجد بوده (و همواره اهل رفتن به مسجد می‌باشد)».

جدای از این فضایل قدم نهادن به‌سوی مسجد نیز عبادت و موجب مصون ماندن از آتش جهنم می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ اغْبَرَّتْ قَدَمَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَرَّمَهُ اللَّهُ، عَلَى النَّارِ»^۲ «هر کس قدمهایش در راه

۱- (صحیح): بخاری (ش ۶۶۰ و ۱۴۲۳) / مسلم (ج ۲ ص ۷۱۵ و ۷۱۶) / نسایی (ش ۵۳۸۰) از طریق (عبیدالله بن عمر و مالک بن انس) روایت کرده‌اند: «حدثني خبيب بن عبد الرحمن عن حفص بن عاصم عن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله: الإمام العادل وشاب نشأ في عبادة ربه ورجل قلبه معلق في المساجد ورجلان تحابا في الله اجتمعا عليه وتفرقا عليه ورجل طلبته امرأة ذات منصب وجمال فقال: إني أخاف الله، ورجل تصدق أخفى حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه ورجل ذكر الله خاليا ففاضت عيناه» وفي رواية مالك بن انس لمسلم: «ورجل معلق بالمسجد، إذا خرج منه حتى يعود إليه».

۲- (صحیح): بخاری (ش ۹۰۷) / ترمذی (ش ۱۶۳۲) / نسایی (ش ۳۱۱۶) از طریق (یحیی بن حمزه و الولید بن المسلم) روایت کرده‌اند: «حدثنا يزيد بن أبي مریم الأنصاري قال

خداوند عَزَّ وَجَلَّ، غبار آلود شود، خداوند آتش را بر وی حرام می‌کند». با این فرموده‌های ناب و تابناک برای هر مؤمنی محرز است که الفت و انس به مساجد و عبادت در آنها از چه فواید ایمانی و حتّی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ... برخوردار است که انسان و سپس خانواده و در نتیجه جامعه را اصلاح و آباد می‌کند.

حدیث دهم: فضیلت نماز جماعت صبح و عشاء در مسجد

عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت کرده است: «سمعت رسول الله ﷺ يقول: مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ»^۱. «رسول الله ﷺ فرمودند: هرکس نماز عشاء را با جماعت بخواند، مانند این است که نصفی از شب به عبادت پرداخته باشد و هر کس نماز صبح را با جماعت انجام دهد، مانند این است که تمام شب، عبادت کرده باشد».

حدثنا عباية بن رفاعه قال أدرکني أبو عبس وأنا أذهب إلى الجمعة فقال سمعت النبي ﷺ يقول من اغبرت قدما في سبيل الله حرمه الله على النار».

۱- (صحیح): مسلم (ش ۱۵۲۳)/ ابوداود (ش ۵۵۵)/ ترمذی (ش ۲۲۱) از طریق (سفیان بن عیینه و عبدالواحد بن زیاد) روایت کرده‌اند: «عن عثمان بن حکیم عن عبد الرحمن بن أبی عمرة عن عثمان بن عفان قال: قال رسول الله ﷺ: من صلى العشاء في جماعة فكأنما قام نصف الليل ومن صلى الصبح في جماعة فكأنما صلى الليل كله». و في رواية ابوداود و ترمذی: «من صلى العشاء في جماعة كان كقيام نصف ليلة ومن صلى العشاء والفجر في جماعة كان كقيام ليلة».

آنچه از مفهوم این حدیث استنباط می‌شود خواندن هر دو نماز صبح و عشاء با جماعت در مسجد ثواب قیام اللیل را به صورت کامل داراست. حَقّاً این فضیلتی ناب و بزرگ است، که عدم کسب آن ضرر بزرگی می‌باشد که مایه حسرت در قیامت می‌گردد.

حدیث یازدهم: فضیلت جماعت مسجد بزرگتر

أبي بن كعب رضی اللہ عنہ روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: صَلَاتُكَ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِكَ وَحَدَّكَ، وَصَلَاتُكَ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِكَ مَعَ الرَّجُلِ، وَمَا أَكْثَرَتْ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ»^۱. «پیغمبر خدا ﷺ فرمود: نماز به همراه یک

۱- (صحیح): طرابلسی، المسند (ش ۵۵۴) / عبدالرزاق، المصنف (ج ۱ ص ۵۲۳) / احمد، المسند (ش ۱۲۶۶ و ۱۲۶۵) / ابوداود (ش ۵۵۴) / نسایی (ش ۸۴۳) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۵۳۹۸ و ۵۱۶۳) / شعب الایمان (ش ۲۸۶۱) / معرفة السنن والآثار (ج ۴ ص ۱۱۷) / ضیاء المقدسی، الاحادیث المختاره (ش ۱۹۷ و ۱۱۹۸) / حاکم، المستدرک (ش ۹۰۴-۹۱۲) / شاشی، المسند (ش ۱۵۰۹-۱۵۰۵) / طبرانی، المعجم الاوسط (ج ۲ ص ۲۳۱ و ج ۵ ص ۹۱) / ابن حبان (ش ۲۰۵۶) / ابن خزیمه (ش ۱۴۷۶) / نسایی، السنن الکبری (ش ۹۱۷) / ابن الجعد، المسند (ش ۲۵۴۸) / عبد بن حمید، المسند (ش ۱۷۳) / ابن الاعرابی، المعجم (ش ۹۲۲ و ۱۹۵۱) / عقیلی، الضعفاء الکبیر (ج ۲ ص ۱۱۶) / فسوی، المعرفة والتاریخ (ج ۲ ص ۶۴۱) / فوائد أبی بکر النصیبی (ش ۱۶۹) / جزء أحمد بن عاصم (ص ۱۵۴) / خلعی، الفوائد (ش ۷۹۹) / ابونعیم، حلیة الاولیاء (ج ۹ ص ۳۲۱) / حدیث أبی الفضل الزهری (ش ۱۴۷) / بغوی، شرح السنة (ج ۳ ص ۳۴۳) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۷ ص ۳۴۴) / صیداوی، معجم الشیوخ (ش ۱۰۸) / جرجانی، الامالی (ش ۴۲۷) / عقیلی، الضعفاء (ج ۲ ص ۱۱۶) / از طریق (شعبة بن الحجاج و سفیان الثوری و ابراهیم بن طهمان و عبد الرحمن بن عبدالله و زهیر بن معاویه و خالد بن میمون و اسرائیل بن یونس و ابوالاحوص سلام بن سلیم

مرد بس بهتر از نمازت به تنهایی، و نماز به همراه دو مرد بس بهتر از به همراه یک مرد و هر چه بیشتر (باشید) در نزد خدا دوست داشتنی تر است». این روایت اشاره به این دارد که در هر مسجدی که تعداد افراد شرکت-کننده در جماعت بیشتر باشند اجر و ثواب بیشتر را داراست و نمادی از

وخالد بن الحارث ومعاذ بن معاذ ويحيى بن سعيد ويونس بن ابي اسحاق) روایت کرده‌اند: «عن أبي إسحاق سمعت عبدالله بن أبي بصير عن أبي بن كعب قال صلى بنا رسول الله ﷺ...». وفي رواية شعبة: «قال أبو إسحاق: وقد سمعته منه (عبدالله بن أبي بصير) ومن أبيه» که نشان می‌دهد عبدالله بن ابی بصیر و پدرش، هر دو این روایت را از ابی بن کعب رضی الله عنه شنیده‌اند.

ورجال طيالسي «رجال صحيحين» بوده جز: عبدالله بن أبي بصير العبدی: که امام عجلای گفته است: «ثقة» [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۵ ص ۱۶۱)] و همچنین أبو بصير العبدی: که امامان ذهبی وابن الملّقن گفته‌اند: «ثقة» و امام ابن حبان هم وی را در «ثقات» آورده است و امام ابن حجر هم گفته است: «مقبول» [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۱۲ ص ۲۲) و تقريب التهذيب (ش ۷۹۶) / ابن الملّقن، البدر المنير (ج ۴ ص ۳۸۵)] و بایکدیگر موجب تقویت هم می‌شوند.

و امامان یحیی بن معین و علی بن المدینی و محمد بن یحیی الذهلی و عقیلی و بیهقی و نووی و ابن السکن و حاکم نیشابوری هم گفته‌اند: «صحیح» [حاکم، المستدرک (ش ۹۱۲) / ابن الملّقن، البدر المنير (ج ۴ ص ۳۸۵-۳۸۴) / ابن حجر، تلخیص الحبر (ج ۲ ص ۶۵)].

باید اشاره کنیم که در بعضی طرق اینگونه آمده که: «قال أبو إسحاق: عن عبدالله بن أبي بصير عن أبيه عن ابي بن كعب» که به این معنی نبوده این روایت را (عبدالله بن ابی بصیر از پدرش) شنیده است بلکه به این معنی بوده که ابواسحاق روایت را از (عبدالله بن ابی بصیر و همچنین پدرش) هر دو شنیده است و چنانکه دیدیم صراحتاً گفته است: «قال أبو إسحاق: وقد سمعته منه (عبدالله بن أبي بصير) ومن أبيه».

فاصله انتظار برای نماز، ثواب نماز خواندن برایش نوشته می‌شود^۱ البته مشمول این فضیلت و لطف و دعا شدن چندین شرط دارد که عبارتند از:

- در مسجد انتظار بکشد.
- در مدت انتظار وضو داشته باشد؛ چرا که نقض وضو وی را از دعای ملائکه بی‌بهره می‌کند.

همچنین پیامبر در فرموده‌ای برای کسانی که در عمر و اوقات خود را در مساجد می‌گذرانند و صبح و شب به مسجد می‌روند وعده بهشتی را می‌دهد که رودبارها در زیر درختان آنها جاری است و در آنها زندگی‌شان هرگز پایان نمی‌گیرد و جاودانه تا به ابد می‌مانند. ابوهیره رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ وَرَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ نُزْلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ كُلَّمَا عَدَا أَوْ رَاحَ»^۲. «پیامبر ﷺ فرمودند: هرکس صبح و شب به مسجد برود، خداوند هم در بهشت هر صبح و شب طعام و غذای وی را می‌دهد».

- البته حدیث به عام اشاره دارد که صرف نشستن در مسجد موجب مشمول دعای ملائکه می‌باشد ولی کسب «ثواب نماز» منوط به آن

۱- البته دقت شود که شخص در این فاصله در نماز قرار ندارد بلکه از ثواب نماز بهره‌مند می‌شود؛ زیرا در موقع نماز سخن گفتن و تکان‌های اضافی و اتجاء به غیر کعبه و ... حرام است که شخص ماندگار در مسجد می‌تواند این اعمال را انجام دهد.

۲- (صحیح): بخاری (ش ۶۶۲) / مسلم (ج ۱ ص ۴۶۳) از طریق (أبو بکر بن أبی شیبة وزهیر بن حرب وعلی بن عبدالله) روایت کرده‌اند: «حدثنا علي بن عبدالله قال حدثنا يزيد بن هارون قال أخبرنا محمد بن مطرف عن زيد بن أسلم عن عطاء بن يسار عن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: ...».

است که در انتظار نماز بعدی در مسجد ماندگار باشد.^۱

حدیث سیزدهم: فضیلت رفتن به مسجد در شب

سهل بن سعد روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيُبَشِّرِ الْمَشَاءُونَ فِي الظَّلَامِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ النَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲. «رسول خدا ﷺ فرمودند: به

۱- جدای از اینکه نقض و ضو به صورت ارادی در محدوده مسجد نکوهیده می‌باشد، شایسته است که مسلمان جهت حرمت و کسب رضای خداوند ﷻ در محدوده مسجد وضو داشته باشد البته این عمل مندوب است.

۲- (صحیح): ابن ماجه (ش ۷۸۰) / ابن خزیمه (ش ۱۴۹۸ و ۱۴۹۹) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۵۱۷۴) / شعب الایمان (ش ۲۶۴۱) / حاکم، المستدرک (ش ۷۶۸) / طبرانی، المعجم الکبیر (ج ۶ ص ۱۴۷) از طریق (إبراهیم بن محمد الحلبي البصري) روایت کرده‌اند: «أَبَا يَحْيَى بْنِ الْحَارِثِ الشَّيرَازِيِّ وَكَانَ ثِقَةً وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ يَتْنِي عَلَيْهِ قَالَ ثَنَا زُهَيْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيُّ وَأَبُو غَسَّانٍ الْمَدَنِيُّ عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَشَرُ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ النَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» و رجال ابن ماجه «رجال صحيحين» بوده جز:

إبراهیم بن محمد الحلبي البصري: و امام ذهبی گفته است: «صدوق» و امام ابن حبان وی را در «الثقات» آورده و گفته است: «يُخْطِئُ» و امام ابن حجر گفته است: «صدوقٌ يُخْطِئُ» و امام حاکم نیشابوری اسناد روایتش را تصحیح کرده است. [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۱ ص ۱۶۱) و تقریب التهذیب (ش ۲۴۳) / ذهبی، الکاشف (ش ۱۹۹) / حاکم، المستدرک (ش ۷۶۸)].

و یحیی بن الحارث الشیرازی: امام ابن خزیمه گفته است: «كَانَ ثِقَةً» و امام عجلوی هم گفته است: «ثِقَةً صَاحِبَ سَنَةٍ» و امام ذهبی گفته است: «وَتَّقٍ» و عبدالله بن داود الخریبی: «يَتْنِي عَلَيْهِ» [ذهبی، الکاشف (ش ۶۱۴۸) / عجلوی، معرفة الثقات (ج ۲ ص ۳۴۹) / ابن خزیمه، الصحيح (ش ۱۴۹۸)].

کسانی که شبانگاهان و در تاریکی به مساجد می‌روند بشارت به نوری کامل در روز قیامت هست».

از آنجاییکه رفتن به مسجد عبادت و هرگونه آزار و ناراحتی در راه خدا موجب رضایت حق تعالی می‌باشد فضیلتی خاص در موقع سختی و رفتن به مسجد در شبانگاهان و در تاریکی راه وجود دارد و آن نوری کامل و تام برای عبور از پل صراط و صحرای محشر می‌باشد؛ چرا که عبور هرکس از روی پل صراط به اندازه نوری بوده که به وی داده می‌شود؛ و همه در قیامت از خداوند طلب نور خواهند کرد: ﴿نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَنِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا﴾ [التحریم: ۸]. «نور (ایمان و عمل صالح) مومنان، پیشاپیش وسوی راست‌شان (رو به جانب بهشت) در حرکت است. می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل گردان (تا در پرتو آن به بهشت برسیم)».

حدیث چهاردهم: فضیلت دور بودن خانه از مسجد

أنس بن مالك رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ بَنِي سَلَمَةَ أَرَادُوا أَنْ يَتَحَوَّلُوا عَنْ مَنَازِلِهِمْ فَيَنْزِلُوا قَرِيبًا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ ، قَالَ: فَكِرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُعْرُوا الْمَدِينَةَ، فَقَالَ: أَلَا تَحْتَسِبُونَ آثَارَكُمْ»^۱. «طایفه بنو سلمه (طایفه‌ای انصاری از

و امام حاکم نیشابوری گفته است: «هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه».

و امام ذهبی هم گفته است: «على شرطها».

و حافظ عراقی هم گفته است: «اسناد حسن» [حاکم، المتسدرک مع التلخیص للذهبی

(ش ۷۹۸) / البوصیری، مصباح الزجاجة (ج ۱ ص ۱۶۷)]

۱- (صحیح): بخاری (ش ۶۵۵ و ۱۸۸۷ و ۶۵۶) ابن ماجه (ش ۷۸۴) از طریق (یحیی بن ایوب

و عبدالوهاب و خالد بن الحارث) روایت کرده‌اند: «حدثني حميد حدثني أنس: أن بني سلمة...».

خزرجی‌ها) خواستند که خانه‌های‌شان را عوض کنند و به نزدیک (خانه پیامبر ﷺ) بیایند، انس گفت: رسول خدا ﷺ از اینکه (مرکز) شهر را خالی کنند خوشش نیامد، فرمودند: ثواب عملتان را از دست ندهید؟ (و هرچند فاصله دور است ولی به تعداد گام‌های‌تان ثواب می‌برید)».

هر قدمی که مسلمان برای مسجد بر می‌دارد ثواب خاص دارد و وی را از آتش جهنم دور می‌کند، بدین خاطر پیامبر ﷺ از کسانی که می‌خواستند خانه‌های‌شان را بخاطر دوری مسجد بفروشد تا به مسجد نزدیک شوند نهی کردند و فرمودند: «إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ خَطْوَةٍ دَرَجَةً»^۱ «برای هر قدمی از شما درجه (ای از حسنات و خیرات) وجود دارد».

و همچنین می‌فرمایند: «مَنْ اغْبَرَّتْ قَدَمَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَرَّمَهُ اللَّهُ، ﷺ، عَلَى النَّارِ»^۲ «هر کس قدمهایش در راه خداوند ﷺ، غبارآلود شود، خداوند آتش را بر وی حرام می‌کند».

با این وجود محرز است که دور بودن از مسجد و رفتن به آن اگرچه زحمت و وقت بیشتر می‌طلبد ولی در افزایش اجر و ثواب بیشتر را دربردارد که توشه‌ای ناب برای روز رستاخیز می‌باشد. این روایت‌ها جدای از اینکه

۱- (صحیح): مسلم (ج ۱ ص ۴۶۱) روایت کرده است: «حدثنا حجاج بن الشاعر حدثنا روح بن عبادة حدثنا زكرياء بن إسحاق حدثنا أبو الزبير قال: سمعت جابر بن عبد الله قال: كانت ديارنا نائية عن المسجد فأردنا أن نبيع بيوتنا، فنقرب من المسجد فنهانا رسول الله ﷺ فقال: إن لكم بكل خطوة درجة».

۲- (صحیح): بخاری (ش ۹۰۷) / ترمذی (ش ۱۶۳۲) / نسایی (ش ۳۱۱۶) از طریق (یحیی بن حمزه والولید بن المسلم) روایت کرده‌اند: «حدثنا يزيد بن أبي مریم الأنصاري قال حدثنا عباية بن رفاعة قال أدرکني أبو عبس وأنا أذهب إلى الجمعة فقال سمعت النبي ﷺ يقول من اغبرت قدماء في سبيل الله حرمه الله على النار».

بیان از این فضیلت می‌کنند به آشکار ابراز می‌دارند که دور بودن از مسجد دلیلی برای ترک مسجد و نماز جماعت محسوب نمی‌شود؛ چراکه اصحابی که قصد فروختن خانه‌های‌شان را کردند پیامبر ﷺ آنها را با وجود دوری راه‌شان تشویق به آمدن به مسجد کردند.

حدیث پانزدهم: فضیلت صبح رفتن به مسجد برای طلب علم

ابو امامه رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا أَنْ يَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ يَعْلَمَهُ، كَانَ لَهُ كَأَجْرِ حَاجٍّ تَامًّا حَجَّتُهُ»^۱ «پیامبر

۱- (صحیح): طبرانی، المعجم الكبير (ج ۸ ص ۹۴) و مسند الشاميين (ج ۱ ص ۲۳۸) / ابونعیم، حلیۃ الاولیاء (ج ۶ ص ۹۷) / ابن بشران، المالی (ج ۱ ص ۴۳) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۱۶ ص ۴۵۶) از طریق (عبدان بن أحمد و خطاب بن سعد) روایت کرده‌اند: «ثنا هشام بن عمار ثنا محمد بن شعيب ثنا ثور بن يزيد عن خالد بن معدان عن أبي أمامة عن النبي ﷺ قال: ...».

محمد بن شعيب هم متابعه شده و حاکم، المستدرک (ش ۳۱۱) / بیهقی، الآداب (ج ۲ ص ۲۹) و المدخل إلى السنن الكبرى (ش ۳۷۰) از طریق (أبو الحسين محمد بن أحمد بن تمیم القنطری) روایت کرده‌اند: «ثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد ثنا أبو عاصم ضحاک بن مخلد عن ثور بن يزيد عن خالد بن معدان عن أبي أمامة قال رسول الله ﷺ: ...».

و ثور بن یزید هم متابعه شده و ابن حبان، المجروحین (ج ۲ ص ۲۲۵) روایت کرده است: «أخبرناه أحمد بن عمران بن جابر بالرملة قال حدثنا ربیعة بن الحارث الجبلائی قال حدثنا موسى بن أيوب قال حدثنا كثير بن حير الأصم عن سالم أبو المهاجر عن حبيب بن مرزوق عن خالد بن معدان عن أبي أمامة قال قال رسول الله ﷺ: ...».

خدا ﷻ فرمودند: هرکس صبح‌گاه به مسجد رود در حالیکه قصد و نیتی جز یاد گرفتن و یاد دادن خیر (و علم و دانش) نداشته باشد برای او اجر نیست همانند اجر حاجی که حجّش را کامل انجام داده است».

این حدیث جدای از بیان اهمیت علم و دانش و تعلیم و تعلّم آن، اشاره به این مطلب دارد که کسی که برای این امر خطیر به مسجد می‌رود و برای کسب آن همت می‌گمارد جدای از بهره‌مندی از محاسن و آثار علم در دنیا، خداوند ثواب حجّی مقبول را به وی عطا خواهد کرد.

ورجال طبرانی در المعجم الكبير «ثقة» و مترجم در تهذیب بوده جز عبدالله بن أحمد بن موسی که «أحد الحفاظ الأثبات» می‌باشد. [رک: ذهبی، تاریخ الاسلام (ج ۷ ص ۱۰۴)] همچنین باید اشاره کنیم که هشام بن عمار در اواخر عمر اندکی تلقین می‌شده و درجه احادیث وی را به «حسن» می‌رساند اما چنانکه دیدیم متابعه هم گردیده است.

و امام حاکم نیشابوری هم گفته است: «علی شرط الشیخین».

و امام ذهبی هم گفته است: «علی شرط البخاری».

و حافظ عراقی هم گفته است: «إسناده جيد».

و امام المنذری هم گفته است: «إسناده لا بأس به».

و امام هیثمی هم گفته است: «ورجاله موثقون کلهم» [حاکم، المستدرک مع التلخیص للذهبی (ش ۳۱۱ و ۳۱۰) / هیثمی، مجمع الزوائد (ج ۱ ص ۱۲۳) / عراقی، المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار (ص ۱۷۴۰) و ذیل میزان الاعتدال (ص ۱۷۸) / المنذری، الترغیب والترهیب (ج ۱ ص ۵۹)].

حدیث شانزدهم: فضیلت قرآن خواندن در مسجد و نزول ملائکه و رحمت

أبو هريره رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا، سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ، وَيَتَذَكَّرُونَ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»^۱. «هر کس تنگی و غمی از تنگی‌ها و غم‌های دنیا را از مؤمنی برطرف کند، خداوند تنگی و غمی از تنگی‌ها و غم‌های قیامت را از او برطرف می‌کند و هر کس با بدهکار تنگدستی، آسانگیری کند، خداوند در دنیا و آخرت با او آسانگیری می‌کند و کسی که (عیب) مسلمانی را بیوشاند، خداوند در دنیا و آخرت (عیوب و گناهان) او را می‌پوشاند؛ خداوند یار بنده است تا وقتی که بنده یار برادر خود باشد، و هر کس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، خداوند با آن، راهی بهسوی بهشت برای او هموار می‌نماید؛ و هر گاه عده‌ای در یکی از

۱- (صحیح): مسلم (ج ۴ ص ۲۷۴) / ابوداود (ش ۳۶۴۳) / ترمذی (ش ۲۹۴۵) / ابن ماجه

(ش ۲۲۵) از طریق (ابومعاویة الضریر وزائدة بن قدامة وحماد بن اسامة) روایت کرده-

اند: «عن الأعمش عن أبي صالح عن أبي هريرة قال: قال رسول الله ﷺ: ...».

خانه‌های خدا (مساجد) جمع شدند که کتاب خدا را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد میشود و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و ملائکه آنان را فرو می‌پوشانند و خداوند در زمرهی کسانی که همواره در حضور او هستند، از آنان یاد می‌کند؛ و کسی که عمل خیرش نتواند به او کمک کند، (عملی نداشته باشد، یا عملش خالصانه و مقبول نباشد)، نسب او هیچ فایده‌ای برای او ندارد و به دادش نمی‌رسد».

این حدیث دربردارنده چندین مطلب اجتماعی و ایمانی می‌باشد که عمل بدان تنظیم‌کننده سعادت دنیا و آخرت می‌باشد:

- از آنجاییکه انسان‌ها در تعامل اجتماعی خود دارای مشکلات و مصایب مختلف می‌شوند و در این گِیرو دار مشکلات بهم ارتباط برقرار می‌کنند و در موارد مختلف بهم نیازمندند، پیامبر بیان از انگیزه‌ای مخصوص برای حل مشکلات دیگران می‌کند و آن: هرکس در دنیا به مشکل کسی بخاطر رضای خداوند رسیدگی کند، خداوند مشکلات دنیا و آخرت او را برطرف می‌کند و هرکس برکسی که در دنیا دچار سختی و سنگینی حیات شده بر او آسان بگیرد و زندگیش را آسان کند، خداوند در دنیا و قیامت برایش آسانی و راحتی فراهم می‌کند و تاموقعیکه انسان با فکر و عمل در پی یاری و کمک به دیگران باشد، خداوند نیز وی را یاری خواهد داد.
- هرکی عیب و عار کسی را در این دنیا ببوشاند، خداوند در دنیا و قیامت از وی محافظت کرده و عیبهای وی را می‌پوشاند، که بی شک بی‌نصیب شدن از این نعمت زندگی را برای انسان ناگوار و ناممکن خواهد کرد.
- هرکس در مسیر علم قرار گیرد، خداوند وی را در مسیر بهشت جاودان قرار می‌دهد و سلوک در آن را برای وی آنقدر آسان می‌کند

که به بهشت جاودان می‌رسد.

- در صورتیکه جماعتی در مسجد برای تلاوت قرآن و تعلیم و تعلّم آن گرد هم آیند خداوند آنها را از بهره‌مند از چهار نعمت خواهد کرد:

۱- سکینه و آرامش.

۲- رحمت و برکت خداوند.

۳- احاطه شدن با ملائکه که برای آنها دعای رحمت و مغفرت می‌کنند.

۴- خداوند آنها را در نزد ملائکه‌های مقربش یاد می‌کند، به گونه‌ای که

مایه مغفرت و محبت آنها در بین اهل دنیا و آسمان می‌شود.

گردهم آمدن و اجتماع برای قرائت قرآن و فهم آن در مسجد جدای از

اینکه نوعی همکاری در راستای تقوا و پرهیزگاری و استفاده از معلومات

یکدیگر می‌باشد بلکه موجب بهره‌مندی از فضایل مذکور نیز می‌باشد.

حدیث هفدهم: جواز خوابیدن و استراحت در مسجد

عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده است: «كُنْتُ غُلَامًا شَابًّا عَزَبًا فِي عَهْدِ النَّبِيِّ ﷺ، وَكُنْتُ أَبِيتُ فِي الْمَسْجِدِ، وَكَانَ مَنْ رَأَى مِنَّا قَصَصَهُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ خَيْرٌ فَأَرِنِي مَنَّا يُعْبَرُهُ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَنِمْتُ، فَرَأَيْتُ مَلَكَيْنِ أَتَيَانِي، فَأَنْطَلَقَا بِي، فَلَقِيَهُمَا مَلَكٌ آخَرُ، فَقَالَ لِي: لَنْ تُرَاعَ، إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ. فَأَنْطَلَقَا بِي إِلَى الثَّارِ، فَإِذَا هِيَ مَطْوِيَّةٌ كَطَيِّ الْبُرِّ، وَإِذَا فِيهَا نَاسٌ قَدْ عَرَفْتُ بَعْضَهُمْ، فَأَخَذَا بِي ذَاتَ الْيَمِينِ. فَلَمَّا أَصْبَحْتُ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِحِفْصَةَ. فَرَعَمَتْ حَفْصَةَ، أَنَّهَا قَصَصَتْهَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَقَالَ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ رَجُلٌ صَالِحٌ، لَوْ كَانَ يُكْثِرُ الصَّلَاةَ مِنَ اللَّيْلِ. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ يُكْثِرُ الصَّلَاةَ مِنْ

اللَّيْلِ^۱. «من پسری جوان و مجرّد در زمان پیامبر ﷺ بودم، و در مسجد بیتوته می‌کردم و هرکس خوابی می‌دید برای پیامبر ﷺ تعریف می‌کرد، من گفتم: بارالها! اگر برای من خیری در نزد تو هست، به من خوابی نشان بده تا رسول الله ﷺ برایم تعبیر کند، پس خوابیدم، دو ملائکه دیدم که نزد آمده و مرا بردند تا اینکه نزد ملائکه دیگری رسیدیم. وی به من گفت: نترس! تو مرد صالحی هستی. سپس مرا کنار آتش جهنّم بردند و آنجا شبیه چاه بود و در آن افرادی را دیدم که بعضی از آنها را می‌شناختم. سپس مرا به سمت راست (بهشت) بردند؛ و صبح خوابم را برای حفصه بازگو کردم و حفصه نیز آن را برای پیامبر ﷺ بیان نمود. و رسول الله ﷺ فرمودند: عبدالله بن عمر مرد صالحی است اگر نماز شبش را زیاد کند! و پس از این واقعه عبدالله قسمت کمی از شب را می‌خوابید (و اکثر آن را شب زنده‌داری می‌کرد)».

این حدیث بیان از آن دارد که ماندن در مسجد و خوابیدن در آن خلاف شریعت نمی‌باشد؛ چراکه هیچ ممانعتی در انجام آن وارد نشده است و هیچ

۱ - (صحیح): بخاری (ش ۷۰۳۱ و ۷۰۳۰) واللفظ له/ مسلم (ج ۴ ص ۱۹۲۷)/ ابوداود (ش ۳۸۲)/ ابن ماجه (ش ۳۹۱۹) از طریق (نافع وسالم وحمة) روایت کرده‌اند: «عن ابن عمر، قال: كنت غلاما شابا عذبا في عهد النبي ﷺ، وكنت أبيت في المسجد، وكان من رأي مناما قصه على النبي ﷺ، فقلت: اللهم إن كان لي عندك خير فأرني مناما يعبره لي رسول الله ﷺ، فسمت، فرأيت ملكين أتيا، فانطلقا بي، فلقبهما ملك آخر، فقال لي: لن ترا، إنك رجل صالح. فانطلقا بي إلى النار، فإذا هي مطوية كطي البئر، وإذا فيها ناس قد عرف بعضهم، فأخذوا بي ذات اليمين. فلما أصبحت ذكرت ذلك لحفصة. فزعمت حفصة، أنها قصتها على النبي ﷺ، فقال: «إن عبدالله رجل صالح، لو كان يكثر الصلاة من الليل» قال الزهري عن سالم: «وكان عبدالله بعد ذلك يكثر الصلاة من الليل».

منافاتی با هدف مسجد یعنی؛ عبادت کردن ندارد. البته نباید مانند در آن موجب مزاحمت نمازگزاران و عبادت در آن شود و فضای مسجد را بهم بزند و به استراحتگاه تبدیل شود و موجب آزار و رخوت و ناراحتی مسلمانان شود.

جدای از این مشاهده می‌شود که پیامبر ﷺ، صالح بودن عبدالله بن عمر ؓ را منوط به شب‌زنده‌داری و نماز در شب می‌کند؛ چرا که نماز و عبادت در این موقع عارفانه جدای از معنویات خاص، نمادی از تقوا و خشوع و ایمان راسخ می‌باشد. خداوند ﷻ در وصف پرهیزگاران و عباد الرحمان می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَمًا﴾ [الفرقان: ۶۴]. «و کسانی که (بخش قابل ملاحظه‌ای از شب، و گاهی تمام) شب را با سجده و قیام به روز می‌آورند (و با عبادت و نماز سپری می‌کنند)».

جدای از خوابیدن، استراحت کردن در مسجد نیز ایرادی در شریعت ندارد، عبدالله بن زید الانصاری ؓ روایت کرده است: «أَنَّهٗ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُسْتَلْقِيًا فِي الْمَسْجِدِ وَاضِعًا إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى»^۱ «وی پیامبر ﷺ را در حالیکه دراز کشیده بودند و یکی از پاهای‌شان را هم روی یکدیگر قرار داده در مسجد النبی دیدند».

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۷۵ و ۶۲۸۷) / مسلم (ج ۳ ص ۱۶۶۲) / ابوداود (ش ۴۸۶۶) / ترمذی (ش ۲۷۶۵) نسایی (ش ۷۲۱) از طریق (مالک بن انس و سفیان بن عیینه) روایت کرده‌اند: «عن ابن شهاب عن عباد بن تمیم عن عمه أنه رأى رسول الله ﷺ: ...».

حدیث هجدهم: جواز خوردن و آشامیدن در مسجد

عبدالله بن الحارث الزبیدی رضی الله عنه روایت کرده است: «كُنَّا نَأْكُلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ، الْخُبْزَ وَاللَّحْمَ ثُمَّ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّيْنَا وَلَمْ نَتَوَضَّأْ»^۱

۱- (صحیح): ابن ماجه (ش ۳۳۰۰) / ابن حبان (ش ۱۶۵۷) / ضیاء المقدسی، الاحدیت المختاره (ج ۹ ص ۲۰۷) / ابن بشران، الامالی (ش ۱۱۲) / ابوعبدالله الدقاق، مجلس إملاء فی رؤیة الله (ش ۱۱۲) از طریق (یعقوب بن حمید بن کاسب و حرمله بن یحیی و ابراهیم بن المنذر و احمد بن عیسی) روایت کرده اند: «حدثنا عبدالله بن وهب أخبرني عمر و بن الحارث حدثني سليمان بن زياد الحضرمي أنه سمع عبدالله بن الحارث بن جزء الزبيدي يقول: كنا نأكل كنا نأكل على عهد رسول الله ﷺ في المسجد الخبز واللحم».

و عمرو بن الحارث هم متابعه شده و ترمذی، الشرائع (ش ۱۵۶) / ابن ماجه (ش ۳۳۱۱) / طحاوی، شرح معانی الآثار (ج ۱ ص ۶۶) / احمد، المسند (ش ۱۷۷۰۹ و ۱۷۷۰۲) / بغوی، شرح السنة (ج ۱ ص ۲۹۳) / ابویعلی، المسند (ش ۱۵۴۱) / مزی، تهذیب الکمال (ج ۱ ص ۴۲۹) از طریق (قتیبة بن سعید و حسن بن موسی و یحیی بن بکیر و نصر بن عبدالجبار و موسی بن داود و المفضل بن فضالة) روایت کرده اند: «حدثنا ابن لهيعة أخبرني سليمان بن زياد الحضرمي عن عبدالله بن الحارث بن الجزء الزبيدي قال: أكلنا مع رسول الله ﷺ طعاما في المسجد، لحما قد شوي، فمسحنا أيدينا بالخبصاء، ثم قمنا فصلينا ولم نتوضأ».

و سلیمان بن زیاد الحضرمی هم متابعه شده و طبرانی، المعجم الاوسط (ج ۶ ص ۲۵۰) / ابونعیم، حلیة الاولیاء (ج ۲ ص ۶) از طریق (حیو بن شریح و عبدالله بن وهب) روایت کرده اند: «ثنا عقبة بن مسلم عن عبدالله بن الحارث بن جزء الزبيدي قال: كنا يوما مع رسول الله ﷺ في المسجد وصنع لنا طعاما فأكلنا ثم أُقيمت الصلاة فصلينا ولم نتوضأ».

«ما در زمان پیغمبر خدا ﷺ در مسجد نان و گوشت می خوردیم سپس نماز برپا می شد و وضو نمی گرفتیم (یعنی؛ با همان وضویی که داشتیم نماز می خواندیم)».

این روایت جدای از اینکه به بیان جواز نماز بدون تجدید وضو می پردازد صراحتاً ابراز می دارد که خوردن و آشامیدن در مسجد جایز است.

البته اگرچه برخی از فقها خوردن و آشامیدن را جز برای حالات خاص همچون شخص معتکف و مسافر و ... مکروه می دانند ولی بیان صریح حدیث و انجام این عمل به صورت مکرر از یاران بزرگوار پیامبر ﷺ می رساند که این عمل مکروه نبوده و مباح می باشد البته در این راستا باید نظم و نظافت مسجد حفظ شود و خوردن و آشامیدن موجب آلودگی و انتشار بوی بد و رایحه ناخوشایند نشود؛ چرا که پیغمبر بزرگوار و محبوب ﷺ می فرمایند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ يَعْنِي الثُّومَ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا»^۱. «هر کس از این درخت یعنی؛ سیر بخورد به هیچ وجه به مسجد ما نزدیک نشود».

پس از آنجاییکه با وجود بوی بد پیاز و امثال آن نباید به مسجد نزدیک شد، به طور اولی باید در مسجد از خوردن و آشامیدنی هایی که انتشار بوی

رجال ابن ماجه «رجال صحيح» بوده جز سليمان بن زياد الحضرمي که «ثقة» و مترجم در تهذيب می باشد.

و امام البوصيري هم گفته است: «اسناد حسن» [البوصيري، مصباح الزجاجة (ج ۲ ص ۱۷۹)].

۱- (صحيح): بخاری (ش ۸۵۳) / مسلم (ش ۱۲۷۶) از طريق (محمد بن المثنی و زهير بن حرب و مسدد بن سرهد) روایت کرده اند: «حدثنا يحيى عن عبيد الله قال حدثني نافع عن ابن عمر رضي الله عنهما أن النبي ﷺ قال في غزوة خيبر: من أكل من هذه الشجرة يعني الثوم فلا يقربن مسجداً».

بد و کربیه دارند خودداری شود تا فضای مسجد همشه پاک و عطرآگین نگه داشته شود.

حدیث نوزدهم: جواز بازی کردن در مسجد

عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «أَنَّ أَبَا بَكْرٍ رضی الله عنه، دَخَلَ عَلَيْهَا وَعِنْدَهَا جَارِيَتَانِ فِي أَيَّامٍ مِّنِي تُدْفِقَانِ، وَتَضْرِبَانِ، وَالنَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم مُتَغَشٍّ بِثَوْبِهِ، فَانْتَهَرَهُمَا أَبُو بَكْرٍ، وَقَالَ: مِزْمَارَةُ الشَّيْطَانِ عِنْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَكَشَفَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم عَنْ وَجْهِهِ، فَقَالَ: دَعُهُمَا يَا أَبَا بَكْرٍ، فَإِنَّهَا أَيَّامُ عِيدٍ، وَتِلْكَ الْأَيَّامُ أَيَّامُ مَنِي. وَقَالَتْ عَائِشَةُ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم يَسْتُرْنِي وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبْشَةِ وَهُمْ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ فَزَجَرَهُمْ عُمَرُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: دَعُهُمْ أَمَّا بَنِي أَرْفَدَةَ. حَتَّى إِذَا مِلْتُ، قَالَ: حَسْبُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَادْهَبِي!»^۱. «ابوبکر رضی الله عنه بر عائشه رضی الله عنها داخل شد و در نزدش دو جاریه در ایام تشریق دید که دف می‌زدند، و می‌نواختند در حالیکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با لباسش خود را پوشانده بود، ابوبکر آنها را دور کرد و گفت: مزمار شیطان در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌نوازد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رویش را آشکار کرد و فرمود:

۱- (صحیح): بخاری (ش ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۸۷ و ۹۸۸) / مسلم (ج ۲ ص ۶۰۹) از طریق (محمد بن عبدالرحمن وابن شهاب الزهري) روایت کرده‌اند: «عن عروة عن عائشة: أن أبا بكر دخل عليها وعندها جارتان في أيام منى تدفقان وتضربان، والنبي صلی الله علیه و آله و سلم متغش بثوبه فانتهرهما أبو بكر وقال: مزمارَةُ الشَّيْطَانِ عِنْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَكَشَفَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم عَنْ وَجْهِهِ، فَقَالَ: دَعُهُمَا يَا أَبَا بَكْرٍ، فَإِنَّهَا أَيَّامُ عِيدٍ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ أَيَّامُ مَنِي وَقَالَتْ عَائِشَةُ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم يَسْتُرْنِي وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبْشَةِ وَهُمْ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ فَزَجَرَهُمْ عُمَرُ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: دَعُهُمْ أَمَّا بَنِي أَرْفَدَةَ. وَفِي رَوَايَةِ مُسْلِمٍ: «حَتَّى إِذَا مِلْتُ قَالَ: حَسْبُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَادْهَبِي.»

آنها را به حال خود واگذار ای ابوبکر! این روزها عید و ایام منی است. عائشه گفت: پیامبر ﷺ را دیدم مرا پوشاند و من به بردگان حبشه که در مسجد بازی می کردند و عمر آنها را باز می داشت، نگاه می کردم، پیامبر ﷺ فرمود: عمر! آنها را رها کن (وبگذار ادامه دهند!) و سپس به آنها گفت ادامه دهید. تا اینکه من خسته شدم و پیامبر ﷺ به من فرمودند: کافی است؟ من هم گفتم: آری! و سپس فرمودند: پس برویم».

این حدیث بیانی آشکار در این دارد که پیامبر اکرم ﷺ در برابر بازی حبشی ها در مسجد نه تنها سکوت کرده اند بلکه فرموده اش به عمر رضی الله عنه مبنی به ترک گفتن آنها علامت جواز و مباح بودن بازی در مسجد می باشد البته نووی رحمه الله در شرح مسلم گفته: در این حدیث جواز بازی با اسلحه و مانند آن از ادوات جنگی در مسجد وجود دارد و هر آنچه که در معنایش از اسباب معین برای جهاد باشد و همچنین بیانی آشکار از رأفت و رحمت و حُسن خلق و معاشرت به نیک پیامبر ﷺ می باشد^۱.

در ظاهر حدیث نمی توان دریافت که بازی در مسجد فقط برای تدریب جنگی و با اسلحه و ادوات جنگی سبک جایز می باشد؛ چراکه ظاهراً بازی و رقص آنها در روز عید و برای شادمانی بوده است پس به نظر می رسد که بازی و رقص و حرکات موزون در شان مسجد و انسان و با رعایت شئون اخلاقی که منافات و تعارض و مزاحمت برای عبادت عابدان نداشته باشد، جایز می باشد، خصوصاً برای کودکان و نوجوانان که در مسجد به بازی و سرگرمی مشغول می باشند، نباید آنها مورد آزار روانی قرار داد؛ چراکه جدای از اینکه عمل آنها مشروع می باشد بلکه حفظ شخصیت و جلب محبت و خاطره زیبا داشتن از مسجد بر تفکر و تربیت ایمانی آنها نقش بسزایی دارد.

حدیث بیستم: جواز اطراق کردن در مسجد

عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «أَنَّ وَلِيدَةً كَانَتْ سَوْدَاءَ لِحْيٍ مِنَ الْعَرَبِ، فَأَعْتَقُوهَا، فَكَانَتْ مَعَهُمْ، قَالَتْ: فَخَرَجْتُ صَبِيَّةً لَهُمْ عَلَيْهَا وَشَاحٌ أَحْمَرُ مِنْ سُيُورٍ، قَالَتْ: فَوَضَعْتُهُ - أَوْ وَقَعَ مِنْهَا - فَمَرَّتْ بِهِ حُذَيَاءٌ وَهُوَ مُلْمَى، فَحَسَبْتُهُ لَحْمًا فَخَطَفْتُهُ، قَالَتْ: فَالْتَمَسُوهُ، فَلَمْ يَجِدُوهُ، قَالَتْ: فَاتَّهَمُونِي بِهِ، قَالَتْ: فَطَفِقُوا يُفْتَشُونَ حَتَّى فَتَّشُوا قُبُلَهَا، قَالَتْ: وَاللَّهِ إِنِّي لَقَائِمَةٌ مَعَهُمْ، إِذْ مَرَّتِ الْحُدَيَاءُ فَأَلْقَتْهُ، قَالَتْ: فَوَقَعَ بَيْنَهُمْ، قَالَتْ: فَقُلْتُ هَذَا الَّذِي اتَّهَمْتُمُونِي بِهِ، زَعَمْتُمْ وَأَنَا مِنْهُ بَرِيئَةٌ، وَهُوَ ذَا هُوَ، قَالَتْ: فَجَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَسْلَمْتُ، قَالَتْ عَائِشَةُ: «فَكَانَ لَهَا خِبَاءٌ فِي الْمَسْجِدِ - أَوْ حِفْشٌ»^۱. «کنیز سیاه آزاد شده یکی از قبائل عرب که قبلاً با آنها زندگی کرده بود، (خاطره‌ای برای من تعریف کرد و) گفت: دختر بچه خردسالی از آن قبیله، که گردن بند چرمی سرخ رنگی داشت، از خانه بیرون شده بود. معلوم نیست آن را به زمین نهاده یا گم کرده بود. از قضا، پرنده‌ای گوشت خوار آن را دیده و به خیال اینکه قطعه گوشتی است، برداشته و برده بود. خانواده دختر هر چه کوشش کردند، آن را نیافتند. سرانجام، مرا متهم کردند و بازرسی نمودند. تا جایی که شرمگاهش را تفتیش کردند. بخدا سوگند، دیری نگذشته بود که آن مرغ، گردن بند را از بالا به زمین انداخت. گفتم: این است آن چیزی که مرا به سرقت آن متهم کرده‌اید در صورتی که من بی‌گناه بودم. بعد از آن بود که خدمت رسول الله ﷺ شرفیاب شده، مسلمان شدم. عایشه می‌فرماید: آن

۱ - (صحیح): بخاری (ش ۴۳۹) روایت کرده است: «حدثنا عبيد بن إسماعيل قال حدثنا أبو

أسامة عن هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة: أن وليدة كانت سوداء لحي من العرب...».

کنیزك در صحن مسجد، خیمه‌ای داشت که داخلش زندگی می‌کرد». این روایت می‌رساند که ماندن در مسجد برای اهدافی خاص و صحیح جای ایراد ندارد خصوصاً برای مسافر که به صورت موقتی قصد استراحت و ماندن دارد و یا طلبه‌هایی که قصد علم‌آموزی دارند و یا متوّلّی که قصد محافظت و نگهداری مسجد را دارد.

ابن حجر ابراز می‌دارد: این حدیث بیان از مُباح بودن ماندن و خوابیدن در شب و روز برای مسلمانی (زن یا مرد) که جای خواب ندارد یا ماندن زنی برای محافظت در موقع فتنه و نیز بیان از مباح بودن بناکردن سایه‌بان و یا خیمه‌زدن در صحن مسجد دارد. همچنین بیان از خارج شدن انسان از شهری که در آن در ناخوشی و ناراحتی به سر می‌برد تا شاید همانطور که برای این زن، خیر در پی داشت برای وی نیز خیر حاصل گردد و نیز بیان از فضیلت هجرت از دارالکفر و همچنین اجابت و پناه دادن مظلوم هرچند که کافر باشد می‌نماید؛ چراکه از سیاق حدیث استنباط می‌شود که زن بعد از ورودش به مدینه مسلمان شد^۱.

حدیث بیست و یکم: جواز دخول بچه به مسجد

ابوقتاده أنصاری رحمته‌الله روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي وَهُوَ حَامِلٌ أُمَامَةً بِنْتُ زَيْنَبَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَلِأَبِي الْعَاصِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسٍ فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا، وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا»^۲. «رسول الله ﷺ هنگام نماز

۱- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شماره ۷۳۷.

۲- (صحیح): بخاری (ش ۵۱۶) / مسلم (ش ۱۲۴۰) / ابوداود (ش ۹۱۸) / نسایی (ش ۱۲۰۴) از طریق (عبدالله بن یوسف و قتیبه بن سعید و عبدالله بن مسلمه)

خواندن، امامه، دختر زینب (نوه‌اش) را که پدرش ابوالعاص بن ربیع بن عبد شمس بود، بر دوش می‌گرفت. و هنگامیکه به سجده می‌رفت، او را بر زمین می‌گذاشت و وقتی که از سجده بلند می‌شد، او را دوباره بر دوش می‌نهاد». این واقعه در مسجد و در موقع نماز جماعت رخ داده است و می‌تواند بیان‌کننده احکام متعدّد باشد از جمله:

- آوردن بچه؛ دختر و پسر به مسجد جایز است؛ و این عمل جدای از اینکه جایز بوده بلکه محاسن تربیتی و ایمانی خاص برای فرزندان به همراه دارد. والدین با آوردن فرزندان به مسجد جدای از اینکه آنها را در فضای پربرکت و زیبای مسجد قرار می‌دهند عملاً به آنها آموزش ایمان و عبادت می‌دهند که وظیفه اصلی همه والدین نسبت به فرزندان می‌باشد.

- نووی رحمته الله اشاره می‌کند که این حدیث منسوخ نبوده و هیچ خلاقی با قواعد شریعت ندارد؛ چراکه انسان پاک است و آنچه در درونش هم می‌باشد معفو عنه است و لباس و بدن کودکان حمل بر پاکی

روایت کرده‌اند: «أخبرنا مالك عن عامر بن عبدالله بن الزبير عن عمرو بن سليم الزرقني عن أبي قتادة الأنصاري: أن رسول الله ﷺ كان يصلي وهو حامل أمامة بنت زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم ولأبي العاص بن الربيع بن عبد شمس فإذا سجد وضعها وإذا قام حملها». و بخاری (ش ۵۹۹۶) / مسلم (ش ۱۲۴۱) / ابوداود (ش ۹۱۹) / نسایی (ش ۷۱۱) / ابن ماجه (ش ۸۲۷ و ۱۲۰۵) از طریق (قتیبه بن سعید و ابوالولید طیالسی نا لیث بن سعد نا سعید بن ابی سعید؛ و قتیبه بن سعید و محمد بن ابی عمرو نا سفیان نا عثمان بن ابی سلیمان) و این دو (سعید بن ابی سعید و عثمان بن ابی سلیمان) روایت کرده‌اند که: «عن عامر بن عبدالله بن الزبير عن عمرو بن سليم الزرقني عن أبي قتادة قال: رأيت رسول الله ﷺ يؤم الناس وهو حامل أمامة بنت أبي العاص على عاتقه فإذا ركع وضعها وإذا رفع من سجوده أعادها».

می‌باشد تا اثبات نجاست شود و حرکات اضافی در نماز هرگاه اندک یا زیاد ولی جداگانه باشند نماز را باطل نمی‌کنند و دلایل شرع بر این معلوم است و فعل نبی ﷺ نیز نشانۀ جواز آن می‌باشد^۱.

- در صورتیکه آوردن کودکان به مسجد جایز باشد، آموزش آنها در مسجد نیز جایز می‌باشد البته باید سعی شود مدیرانی باشند تا نظم و نظام مسجد را حفظ کنند و در صورت مشاهده اعمال کودکانه و ناخوشایند از آنها باید با نهایت احترام و آرامی برخورد شود، تا شخصیت آنها جریحه‌دار نگردد و خاطره ناخوشایند از مسجد و نمازگزاران نداشته باشند؛ چراکه کودکان در تحلیل این مسایل دارای حسّی حساس و درونی آگاه هستند و سرمایه و آیندگانی هستند که مساجد را آباد می‌کنند.

- اگر کسی موبایلش هنگام نماز به صدا درآمد، می‌تواند آن را خاموش کرده تا موجب آزار و اذیت سایر نمازگزاران و یا اخلال در نماز خود نگردد؛ چراکه بیرون آوردن موبایل و خاموش کردن آن، کمتر از بلند کردن امامه توسط رسول الله ﷺ نیست لذا این عمل جایز می‌باشد. البته باید اشاره کنیم که از حرکات زیادی خودداری شود و تا حدّ امکان حرکاتش اندک باشد.

این عمل پیامبر ﷺ و همچنین بنابر روایت مختلف دیگر، تواضع و احترام و مهربانی و شفقت رسول خدا ﷺ را نسبت به کودکان می‌رساند، که متأسفانه برخی از والدین و انسان‌ها نسبت به این امانت‌های خداوند ﷻ، کوتاهی وافر و بی‌حرمتی زیاد دارند.

باید اشاره کنیم که بعضی گفته‌اند رسول الله ﷺ می‌فرماید: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ صَبِيَّانَكُمْ، وَحَجَّانِيَكُمْ»^۱. «کودکان و دیوانگان را از مساجد دوری کنید». اما اسناد این روایت مردود بوده لذا قابلیت احتجاج را ندارد.

۱- (منکر): این روای از طریق معاذ بن جبل و وائلة بن اسقع و أبوالدرداء و أبو أمانة و ابوهريه و عبدالله بن مسعود و مکحول و ابوعامر صالح بن رستم و عطاء بن ابی رباح و شخصی مبهم از رسول الله ﷺ روایت گردیده است:

اما طریق ابوالدرداء و ابوامامه و وائلة بن اسقع رضی الله عنه: دو طریق دارد؛ طریق اول: بیهقی، السنن الكبرى (ش ۲۰۷۶۵) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۸ ص ۱۳۲) و مسند الشاميين (ج ۴ ص ۳۲۱) / ابن عدی، الكامل (ج ۵ ص ۲۱۹) / عقیلی، الضعفاء الكبير (ج ۳ ص ۳۴۷) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۴۷ ص ۲۲۴) از طریق (أحمد بن محمد بن مخلد بن راهویه و أحمد بن مهران الأصبهانی و ابوامیة محمد بن ابراهيم) روایت کرده‌اند: «حدثنا أبو نعيم عبد الرحمن بن هانئ النخعي حدثنا العلاء بن كثير عن مكحول عن أبي الدرداء وعن وائلة بن الاسقع وعن أبي أمانة رضی الله عنه كلهم يقول سمعنا رسول الله ﷺ وهو على المنبر يقول: جنبوا مساجدكم صبيانكم و مجانينكم و خصوصاتكم و رفع أصواتكم و سل سيفكم و إقامة حدودكم و اجروها في الجمع و اتخذوا على أبواب مساجدكم مطاهر». اما این اسناد «باطل» است چرا که اولاً: یحیی بن العلاء البجلي: امامان احمد بن حنبل و وکیع بن الجراح وی را کذاب «دانسته» و امامان عمرو بن علی فلاس و دارقطنی و نسایی می‌گویند: «متروک» و امام یحیی بن معین می‌گوید: «لیس بثقة، لیس بشيء» [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۱ ص ۲۶۱) و تقریب التهذیب (ش ۷۶۱۸) و ثانیاً: ابونعیم عبد الرحمن بن هانئ نخعی «ضعیف» [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۶ ص ۲۸۹)]. وثالثاً: امام ذهبی گفته است: «منکر» و امام زیلعی هم گفته است: «حدیث ضعیف» و امام سخاوی هم گفته است: «سند ضعیف» و امام البوصیری هم گفته است: «اسناد ضعیف» و امام بیهقی هم گفته است: «اسناد ضعیف» و امام نووی هم گفته است: «ضعیف» و امام عقیلی هم گفته است: «الرواية فيها لين» [زیلعی، نصب الراية

(ج ۲ ص ۴۹۲) / سخاوی، المقاصد الحسنة (ص ۲۸۶) / البوصیری، مصباح الزجاجة (ج ۱ ص ۱۶۱) / بیهقی، معرفة السنن والآثار (ج ۱ ص ۳۷۲) / ذهبی، میزان الاعتدال (ج ۲ ص ۵۹۵) / عقیلی، الضعفاء الكبير (ج ۳ ص ۳۴۷) / نووی، خلاصة الاحكام (ش ۸۹۶).

طریق دوم: ابن ماجه (ش ۷۵۰) ابن شبة، تاریخ المدينة المنورة (ج ۱ ص ۲۳) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۲ ص ۵۷) و مسند الشاميين (ج ۴ ص ۶۰۷) از طریق (عيسى بن إبراهيم البركي و ابن عائشة و مسلم بن ابراهيم) روایت نموده اند: «حدثنا الحارث بن نبهان حدثنا عتبة بن يقظان عن أبي سعد عن مكحول عن واثلة بن الأسقع: أن النبي ﷺ قال: جنبوا مساجدكم صبيانكم ومجانينكم وشراركم وبيعكم وخصوماتكم ورفع أصواتكم وإقامة حدودكم وسل سيوفكم واتخذوا على أبوابها المطاهر وجمروها في الجمع» اما اين اسناد «واهي» است چرا كه اولاً: الحارث بن نبهان الجرمي «متروك الحديث» می باشد [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۲ ص ۱۵۸) و تقريب التهذيب (ش ۱۰۵۱)] ثانياً: أبو سعيد الشامي: امامان دارقطنی و ابن حجر می گوید: «مجهول» و راوی جز (عتبة بن يقظان) كه ضعیف بوده ندارد [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۱ ص ۱۱۱) و تقريب التهذيب (ش ۸۱۳۱) / ذهبی، المغنی (ش ۷۴۹۰) و ثالثاً: عتبة بن يقظان الراسبي: امام نسایی می گوید: «غير ثقة» و امام دارقطنی هم گفته است: «متروك» و امام علی بن الجنید هم می گوید: «لايساوي شيئاً» و امام ابن حجر هم گفته است: «ضعيفٌ» و امام ابن حبان وی را در «ثقات» آورده است! [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۷ ص ۱۰۳) و تقريب التهذيب (ش ۴۴۴۴) / دارقطنی، السنن (ج ۴ ص ۲۸۱). و ثالثاً: امام ابن الجوزی گفته است: «لايصح» و امام ابن الملقن هم گفته است: «حديثٌ ضعيفٌ» و امام ابن حجر هم گفته است: «ضعيفٌ» [ابن الملقن، البدر المنير (ج ۹ ص ۵۶۷-۵۶۵) / ابن حجر، فتح الباری (ج ۱ ص ۱۵۷)] باید اشاره کنیم كه در روایت عيسى بن ابراهيم آمده است: «ثنا الحارث بن نبهان ثنا عتبة بن يقظان عن أبي سعيد الشامي هو عبد القدوس بن حبيب عن مكحول عن واثلة» اما عبد القدوس بن حبيب

الکلاعی ابوسعید الشامی: امام عبدالرزق گفته است: «ما رأیت ابن المبارک یفصح بقوله کذاب الا لعبدالقدوس» و امام ابن حبان گفته است: «کان یضع الحدیث» و امام بن عیاش گفته است: «لا اشهد علی احد بالکذب الا علی عبدالقدوس» و امام عمرو بن علی الفلاس گفته است: «اجمعوا علی ترک حدیثه» و امام نسایی گفته است: «لیس بثقة» و امام ابن عدی گفته است: «احادیثه منکره الاسناد والمتن» و امامان مسلم و ابن عمار گفته‌اند: «ذاهب الحدیث» و امام بخاری گفته است: «ترکوه منکر الحدیث» و امام ابوداود گفته است: «لیس بشيء» [ابن حجر، لسان المیزان (ج ۴ ص ۴۵)].

اما طریق معاذ بن جبل رضی الله عنه: طبرانی، المعجم الکبیر (ج ۲۰ ص ۱۷۳) و مسند الشامیین (ج ۴ ص ۳۷۴) / عبدالرزاق، المصنف (ج ۱ ص ۴۴۱) از طریق (احمد بن عبدالرحمن و سعید بن ابی مریم و عبدالرزاق الصنعانی) روایت کرده‌اند: «ثنا محمد بن مسلم عن عبد ربه بن عبدالله الشامي عن يحيى بن العلاء عن مكحول رفعه الى معاذ بن جبل ورفعه معاذ: الى النبي ﷺ قال: جنبوا مساجدكم صبيانكم وخصوماتكم وحدودكم وشراءكم وبيعكم وجروها يوم جمعكم واجعلوا على أبوابها مطاهرکم». اما این اسناد «باطل» است چرا که اولاً دیدیم که: یحیی بن العلاء البجلي: امامان احمد بن حنبل و وکیع بن الجراح وی را کذاب «دانسته» و امامان عمر و بن علی فلاس و دارقطنی و نسایی می‌گویند: «متروک» و امام یحیی بن معین می‌گوید: «لیس بثقة، لیس بشيء» [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۱ ص ۲۶۱) و تقریب التهذیب (ش ۷۶۱۸)] و ثانیاً: امامان سخاوی و هیثمی و البوصیری و المنذری گفته‌اند: «مکحول لم یسمع من معاذ» و امام ابن حجر هم گفته است: «هذا منقطع» [هیثمی، مجمع الزوائد (ج ۲ ص ۳۶) / ابن حجر، المطالب العالیة (ج ۱ ص ۱۳۱) / البوصیری، اتحاف الخیرة المهرة (ج ۲ ص ۴۱) / المنذری، الترغیب والترهیب (ج ۱ ص ۱۲۳) / سخاوی، المقاصد الحسنة (ص ۲۸۶)] و ثالثاً: چیزی از عبد ربه بن عبدالله الشامي نیافتیم. و رابعاً: امام بیهقی هم گفته است: «لیس بصحیح» [ابن الملکن، البدالمنیر (ج ۹ ص ۵۶۷)].

باید اشاره کنیم که در روایت عبدالرزاق، یحیی بن العلاء افتاده است.

اما طریق ابوهریره رضی الله عنه: عبدالرزاق، المصنف (ج ۱ ص ۴۴۲) / ابن عدی، الکامل (ج ۵ ص ۲۱۸) از طریق (عبدالله بن محرر) روایت کرده‌اند: «أن یزید بن الأصم أخبره أنه سمع أبا هريرة يقول قال رسول الله ﷺ: جنبوا مساجدکم الصبیان والمجانین» اما این اسناد هم «واهی» بوده زیرا اولاً: راویش عبدالله بن محرر العامری الجزری الحرانی: امامان بخاری و ابوحاتم می‌گویند: «منکر الحدیث» و امامان عمرو بن علی فلاس و أبو حاتم و علی بن الحسین بن الجندی و الدارقطنی و ابن حجر و عبدالله بن مبارک و نسایی می‌گویند: «متروک» و امام ابوزرعه می‌گوید: «ضعیف الحدیث» و امام یحیی بن معین می‌گوید: «ضعیف، لیس بثقة» و امام ابن عدی می‌گوید: «روایاته عن من یروی عنه غیر محفوظة» و امام ابن حبان می‌گوید: «کان من خیار عباد الله إلا أنه کان یکذب ولا یعلم ویقلب الأسانید ولا یفهم» و امام جوزجانی می‌گوید: «هالک» [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۵ ص ۳۸۹) و تقریب التهذیب (ش ۳۵۷۳)] و ثانیاً: امام ابن حجر هم گفته است: «طریق واهیة» [ابن حجر، تلخیص الحبیر (ج ۴ ص ۴۵۷)].

اما طریق عبدالله بن مسعود رضی الله عنه: اسنادش را نیافتم ولی امام بزار گفته است: «لیس له أصل من حدیث عبدالله» [ابن الملکن، البدر المنیر (ج ۹ ص ۵۶۷)].

اما طریق مکحول الشامی: ابن ابی شبة، المصنف (ج ۵ ص ۵۲۷) / عبدالرزاق، المصنف (ج ۱ ص ۴۴۲) از طریق (محمد بن خالد و عبدالقدوس بن حبیب) روایت کرده‌اند: «سمعت مکحولاً یقول قال رسول الله ﷺ: جنبوا مساجدکم الصبیان، والمجانین». اما مکحول تابعی بوده و معلوم نیست که روایت را از چه کسی شنیده است.

اما طریق ابوعامر صالح بن رستم: ابن شبة، تاریخ المدینه المنورة (ج ۱ ص ۲۳) روایت کرده است: «حدثنا ابو عاصم حدثنا ثور بن یزید عن أبي محمد (قرة بن خالد) عن أبي عامر (صالح بن رستم) قال قال رسول الله ﷺ: لا تقربوا مسجدنا هذا صبیانکم ولا مجانینکم» چنانکه در پایین می‌بینیم، ابوعامر صالح بن رستم این روایت را از عطاء بن ابی رباح شنیده است.

حدیث بیست و دوم: جواز خواندن نماز جنازه در مسجد

عباد بن عبدالله روایت کرده است: «أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَمَرَتْ أَنْ يَمْرُرَ بِجَنَازَةِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الْمَسْجِدِ، فَتُصَلَّى عَلَيْهِ، فَأَنْكَرَ النَّاسُ ذَلِكَ عَلَيْهَا،

اما طريق عطاء بن ابی رباح: ابن شبة، تاريخ المدينه المنورة (ج ۱ ص ۲۴) روایت کرده است: «قال أبو عاصم أخبرنا أبو محمد (قرة بن خالد) عن أبي عامر (صالح بن رستم) عن عطاء بن أبي رباح عن النبي ﷺ بمثله» اما عطاء بن ابی رباح تابعی بوده و معلوم نیست که روایت را از چه کسی شنیده است.

اما طريق شخص مهم: عبدالرزاق، المصنف (ج ۱ ص ۴۴۲) روایت کرده است: «عن الثوري عن ثور عن رجلين بينه وبين النبي ﷺ» اما این اسناد هم «واهی» بوده چرا که دو راوی از اسنادش افتاده است: «رجلين بينه وبين النبي».

اما علت «نکارت» متن روایت این بوده که رسول الله ﷺ، اجازه‌ی بردن کودکان را به مسجد داده‌اند چنانکه بخاری (ش ۵۱۶) / مسلم (ش ۱۲۴۰) / ابوداود (ش ۹۱۸) / نسایی (ش ۱۲۰۴) از طريق (عبدالله بن يوسف و قتيبة بن سعيد و عبدالله بن مسلمه) روایت کرده‌اند: «أخبرنا مالك عن عامر بن عبدالله بن الزبير عن عمرو بن سليم الزرقني عن أبي قتادة الأنصاري: أن رسول الله ﷺ كان يصلي وهو حامل أمامة بنت زينب بنت رسول الله ﷺ ولأبي العاص بن الربيع بن عبد شمس فإذا سجد وضعها وإذا قام حملها». و بخاری (ش ۵۹۹۶) / مسلم (ش ۱۲۴۱) / ابوداود (ش ۹۱۹) / نسایی (ش ۷۱۱) / ابن ماجه (ش ۸۲۷ و ۱۲۰۵) از طريق (قتيبة بن سعيد و ابوالوليد طياليسي نا ليث بن سعد نا سعيد بن ابی سعيد؛ و قتيبة بن سعيد و محمد بن ابی عمرو نا سفيان نا عثمان بن ابی سليمان) و این دو (سعيد بن ابی سعيد و عثمان بن ابی سليمان) روایت کرده‌اند که: «عن عامر بن عبدالله بن الزبير عن عمرو بن سليم الزرقني عن أبي قتادة قال: رأيت رسول الله ﷺ يوم الناس وهو حامل أمامة بنت أبي العاص على عاتقه فإذا ركع وضعها وإذا رفع من سجوده أعادها».

فَقَالَتْ: مَا أَسْرَعَ مَا نَسِيَ النَّاسُ، مَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى سُهَيْلِ ابْنِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ^۱. «عائشه رضی اللہ عنہا دستور داد که روی جنازه سعد بن ابی وقاص رضی اللہ عنہ در مسجد نماز بخوانند؛ و مردم هم این کار را منکر و ناپسند دانستند. لذا عائشه گفت: مردم چه به سرعت فراموش کردند! مگر پیامبر ﷺ بر جنازه سهیل بن بیضاء در مسجد نماز نخواند؟!».

جمهور فقها بر این باورند که خواندن نماز جنازه در مسجد بر مبنای روایت مذکور جایز می‌باشد، و برخی از فقها همچون حنفیه آن را مکروه می‌دانند و آن بخاطر اجتناب از احتمال کثیف و آلوده کردن مسجد می‌باشد. با این وصف همه فقها اتفاق نظر دارند در صورت احتمال آلوده کردن مسجد این امر جایز نیست^۲.

۱- (صحیح): مسلم (ج ۲ ص ۶۶۸) / ابوداود (ش ۳۱۸۹) / ترمذی (ش ۱۰۳۳) / نسایی (ش ۱۹۶۸ و ۱۹۶۷) / ابن ماجه (ش ۱۵۱۸) از طریق (صالح بن عجلان و محمد بن عبدالله بن عباد و عبد الواحد بن حمزة) روایت کرده‌اند: «عن عباد بن عبدالله بن الزبیر أن عائشة...».

۲- نک: ابن عابدین، ۱/ ۶۱۹، ۶۲۰؛ الهندیة، ۱/ ۱۶۲؛ المدونة، ۱/ ۱۶۱؛ الشرح الصغير، ۱/ ۲۲۹؛ غایة المنتهی، ۱/ ۲۴۰؛ تعلیق المقنع، ۱/ ۲۷۹؛ الفقه علی المذاهب، ۱/ ۴۱۲؛ شرح البهجة، ۲/ ۱۱۷.

حدیث بیست و سوّم: جواز دخول حیوانات به مسجد در صورت عدم آلوده کردن مسجد

عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت کرده است: «طَافَ النَّبِيُّ ﷺ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ عَلَى بَعِيرٍ، يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ بِمَحْجَنٍ»^۱. «پیغمبر ﷺ در حَجَّة الْوَدَاع در حالیکه روی شتر بوده، (چون نمی‌توانس با دست رکن را لمس کند،) آن را با عصایش لمس می‌نمود».

این حدیث اشاره به این دارد که طواف کردن بر روی حیوان و یا هر وسیله دیگر جایز می‌باشد و نیز می‌رساند که جایز است حیوان به محدوده مسجد داخل گردد ولی اگر آلوده شد باید سریعاً تمییز گردد.

همچنین حدیث بیانگر این می‌باشد که استلام با دست به حجرالأسود مستحب بوده و در صورت ناتوانی با عصا انجامش مستحب می‌باشد و نیز بکار بردن کلمه «حجة الوداع» جایز می‌باشد^۲.

۱- (صحیح): بخاری (ش ۱۶۰۷ و ۱۶۱۲) / مسلم (ج ۲ ص ۹۲۶) / ابوداود (ش ۱۸۷۷) / ترمذی (ش ۸۶۵) / نسایی (ش ۷۱۳ و ۲۹۵۴) / ابن ماجه (ش ۲۹۴۸) از طریق عبیدالله بن عبدالله وعکرمه) روایت کرده‌اند: «عن ابن عباس قال: طاف النبي ﷺ في حجة الوداع على بعير يستلم الركن بمحجن».

۲- نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شماره ۱۵۱۶.

حدیث بیست و چهارم: جواز دخول کافر، جنب، حائض و نفساء به مسجد

ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ خَيْلًا قَبْلَ نَجْدٍ، فَجَاءَتْ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي حَنِيفَةَ يُقَالُ لَهُ: ثُمَامَةُ بْنُ أُثَالٍ، فَرَبَطُوهُ بِسَارِيَةٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: أَطْلِقُوا ثُمَامَةَ، فَاَنْطَلَقَ إِلَى نَخْلٍ قَرِيبٍ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَاغْتَسَلَ، ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^۱. «پیغمبر ﷺ سوارکارانی را به سوی نجد فرستاد، مردی از بنی حنیفه را آوردند که به وی می گفتند: ثُمَامَةُ بْنُ أُثَالٍ، وی را به دیواری از دیوارهای مسجد بستند، پیامبر ﷺ به سوی او خارج شد و فرمود: ثُمَامَه را آزاد کنید، وی راهی نخلی نزدیک به مسجد شد و غسل کرد، سپس داخل مسجد شد و گفت: شهادت می دهم که معبودی «بر حق» وجود ندارد و محمد فرستاده خداست».

در این حدیث مشاهده می شود که ثُمَامَه با وجود اینکه کافر بود در مسجد بسته بودنش و پیامبر ﷺ بر ورود وی به مسجد ایرادی نگرفتند. پس ورود کافر به مسجد ایرادی ندارد به جز مسجد الحرام؛ چرا که خداوند ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۶۹ و ۴۶۲ و ۴۳۷۲) / مسلم (ج ۳ ص ۱۳۸۶) / ابوداود

(ش ۲۶۷۹) / نسایی (ش ۱۸۹ و ۷۱۲) از طریق (عبدالله بن یوسف وقتیبه بن سعید)

روایت کرده اند: «حدثنا الليث قال حدثنا سعيد بن أبي سعيد سمع أبا هريرة قال: بعث النبي ﷺ

خیلا قبل نجد...».

الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
 إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ [التوبة: ۲۸]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بیگمان مشرکان (به سبب کفر و شرکشان، از لحاظ عقیده) پلیدند، لذا نباید پس از امسال (که نهم هجری است) به مسجدالحرام وارد شوند».

با این وصف که ورود و ماندن کافر به مسجد جایز می‌باشد، ورود و ماندن حائض و نفساء و جنب نیز ایرادی ندارد، و این مذهب فقهایی چون احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و داود ظاهری و مزنی و امام ابن حزم هم می‌باشد؛ فقط احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه گفته‌اند باید وضوء بگیرند؛^۱ البته فقهای حنفیه و مالکیه بر این باورند که ورود زنان حائض و نفساء و انسان جنب به مسجد حرام می‌باشد و فقهای شافعیه و حنابله ماندن این افراد را حرام می‌دانند ولی عبورشان را به شرط آلوده نکردن مسجد جایز می‌دانند. اساس استدلال این دسته از فقها روایت اُمّ المؤمنین عائشه رضی الله عنها می‌باشد که گفته‌اند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي لَا أَجِلُ الْمَسْجِدَ لِحَائِضٍ وَلَا جُنُبٍ».^۲ «پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من داخل مسجد برای جنب و حائض را حلال نمی‌دانم».

۱- عمرانی، البیان ۲۵۰/۱؛ بغوی، شرح السنة ۴۶/۲؛ ابن حزم، المحلی ۱۸۴/۲

۲- (ضعیف): این روایت از طریق ام سلمه و علی بن ابی طالب و ابوسعید وسعد از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت گردیده است:

اما طریق ام سلمه رضی الله عنها: ابن ماجه (ش ۶۴۵) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۱۳۷۸۳) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۱۴ ص ۱۶۶) / ابونعیم، اخبار اصفهان (ش ۱۰۹۸) / طبرانی، المعجم الکبیر (ج ۲۳ ص ۳۷۳) / ابوزرعه، الفوائد المعلله (ش ۱۲۹) از طریق (محمد بن یونس و علی بن عبدالعزیز البغوی و عبدالله بن داود و محمد بن یحیی و ابوبکر بن ابی شیبه و ابوزرعه) روایت کرده‌اند: «ثنا أبو نعيم فضل بن الدكين ثنا ابن أبي

غنية عن أبي الخطاب الهجري عن محدوج الذهلي عن جصرة قالت: أخبرني أم سلمة قالت: خرج رسول الله ﷺ إلى المسجد فنأدى بأعلى صوته: ألا إن هذا المسجد لا يجل لجنب ولا لحائض إلا للنبي وأزواجه و فاطمة بنت محمد و علي ألا بينت لكم أن تضلوا. و في رواية ابوزرعه: «إن هذا المسجد لا يجل لجنب ولا لعريان إلا...».

اما محدوج الذهلي: امام ابن حجر می گوید: «مجهول، أخطأ من زعم أن له صحبة» و امام بخاری هم می گوید: «محدوج الذهلي عن جصرة ... فيه نظر.» و امام ابن حزم می گوید: «ساقط يروي العضلات عن جصرة» [ابن حجر، تقريب التهذيب (ش ۶۴۹۸)/ ابن حزم، المحلى (ج ۲ ص ۱۸۶)] و راوی جز أبي الخطاب الهجري ندارد که أبو الخطاب الهجري عمر و بن عمير هم نفرده مقبول نبوده و امام ابن حجر می گوید: «مجهول» [ابن حجر، تقريب التهذيب (ش ۸۰۸۱)].

همچنین ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۴۲ ص ۱۴۱)/ الفوائد المنتقاه عن الشيوخ العوالی لعلی بن عمر الحریری (ش ۷۸) از طریق (علی بن عمر الحریری) روایت کرده اند: «ناجعفر بن أحمد بن محمد بن الصباح نا أحمد بن عبدة نا الحسن بن صالح بن الأسود عن عمه منصور بن الأسود عن عمر بن عمير الهجري عن عروة بن فيروز عن جصرة عن أم سلمة قالت: خرج النبي ﷺ حتى إذا كان بصحن المسجد أو قال بصرحة المسجد نادى: ألا إني لأحل المسجد لجنب ولا حائض إلا لمحمد وأزواجه وعلي و فاطمة ألا هل بينت لكم الأسماء أن تضلوا».

و عمر بن عمير: همان ابوالخطاب الهجري، و عروه بن فيروز: همان محدوج الهذلي می باشد؛ چرا که بخاری، التاريخ الكبير (ج ۶ ص ۱۸۳) روایت کرده است: «قال يونس بن أرقم سمع منصور بن أبي الأسود عن عمر بن عمير عن محدوج (الهذلي) عن جصرة سمعت أم سلمة: قال النبي ﷺ لا يجل المسجد لجنب الا لكذا» و همچنين امام بخاری در ادامه می گوید: «روى لي بن ميسر عن عمر بن عمير بن أبي الخطاب الهجري عن عروة بن فيروز في الكوفيين» لذا این اسناد با اسناد قبلی، یکی بوده و به علت جهالت محدوج الذهلي و ابوالخطاب «ضعيف» می باشد.

باید اشاره کنیم که متابعه‌ای هم دارد و بیهقی، السنن الکبری (ش ۱۳۷۸۴) روایت کرده است: «أخبرناه أبو نصر عمر بن عبد العزيز بن عمر بن قتادة أخبرنا أبو الحسن محمد بن الحسن بن إسماعيل السراج حدثنا مطين حدثنا يحيى بن حمزة التمار قال سمعت عطاء بن مسلم يذكر عن إسماعيل بن أمية عن جصرة عن أم سلمة قالت قال رسول الله ﷺ ألا إن مسجدي حرام على كل حائض من النساء وكل جنب من الرجال إلا على محمد وأهل بيته على وفاطمة والحسن والحسين ﷺ». اما عطاء بن مسلم این حدیث را از اسماعیل بن امیه شنیده بلکه از راوی «مجهولی» شنیده است؛ چنانکه ابن شبه در تاریخ المدينة النبویة (ج ۱ ص ۲۵) روایت کرده است: «حدثنا موسى بن مروان قال حدثنا عطاء بن مسلم عن أبي عتبة عن إسماعيل (بن اميه) عن جصرة وكانت من خيار النساء، قالت: كنت مع أم سلمة فقالت: خرج النبي ﷺ من عندي حتى دخل المسجد فقال: يا أيها الناس حرم هذا المسجد على كل جنب من الرجال أو حائض من النساء إلا النبي وأزواجه وعلياً وفاطمة بنت رسول الله ﷺ ألا بينت الأساء أن تصلوا» و ابو عتبّه را نشناختم و در بین شیوخ عطاء بن مسلم و تلامیذ اسماعیل بن امیه چنین راوی را نیافتم و حال جسره را هم که دیدیم.

اما طریق علی بن ابی طالب: امام سیوطی در اللآلی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة (ج ۱ ص ۳۲۰) گفته است: «قال القاضي إسماعيل بن إسحاق المالكي في كتاب أحكام القرآن له: حدثنا إبراهيم بن حمزة حدثنا سفيان بن حمزة عن كثير بن زيد عن المطلب بن عبدالله بن حنطب أن النبي لم يكن أذن لأحد أن يمر في المسجد ولا يجلس فيه وهو جنب إلا علي بن أبي طالب لأن بيته كان في المسجد».

اما المطلب بن عبدالله بن حنطب تابعی بوده و نگفته که حدیث را از چه کسی شنیده است؛ لذا روایت «مرسل و ضعیف» می‌باشد.

و دیدیم که این حدیث، از طریق جسره بنت دجاجة مشهور بوده و شاید مطلب بن عبدالله این را از وی شنیده باشد؛ به هر حال حدیث «مرسل و ضعیف» است.

اما طریق ابوسعید: ترمذی (ش ۳۷۲۷) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۱۳۷۸۵) / ابویعلی، المسند (ش ۱۰۴۲) از طریق (علی بن منذر و ابوهشام الرفاعی) روایت کرده‌اند:

البته باید اشاره کرد سند این حدیث ضعیف و غیر قابل احتجاج می‌باشد و از آنجاییکه دلیلی بر ممانعت این افراد برای ورود و ماندن در مسجد وجود ندارد و از طرفی دیگر پیامبر ﷺ بر بودن ثَمَامَةُ بْنُ أَثَالِ قبل اسلامش در حالت کفر در مسجد ایراد نگرفتند پس به طور اولی ورود و ماندن زنان حائض و نفساء و انسان جنب به مسجد و ماندن‌شان خصوصاً برای تعلیم و تعلّم و پاکیزه کردن مسجد و ... هیچ ایرادی ندارد و جایز می‌باشد^۱.

«حدثنا محمد بن فضيل عن سالم بن أبي حفصة عن عطية عن أبي سعيد قال: قال رسول الله ﷺ لعلي: يا علي لا يحل لأحد يجنب في هذا المسجد غير وغيرك». اما عطية بن سعد بن جنادة العوفي «ضعيف و مدلس» می‌باشد. همچنین معلوم نیست که این ابوسعید، همان ابوسعید خدری است و یا همان ابوسعید کلبی کذاب می‌باشد! چرا که عطیه عوفی، کثیر التدلیس بوده و احادیث کلبی کذاب را با نام ابوسعید بیان می‌کرده و تدلیس می‌نموده است؛ و مردم هم فکر می‌کردند که همان ابوسعید خدری است. [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۷ ص ۲۲۴) و تقریب التهذیب (ش ۴۶۱۶)].

اما طریق سعد: بزار (ش ۱۱۹۷) روایت کرده است: «حدثنا إبراهيم بن سعيد الجوهري قال حدثنا إسماعيل بن أبي أويس قال حدثني أبي عن الحسن بن زيد (بن حسن بن علي) عن خارجة بن (عبدالله بن) سعد عن أبيه سعد قال: قال رسول الله ﷺ لعلي: لا يحل لأحد يجنب في هذا المسجد غيري وغيرك». اما این اسناد «مرسل و ضعیف» است؛ چرا که پدرِ خارجه بن عبدالله یعنی: (عبدالله بن سعد بن ابی وقاص القرشی) تابعی بوده و امامان بخاری در التاریخ الكبير (ج ۵ ص ۱۰۷) و ابن حبان در الثقات (ج ۵ ص ۸) می‌گویند: «روی عنه ابنه خارجه یعد فی أهل المدينة».

باید اشاره کنیم که در اسناد آمده است: «عن أبيه سعد!!» در صورتیکه پدر خارجه بن عبدالله بن سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن سعد می‌باشد؛ و سعد بن ابی وقاص جد وی بوده و ظاهراً کلمه ی (عبدالله) از اسناد افتاده است.

۱- البته این روایت در بردارنده فواید و احکام مختلفی دیگر نیز می‌باشد از جمله: بستن کافر در مسجد، مَنّت نهادن به اسیر کافر در حالتی که نشانه‌های تغییر در آن

حدیث بیست و پنجم: تمییز کردن و پاک نمودن مساجد

عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ بِالْمَسَاجِدِ أَنْ تُبْنَى فِي الدُّورِ، وَأَنْ تُطَهَّرَ وَتُطَيَّبَ»^۱. «پیغمبر خدا ﷺ امر فرمودند که در محله‌ها مساجد ساخته شوند، و پاکیزه و مرتب و خوشبو نگهداری شوند».

مشاهده شود. و منت و محبت بدون چشم داشت تأثیر زیاد در تغییر انسان دارد و کینه و بغض را تبدیل به مهربانی و گذشت می‌کند. همچنین غسل کردن در موقع مسلمان شدن. نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شماره ۶۲۱۰.

۱- (صحیح): ابوداود (ش ۴۵۵) / ترمذی (ش ۵۹۴) / ابن ماجه (ش ۷۵۹ و ۷۵۸) / احمد، المسند (ش ۲۶۳۸۶) / ابن حبان (ش ۱۶۳۴) / ابن منذر، الاوسط (ش ۲۴۵۷) / طحاوی، شرح مشکل الآثار (ج ۷ ص ۵۶) / ابن عبدالبر، التمهید (ج ۱ ص ۱۶۰) / ابن عدی، الكامل فی الضعفاء (ج ۵ ص ۸۳) / خطیب بغدادی، تاریخ بغداد (ج ۶ ص ۱۵۲ و ج ۱۲ ص ۲۳۴) / بیهقی، السنن الكبرى (ش ۴۴۸۰) / طوسی، المستخرج علی ترمذی (ج ۳ ص ۱۶۵) / ابویعلی، المسند (ش ۴۶۹۸) / ابن حزم، المحلی (ج ۱ ص ۱۷۲) / بغوی، شرح السنة (ج ۲ ص ۳۹۹) / عقیلی، الضعفاء (ج ۳ ص ۳۰۹) / حدیث السراج بروایة الشحامی (ش ۷۶۸) / ابن خزیمه (ش ۱۲۹۴) از طریق (عبدالله بن مبارک و مالک بن سعیر و زائدة بن قدامه و عامر بن صالح) روایت کرده‌اند: «أَبْنَا هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ بِالْمَسَاجِدِ أَنْ تُبْنَى فِي الدُّورِ وَأَنْ تُطَهَّرَ وَتُطَيَّبَ».

و رجالش رجال «صحیحین» بوده البته آن را مرسل هم روایت کرده‌اند و ترمذی (ش ۵۹۵ و ۵۹۶) از طریق (عبدة بن سلیمان و وکیع بن الجراح و سفیان بن عیینه) روایت کرده است: «عن هشام بن عروة عن أبيه: أن النبي ﷺ أمر رسول الله ...».

اما چون رجال موصول و مرسل هردو جمعی از ثقات بوده نشان می‌دهد که هشام بن عروه آن را به دو طریق روایت کرده است لذا شک از هشام بن عروه است و نه سایر روایات!

ولی متابعه‌ای دارد واحمد، المسند (ش ۲۳۱۴۶) روایت کرده است: «ثنا یعقوب (بن ابراهیم) ثنا أبي عن (محمد) بن إسحاق حدثني عمرو بن عبدالله بن عروة بن الزبير عن جده عروة عن حدثه من أصحاب رسول الله ﷺ قال: كان رسول الله ﷺ يأمرنا ان نصنع المساجد في دورنا و ان نصلح صنعتها ونظهرها» و رجالش همه «ثقة» بوده جز عمرو بن عبدالله بن عروه بن الزبير که امام بخاری و مسلم از وی «روایت نموده اند» و امام ابن حبان هم وی را در «ثقات» آورده است و جمعی از ثقات هم از وی روایت نموده‌اند [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۷ ص ۴۶۹)] لذا «حسن الحديث» است و اسناد روایت هم «حسن» می‌گردد. باید اشاره کنیم که محمد بن اسحاق بن یسار به دلیل روایت از فاطمه بنت قیس توسط امام مالک و هشام بن عروه و یحیی بن سعید قطان تضعیف شده است؛ چرا که شوهر فاطمه هشام بن عروه می‌گوید: ابن اسحاق از زعم روایت کرده در حالیکه هیچگاه وی را ندیده است؟! که امامان عجلای و علی بن مدینی و احمد بن حنبل و ذهبی آن را رد کرده و از وی دفاع می‌کنند؛ و می‌گویند مگر صحابه‌ای که از عائشه رضی الله عنها روایت نموده‌اند ایشان را دیده‌اند؟ از طرفی شاید احادیثی که محمد بن اسحاق از فاطمه روایت کرده در زمان قبل از بلوغش بوده باشد! اما امام ذهبی بازهم به خاطر اینکه امام مالک وی را تضعیف نموده می‌گوید: تضعیف مالک در وی اثر دارد؛ و من تعجب می‌کنم چگونه تضعیفش را رد کرده اما بازهم می‌گوید جرح مالک بر وی تأثیر دارد؟ همچنین از امام یحیی بن معین به خاطر قدری بودن تضعیف گردیده اما امام یحیی بن معین می‌گوید «ولی در روایت حدیث ثقة و ثبت است» اما از نظر حفظ آنقدر قوی بوده که امام شعبه بن الحجاج که خودش امیرالمومنین فی الحدیث می‌باشد در مورد محمد بن اسحاق بن یسار گفته است: «محمد بن إسحاق أمير المؤمنين لحفظه» و امام علی بن مدینی هم که عالم علل حدیث می‌باشد در موردش گفته است: «نظرت في كتب محمد بن إسحاق فما وجدت عليه الا في حديثين ويمكن أن يكونا صحيحين» و در جایی دیگر هم گفته است: «حديثه

کلمه «الدُّور» جمع دار، اسم جامعی برای بناء و محله می باشد و منظور از آن محله ها می باشد و بدین خاطر به محله و منطقه ای دار گفته می شود چون افراد آن منطقه و محله در آن جمع می شوند. و همچنین می توان به خانه معنا شود بدین معنا که «مردم در خانه های شان اتاق یا مکان خاصی را همچون مسجد برای عبادت و مناجات با پروردگار قرار دهند». هر دو معنا قابل استنباط می باشد.^۱

ساختن مساجد در هر محله ای نوعی آسانی و راحتی برای مردم آن محله فراهم می آورد تا آنها زودتر و راحت تر به مسجد رفت و آمد کنند. با این وصف نباید ساختن مساجد در کنار هم مایه تفرقه و جدا شدن مردم از هم شود؛ چرا که از اهداف مسجد گردهم آوردن مردم در کنار هم برای عبادت و لبیک گفتن به ندای ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]. می باشد و هنگامیکه عمر بن خطاب رضی الله عنه قلمرو اسلامی را گسترش داد امر کرد که دو مسجد به قصد ضرر رساندن در کنار هم برپا نشوند و از جمله ضرر ایجاد مساجد بسیار نزدیک تفرقه بین مردم منطقه و محله می باشد.^۲ البته دقت شود ساختن مساجد در کنار هم هیچ ایراد شرعی ندارد مگر

صحیح» [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۹ ص ۴۲) / ذهبی، سیر اعلام النبلاء (ج ۷ ص ۳۴)] همچنین چون جهالت صحابی موجب جرح نمی باشد پس اسناد این متابعه «حسن» می باشد؛ البته طبق روایت باب مشخص می گردد ظاهراً عائشه رضی الله عنها بوده است. لذا اسناد روایت باب «صحیح» است.

و امام ابن القطان هم گفته است: «لا شك في صحته» [ابن القطان، بیان الوهم والإيهام فی کتاب الأحکام (ج ۵ ص ۱۳۸)].

۱- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، شماره ۵۱۳.

۲- همان.

اینکه وجود آنها در کنار هم منافع خاصی دربر نداشته باشد و سبب جدا شدن و تفرقه اهالی محلّه شود.

هچنین از حقوق مسجد تمیز نگه داشتن و مرتب بودن و خوشبو نگه داشتن آن می باشد تا در سایه آرامش و آراستگی مسجد، عابدانِ الله متعال به نحو احسن به عبادت و بندگی مشغول باشند.

البته نظافت مسجد منحصر در ظاهر آن نمی باشد بلکه باید از هرگونه عامل خارجی که نظم و زیبایی و آرامش مسجد را برهم می زند جلوگیری شود تا هدف پروردگار از تشریع مسجد و ساخت آن فراهم گردد. یکی از مواردی که پیامبر ﷺ در حفظ نظافت و پاکی مسجد بر آن تأکید داشته اند، نریختن آب دهان و به قیاس آن هر چیز کثیف و چندش آوری که موجب آزار و اشمزاز نمازگزاران و عابران مسجد می شود، می باشد. انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الْبُزَاقُ فِي الْمَسْجِدِ خَطِيئَةٌ وَكَفَّارَتُهَا دَفْنُهَا»^۱.

«پیغمبر خدا ﷺ فرمودند: بزاق ریختن در مسجد خطا و گناه می باشد و کفاره آن دفن و پاک کردن آن می باشد». در فرموده ای دیگر راه پاک کردن آب دهان و چگونگی ریختن آن در مسجد در حالت ضرورت را بیان می فرمایند: ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَأَى حُمَامَةً فِي قِبْلَةِ الْمَسْجِدِ، فَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: مَا بَالُ أَحَدِكُمْ يَقُومُ مُسْتَقْبِلَ رَبِّهِ فَيَتَنَحَّعُ أَمَامَهُ، أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَقْبَلَ فَيَتَنَحَّعَ فِي وَجْهِهِ؟ إِذَا تَنَحَّعَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَنَحَّعْ عَنْ يَسَارِهِ، تَحْتَ قَدَمِهِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَقُلْ هَكَذَا وَوَصَفَ

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۱۵) / مسلم (ج ۱ ص ۳۹۰) / ابوداود (ش ۴۷۴-۴۷۶) / ترمذی

(ش ۵۷۲) / نسایی (ش ۷۲۳) از طریق (شعبة بن الحجاج وسعيد بن ابی عروبه

وابوعوانه وهشام الدستوايی وابان بن یزید) روایت کرده اند: «حدثنا قتادة قال سمعت

أنس بن مالك قال قال النبي ﷺ: البزاق في المسجد خطيئة وكفارتها دفنها».

الْقَابِسُ فَتَقَلَّ فِي ثَوْبِهِ، ثُمَّ مَسَحَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ^۱. «روزی پیامبر آب دهانی را در جهت قبله دیدند ولذا رو به مردم کرده و فرمودند: چرا وقتی یکی از شما روبه روی پروردگار (در نماز) می ایستد، به طرف مقابلش آب دهانش را می ریزد؟ آیا دوست دارید که کسی به روی شما تف کند؟ پس اگر کسی مجبور شد، آب دهانش را سمت چپ وزیر پایش بریزد؛ و اگر نتوانست، آن را بین گوشه ی لبش ریخته و بهم بمالد».

حدیث بیست و ششم: اذکار مسجد

قدم نهادن به سوی مسجد عبادت است، به گونه ای که پیامبر اکرم ﷺ در مسیر رسیدن به مسجد با خداوند ﷻ به مناجات می پرداختند و در هنگام ورود و خروج از آن نیز اذکاری را بیان می کردند که جدای از اینکه اهمیّت عبادت در مسجد را نشان می دهند بلکه دعاهایی هستند که قبولی آن از طرف پروردگار ﷻ نهایت خیر و برکت و احسان و آرامش را برای مسلمان به بار می آورند. این اذکار عبارتند از:

دعای رفتن به مسجد ﷻ

پیامبر ﷺ فرموده اند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي قُوَّتِي نُورًا، وَفِي تَحَنُّنِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا، وَفِي أَمَامِي نُورًا، وَفِي خَلْفِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَأَعْظِمْ

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۱۶) / مسلم (ج ۱ ص ۳۸۹) / ابوداود (ش) / نسایی (ش ۳۰۹)

/ ابن ماجه (ش ۱۰۲۲) از طریق (ابورافع وهمام بن منبه وعبد الرحمن بن أبي

حدرد) روایت کرده اند: «عن أبي هريرة أن رسول الله ﷺ رأى نخامة في قبلة المسجد...».

لِي نُورًا، وَعَظَّمْ لِي نُورًا، وَاجْعَلْ لِي نُورًا، وَاجْعَلْ لِي نُورًا، اللَّهُمَّ أَعْطِنِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي عَصِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي نُورًا، وَفِي دَمِي نُورًا، وَفِي شَعْرِي نُورًا وَفِي بَشْرِي نُورًا^۱. «الهی! در قلب، زبان، گوش و چشم من نور قرار ده، و بالا، و پایین، راست، چپ، مقابل، پشت و درون مرا منور گردان، و نور را برای من بیفزای، و بزرگ گردان، و مرا نوری عطا فرما، و در عصب، گوشت، خون، مو و پوست من نوری قرار ده».

دعای داخل شدن به مسجد

عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت کرده است: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۲. «به خداوند بزرگ و

۱- (صحیح): بخاری (ش ۶۳۱۶) / مسلم (ش ۱۸۲۴ و ۱۸۳۰-۱۷۳۴) / ابوداود (ش ۱۳۵۵) / ترمذی (ش ۳۴۱۹) / نسایی (ش ۱۱۲۱) از طریق (علی بن عبدالله بن عباس و کرب بن مولی عبدالله بن عباس) روایت کرده اند: «عن سلمة بن كهيل عن كريب عن ابن عباس قال: بت عند ميمونة فقام النبي ﷺ فأتى حاجته فغسل وجهه ويديه ثم نام ثم قام فأتى القرية فأطلق شناقها ثم توضأ وضوءاً بين وضوءين لم يكثر وقد أبلغ فصلی فقامت فتمطيت كراهية أن يرى أني كنت أتقيه فتوضأت فقام يصلي فقامت عن يساره فأخذ بأذني فأدارني عن يمينه فتتامت صلاته ثلاث عشرة ركعة ثم اضطجع فنام حتى نفخ وكان إذا نام نفخ فأذنه بلال بالصلاة فصلی ولم يتوضأ وكان يقول في دعائه: اللهم اجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وفي سمعي نورا وعن يميني نورا وعن يساري نورا وفوقي نورا وتحتي نورا وأمامي نورا وخلفي نورا واجعل لي نورا قال كريب وسبع في التابوت فلقيت رجلا من ولد العباس فحدثني بهن فذكر عصبي ولحمي ودمي وشعري وبشري وذكر خصلتين».

۲- (صحیح): ابوداود (ش ۴۶۶) / بیهقی، الدعوات الكبير (ش ۶۸) از طریق (إسماعيل بن بشر بن منصور) روایت کرده اند: «حدثنا عبد الرحمن بن مهدي عن عبدالله بن المبارك عن حيوة بن شريح قال لقيت عقبة بن مسلم فقلت له بلغني أنك حدثت عن عبدالله بن عمرو بن

روی گرامی (که لایق جلالش است) و از بدی شیطان رانده شده به قدرت قدیم و ازلی او پناه می برم».

فاطمه علیها السلام روایت کرده است: «بِسْمِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ^۱». «به نام

العاص عن النبي ﷺ أنه كان إذا دخل المسجد قال: أعوذ بالله العظيم وبوجهه الكريم وسلطانه القديم من الشيطان الرجيم. قال أقط قلت نعم. قال فإذا قال ذلك قال الشيطان حفظ مني سائر اليوم». ورجالش «رجال صحيح» بوده جز (إسماعيل بن بشر و عقبه بن مسلم) که «ثقة» و مترجم در تهذیب می باشند.

و امام نووی هم گفته است: «حدیث حسن و اسناده جید».

و امام ابن حجر هم گفته است: «حسن غریب رجاله موثقون» [نووی، الاذکار (ص ۳۱) ابن حجر، نتائج الافکار (ج ۱ ص ۲۷۷)]

۱- (صحيح لغيره): دارقطنی، العلل الواردة فی الاحادیث النبویه (ج ۱ ص ۱۸۴-۱۹۱) / ابن ماجه (ش ۷۷۱) / ترمذی (ش ۳۱۴) / ابویعلی، المسند (ش ۶۷۵۴) / احمد، المسند (ش ۲۶۴۱۷) / ابن ابی شیبہ، المصنف (ج ۱ ص ۳۷۳ و ج ۷ ص ۱۲۳) / اسماعیل القاضي، فضل الصلاة على النبي (ش ۸۲ و ۸۴ و ۸۳) / دولابی، الذرية الطاهرة (ش ۱۸۸) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۷ ص ۱۱) / اسحاق بن راهویه، المسند (ش ۱۸۸۴) از طریق (سعیر بن الخمس و قیس بن الربیع و عاصم الأحول و لیث بن أبی سلیم و الدرروردی و محمد بن أبان و روح بن القاسم و عیسی الأزرق) روایت کرده اند: «عن عبدالله بن الحسن عن فاطمة بنت الحسين عن فاطمة الكبرى بنت الرسول: أن رسول الله ﷺ كان إذا دخل المسجد قال...». اما این روایت «ضعیف» بوده چرا که فاطمة بنت الحسين، فاطمه بنت النبي ﷺ را درک نکرده است و امام ترمذی گفته است: «لیس إسناده بمتصل و فاطمة بنت الحسين لم تدرك فاطمة الكبرى إنما عاشت فاطمة بعد النبي صلى الله عليه و سلم أشهر». [ترمذی (ش ۳۱۵)].

اما شواهدی دارد از جمله اینکه آغاز هرکاری با نام الله مستحب می باشد؛ و همچنین ابن حبان (ش ۲۰۴۸) / ابوداود (ش ۴۶۵) / ابن ماجه (ش ۷۷۲) / بیهقی، السنن

الله، و درود و سلام بر رسول الله».

ابوالأسید الأنصاری رضی الله عنه روایت کرده است: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»^۱.
«الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا».

دعای خارج شدن از مسجد

ابوالأسید الأنصاری رضی الله عنه روایت کرده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ»^۲.
«الهی! از تو فضلت را مسألت می‌نمایم».

الکبری (ش ۴۴۹۱ و ۴۴۸۹) / دارمی، السنن (ش ۱۳۹۴) / ابن السنی (ش ۱۵۶) از طریق (عبدالعزیز الدراوردی و عمارة بن غزیه) روایت کرده‌اند: «عن ربیعة بن أبی عبد الرحمن عن عبد الملك بن سعيد بن سويد قال سمعت أبا حميد أو أبا أسيد الأنصاري يقول قال رسول الله ج إذا دخل أحدكم المسجد فليسلم على النبي ج ثم ليقل اللهم افتح لي أبواب رحمتك فإذا خرج فليقل اللهم إني أسألك من فضلك». و رجال ابن حبان (أخبرنا الفضل بن الحباب حدثنا مسدد بن مسرهد عن بشر بن المفضل قال حدثنا عمارة بن غزیه ...). «رجال صحيح» بوده جز ابوخلیفه فضل بن الحباب که امام ذهبی گفته است: «كان ثقةً صادقاً مأموناً أديباً فصيحاً مفوهاً رحل إليه من الآفاق» [ذهبی، سیراعلام النبلاء (ج ۱۴ ص ۸)] لذا اسنادش «صحيح» است.

۱- (صحيح): مسلم (ش ۱۶۸۵ و ۱۶۸۶) / ابوداود (ش ۴۶۵) / نسایی (ش ۷۲۹) از طریق (عمارة بن غزیه و سليمان بن بلال و عبدالعزیز الدراوردی) روایت کرده‌اند: «عن ربیعة بن أبی عبد الرحمن عن عبد الملك بن سعيد عن أبی حميد - أو عن أبی أسيد - قال قال رسول الله ﷺ: إذا دخل أحدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي أبواب رحمتك وإذا خرج فليقل اللهم إني أسألك من فضلك».

۲- (صحيح): مسلم (ش ۱۶۸۵ و ۱۶۸۶) / ابوداود (ش ۴۶۵) / نسایی (ش ۷۲۹) از طریق (عمارة بن غزیه و سليمان بن بلال و عبدالعزیز الدراوردی) روایت کرده‌اند: «عن ربیعة بن أبی عبد الرحمن عن عبد الملك بن سعيد عن أبی حميد - أو عن أبی أسيد - قال قال رسول

طیبی گفته: شاید راز تخصیص رحمت در هنگام ورود و فضیلت به هنگام خروج در این باشد که کسی که داخل مسجد می‌شود به اعمالی مشغول می‌شود که وی را به ثواب و بهشت می‌رساند و این با رحمت تناسب دارد و هرگاه خارج می‌شود به دنبال کسب رزق حلال می‌رود و این با فضل تناسب دارد، همانگونه که خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ۱۰]. «آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید...»^۱.

حدیث بیست و هفتم: با آرامش به مسجد رفتن

ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا تَأْتُوهَا تَسْعَوْنَ، ائْتُوهَا تَمْشُونَ عَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتِمُّوا»^۲. «هرگاه نماز اقامه گردید با عجله و شتابان به‌سوی آن نروید، با حالتی آرام و با تأتی به سمت آن پیاده حرکت کنید، به هر (مقداری از نماز رسیدید) آن را بخوانید و هر مقدار را (از نماز از دست دادید، بعد از سلام امام برخیزید و آن را) تمام کنید».

الله ﷻ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَإِذَا خَرَجَ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ».

- ۱- محمد أشرف بن أمیر بن علی بن حیدر العظیم آبادی، عون المعبود، شماره ۳۸۴.
- ۲- (صحیح): بخاری (ش ۹۰۸) / مسلم (ش ۱۳۸۹-۱۳۹۱) / ابوداود (ش ۵۷۲) / ترمذی (ش ۳۲۷) / نسایی (ش ۸۶۱) / ابن ماجه (ش ۷۷۵) از طریق (سعید بن مسیب و ابوسلمه بن عبدالرحمن و عبدالرحمن بن یعقوب و همام بن منبه) روایت کرده‌اند: «أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: ...».

از جمله اعمالی که رعایت آن در هنگام رفتن به نماز جماعت در مسجد مهم و مطلوب شریعت می باشد، عدم عجله و شتاب در رفتن به نماز جماعت می باشد، خصوصاً اگر شخص با ماشین یا مرکبی به مسجد می رود. در این حالتها باید شخص از دویدن و شتاب کردن در خارج و داخل مسجد خودداری کند و نباید به خود و دیگران استرس و تشویش وارد کند و با نهایت تأنی و آرامش به سوی نماز برود و به هر مقدار از آن رسید، آن را بخواند و بقیه را بعد از اتمام جماعت انجام دهد.

همچنین هر ندایی مبنی بر اعلام حضور در مسجد و خطاب کردن امام تا آهسته نماز بخواند هیچ تأییدیه ای در شریعت ندارد، بلکه آنچه مطلوب شریعت می باشد حفظ تأنی و سکوت در هنگام ورود به مسجد و حفظ آرامش خود و نمازگزاران می باشد.

حدیث بیست و هشتم: خواندن دو رکعت نماز هنگام دخول

به مسجد

ابوقتاده رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ، فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ»^۱ «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه یکی از شما داخل مسجد شد، تا دو رکعت نماز نخواند ننشیند».

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۴۴ و ۱۱۶۳) / مسلم (ش ۱۶۸۷) / ابوداود (ش ۴۶۷) / ترمذی (ش ۳۱۶) / نسایی (ش ۷۳۰) / ابن ماجه (ش ۱۰۱۳) از طریق (مالک بن انس و عبدالله بن سعید) روایت کرده اند: «عن عامر بن عبد الله بن الزبير عن عمرو بن سليم الزرقی عن أبي قتادة السلمي أن رسول الله ﷺ قال إذا دخل أحدكم المسجد فليركع ركعتين قبل أن يجلس».

آنچه در زمینه تحیه المسجد در خور توجه می باشد این است که:

- جمهور علما و اندیشمندان اسلامی بر مستحب بودن تحیه المسجد در هر زمان و هنگام ورود به مسجد اتفاق داشته و صیغه امر در حدیث را بر ندب حمل کرده اند؛ چراکه فقط نمازهای پنجگانه، نماز فرض می باشند. طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ جَ إِذَا هُوَ ... قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خُمْسُ صَلَوَاتٍ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ»^۱. «مردی از اهل نجد نزد رسول الله ﷺ آمده و از ایشان ﷺ درباره نماز پرسید ... و رسول الله ﷺ به وی جواب دادند: پنج نماز در هر شب و روز بر تو فرض است».

- حدیث اشاره به آن دارد که قبل از نشستن، تحیه المسجد بجا آورده شود، اگرچه این عمل اولی می باشد ولی نشستن مندوب بودن آن را زایل نمی کند؛ چرا که جابر رضی الله عنه روایت کرده است: «جَاءَ سُلَيْكُ الْعُظْفَانِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ فَجَلَسَ فَقَالَ لَهُ: يَا سُلَيْكُ قُمْ فَارْكَعْ رُكْعَتَيْنِ وَتَجَوَّزْ فِيهِمَا...»^۲. «روز جمعه سلیک غطفانی آمد و

۱- (صحیح): مسلم (ش ۲۰۶۰ و ۲۰۶۱) / ابوداود (ش ۱۱۱۹) / ابن ماجه (ش ۱۱۱۲) از

طریق (طلحه بن نافع و ابوالزبیر و عمرو بن دینار) روایت کرده اند: «عن جابر أنه قال».

۲- (صحیح): بخاری (ش ۴۶ و ۱۸۹۱ و ۲۶۷۸ و ۶۹۵۶) / مسلم (ش ۱۰۹ و ۱۱۰) / ابوداود

(ش ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۲۵۴) / نسایی (ش ۴۵۸ و ۲۰۹۰ و ۵۰۲۸) از طریق (مالک بن انس و

اسماعیل بن جعفر) روایت کرده اند: «حدثني أبو سهيل عن أبيه أنه سمع طلحة بن عبيدالله

يقول :جاء رجل إلى رسول الله ﷺ من أهل نجد نائراً الرأس يسمع دوي صوته ولا يفهم ما

يقول حتى دنا فإذا هو يسأل عن الإسلام قال له رسول الله ﷺ خمس صلوات في اليوم والليلة

قال هل علي غيرهن قال لا إلا أن تطوع قال رسول الله ﷺ وصيام شهر رمضان قال هل علي

نشست در حالیکه رسول الله ﷺ خطبه می خواندند. پیامبر ﷺ به وی فرمود: ای سلیک! برخیز و دو رکعت نماز کوتاه و مختصر بخوان، سپس فرمود: هرگاه یکی از شما در روز جمعه آمد در حالیکه امام خطبه می خواند دو رکعت نماز بخواند و آن را کوتاه و مختصر بخواند....».

- اگر ورود و خروج به مسجد با فاصله های کم تکرار شوند، بسیاری از فقها بر این باورند که تکرار نماز مندوب نمی باشد ولی اگر فاصله بین آنها قرار گیرد، تکرار خواندنش مستحب می باشد.
- خواندن تحیه المسجد باید در داخل محدوده مسجد انجام گیرد نه حواشی و حیاط و ایوان مسجد.
- با وجود اختلاف نظر فقها در زمینه خواندن نماز تحیه المسجد توسط خطیب نماز جمعه در هنگام ورودش به مسجد، قبل از بالا رفتن از منبر به نظر می رسد بر اساس نبود دلیلی صحیح و صریح از مستحب بودن این امر و نخواندن نماز تحیه المسجد توسط پیامبر ﷺ در موقع ورودش به مسجد در موقع نماز جمعه و مستقیم به بالای منبر رفتن ایشان ﷺ محرز است که چنین عملی برای خطیب مستحب نمی باشد. ابن عمر رضی الله عنهما روایت می کند: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَعَدَ عَلَى الْمِنْبَرِ أَدْنَى بِلَالٍ^۱». «پیامبر ﷺ هرگاه در

غیره قال لا إلا أن تطوع و ذکر له رسول الله ﷺ الزکاة فقال هل علی غیرها قال لا إلا أن تطوع فأدبر الرجل وهو يقول لا أزيد علی هذا ولا أنقص منه فقال رسول الله ﷺ أفلح إن صدق ..».

۱- (صحیح): بخاری (ش ۹۱۲ و ۹۱۶) / ابوداود (ش ۱۰۸۹) / ترمذی (ش ۵۱۶) / نسایی (ش ۱۳۹۲) از طریق (ابن ابی ذئب و یونس بن یزید) روایت کرده اند: «عن الزهري عن

روز جمعه خارج می‌شدند، بر منبر می‌نشستند و بلال اذان می‌گفتند».

- خواندن نماز تحیه المسجد برای نمازگزاران در هنگام خطبه نماز جمعه صحیح بوده و احادیث متعددی مؤید این حکم می‌باشند، از جمله:

جابر رضی الله عنه روایت کرده است: «جَاءَ سُلَيْكُ الْعُظْفَانِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ فَجَلَسَ فَقَالَ لَهُ: يَا سُلَيْكُ! قُمْ فَارْكَعْ رَكَعَتَيْنِ وَتَجَوَّزْ فِيهِمَا - ثُمَّ قَالَ - إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَتَجَوَّزْ فِيهِمَا»^۱. «روز جمعه سلیک غطفانی آمد و نشست در حالیکه رسول الله ﷺ خطبه می‌خواندند. پیامبر ﷺ به وی فرمود: ای سلیک! برخیز و دو رکعت نماز کوتاه و مختصر بخوان. سپس فرمود: هرگاه یکی از شما در روز جمعه آمد در حالیکه امام خطبه می‌خواند دو رکعت نماز بخواند و آن را کوتاه و مختصر بخواند».

و نیز جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمْ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ أَوْ قَدْ خَرَجَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَتَجَوَّزْ فِيهِمَا»^۲.

السائب بن يزيد قال كان النداء يوم الجمعة أوّله إذا جلس الإمام على المنبر على عهد النبي ﷺ وأبي بكر وعمر رضي الله عنهم فلما كان عثمان رضي الله عنه وكثر الناس زاد النداء الثالث على الزوراء».

۱- (صحیح): مسلم (ش ۲۰۶۰ و ۲۰۶۱) / ابوداود (ش ۱۱۱۹) / ابن ماجه (ش ۱۱۱۲) از طریق (طلحه بن نافع وابوالزبیر وعمرو بن دینار) روایت کرده‌اند: «عن جابر أنه قال ...».

۲- (صحیح): بخاری (ش ۱۱۶۶) / مسلم (ش ۲۰۶۱) / ابوداود (ش ۱۱۱۹) از طریق (عمرو بن دینار وابوسفیان) روایت کرده‌اند: «عن جابر بن عبدالله رضي الله عنه قال قال رسول

«رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه یکی از شما روز جمعه به مسجد آمد و امام مشغول خواندن خطبه بود، دو رکعت کوتاه و مختصر بخواند».

حدیث بیست و نهم: عدم جواز بار سفر بستن جز برای سه مسجد

ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى^۱». «از پیغمبر ﷺ روایت شده که فرمودند: جز برای سه مسجد بار سفر نبندید، (و آنها عبارتند از): مسجد الحرام، مسجد الرسول ﷺ و مسجد الاقصی».

این حدیث جدای از بیان فضیلت این مساجد سه گانه ابراز می دارد که بار سفر به مساجد و یا اماکن جایز نیست جز به این سه مسجد و در صورتیکه شخصی برای قصدی مشروع همچون زیارت شخصی یا خانواده ای یا طلب علم به جایی برود به معنای قصد سفر به آن مکان نیست بلکه قصد سفر برای دیدن کسانی هستند که در آن مکان قرار دارند. و این روایت می رساند که این مساجد دارای فضیلت عبادت و زیارت هستند و هرکس خواهان ثواب می باشد به سوی آنها برود و در آنجا به عبادت و اعتکاف و مناجات با خالق خود ﷻ مشغول شود^۲.

۱- (صحیح): بخاری (ش ۱۱۸۹)/مسلم (ش ۳۴۵۰)/ابوداود (ش ۲۰۳۵)/نسائی (ش ۷۰۰)/

ابن ماجه (ش ۱۴۰۹) از طریق (سفیان بن عیینه و معمر بن راشد) روایت کرده اند: «عن

الزهري عن سعيد بن المسيب عن أبي هريرة رضی الله عنه عن النبي ﷺ قال: ...».

۲- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، شماره ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴.

حدیث سی ام: کراهیت خرید و فروش، شعر گفتن و ندا کردن برای گمشده در مسجد

عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى عَنِ الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ فِي الْمَسْجِدِ، وَأَنْ تُنْشَدَ فِيهِ صَالَةً، وَأَنْ يُنْشَدَ فِيهِ شِعْرٌ، وَنَهَى عَنِ التَّحْلُقِ قَبْلَ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ»^۱. «پیامبر صلی الله علیه و آله نهر کردند که در مسجد خرید

۱- (صحیح): احمد، المسند (ش ۶۶۷۶) / ابوداود (ش ۱۰۸۱) / نسایی (ش ۷۱۴) / خطیب بغدادی، الجامع لاخلق الراوی (ج ۲ ص ۶۳) / طبرانی، المعجم الاوسط (ج ۶ ص ۳۵۸) / ابن خزیمه (ش ۱۸۱۶ و ۱۳۰۴) / ابن منذر، الاوسط (ش ۲۴۶۲) / طوسی، المستخرج علی مسلم (ش ۲۹۷) / فاکهی، اخبار مکه (ش ۱۲۱۱) / ابن شبة، تاریخ المدینه (ج ۱ ص ۲۰) از طریق (یحیی بن سعید القطان و صفوان بن عیسی) روایت کرده اند: «عن (محمد بن عجلان حدثنا عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده قال نهى رسول الله ﷺ عن الشراء والبيع في المسجد وأن تنشد فيه ضالة وأن ينشد فيه شعر ونهى عن التحلق قبل الصلاة يوم الجمعة)».

و یحیی بن سعید القطان هم متابعه شده و ترمذی (ش ۳۲۲) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۶۱۱۶) / ابن ماجه (ش ۱۱۳۳) / ابن خزیمه (ش ۱۳۰۶) / ابن ابی شیبہ (ج ۲ ص ۴۵) / خطیب بغدادی، الجامع لاخلق الراوی (ج ۲ ص ۶۲) / فکهی، اخبار مکه (ج ۳ ص ۳۵۶) از طریق (لیث بن سعد و حاتم بن اسماعیل و ابو خالد الاحمر و عبدالله بن لهیعه و یحیی بن ایوب و صفوان بن عیسی) روایت کرده اند: «عن محمد بن عجلان حدثنا عمرو بن شعيب...».

و رجال احمد «ثقة» و مترجم در تهذیب می باشند؛ فقط چنانکه گفتیم بعضی از علما در سماع شعيب از جدش اختلاف دارند لذا این اسناد را در درجه «حسن» قرار می دهند و امام حاکم نیشابوری گفته است: «لا أعلم خلافاً في عدالة عمرو بن شعيب؛ إنما اختلفوا في سماع أبيه من جده» و امام ترمذی هم گفته است: «من تكلم في حديث

و فروش شود و یا اینکه شخص گم کرده برای یافتن گم‌شده‌اش در آن ندا سر دهد و یا اینکه در مسجد شعر گفته شود و یا اینکه قبل از نماز جمعه در مسجد گردهمایی ایجاد شود».

عمرو بن شعيب إنما ضعفه لأنه يحدث عن صحيفة جده كأنهم رأوا أنه لم يسمع هذه الأحاديث من جده» لكن امامان ابن حجر و ابن الملقن در تهذيب التهذيب و البدر المينر رواياتی را دال بر صحت سماع پدرش از جدش می‌آورند که با اثباتش این اسناد «صحيح» می‌گردد؛ و امامان بخاری و علی بن مدینی و احمد بن حنبل و اسحاق بن راهويه و دارقطنی و ابن حجر و بیهقی و ابوعبید السلام و یعقوب بن شيبه و حاکم نیشابوری و ابوبکر نیشابوری و محیی الدین نووی هم «سماعش» را تأیید نموده‌اند. و امام اسحاق بن راهويه گفته است: «عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده» إذا كان الراوي عن عمرو بن شعيب ثقةً فهو كأبوب عن نافع عن ابن عمر». و امام یعقوب بن شيبه هم گفته است: «ما رأيت أحدا من أصحابنا ممن ينظر في الحديث ويتتقى الرجال يقول في عمرو بن شعيب شيئا، وحديثه صحيحٌ وهو ثقةٌ ثبتٌ والأحاديث التي أنكروا من حديثه إنما هي لقوم ضعفاء رووها عنه وما روى عنه الثقات فصحيحٌ» و امام بخاری هم گفته است: «رأيت أحمد بن حنبل وعلي بن المديني وإسحاق بن راهويه يحتجون بحديث عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده. قال البخاري: من الناس بعدهم؟» و امام يحيى بن معين سماعش را قبول ندارد و می‌گوید که از روی کتاب و صحیفه ی جدش بوده است لیکن می‌گوید: «احاديثه صحاحٌ» و در واقع امام يحيى بن معين آن را به صورت وجادهی صحيح می‌پذیرد که یکی از طرق تحمل حدیث می‌باشد پس در هر صورت نزد امام يحيى بن معين رواياتش صحيح و مقبول است [رک: ترمذی، السنن (ش ۳۲۲)/ بخاری، التاريخ الكبير (ج ۴ ص ۲۱۸)/ ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۸ ص ۴۸)/ تقريب التهذيب (ش ۲۸۰۶)/ بیهقی، السنن الكبرى (ج ۵ ص ۱۶۷ ش ۱۰۰۶۵)/ حاکم، المستدرک (ش ۲۲۹۸ و ۲۳۷۵)/ ابن الملقن، البدر المنير (ج ۲ ص ۱۵۴)/ نووی، تهذيب الأسماء واللغات (ص ۳۴۶ و ۵۳۴)] لذا اسناد رواياتش «صحيح» است.

این فرموده بر محوریت حفظ نظم و آرامش معنوی و ظاهری مسجد استوار است، که به چندین مورد اشاره دارد که هر کدام با اهدافی خاص نهی شده‌اند و فقها این نهی را بر کراهت حمل نموده‌اند؛ این موارد عبارتند از:

- کراهیت معامله در مسجد: این عمل موجب آشفته‌گی و خارج شدن مقصد بنای مسجد می‌شود. البته اگرچه از بیع در مسجد نهی شده است ولی در صورت وقوع، آثار شرعی و حقوقی بر آن بیع و معامله حاکم خواهد بود؛ زیرا انجام بیع در مسجد از مبطلات بیع محسوب نمی‌شود و همچنین وجود قرینه در روایت همچون جواز گفتن شعر مشروع در مسجد -در بند پایین علت جوازش خواهد آمد-، بر کراهیت بیع در مسجد دلالت می‌کند.

- از مواردی که نظم مسجد را بهم می‌زند و با مقصد بنیانگذاری مسجد منافات دارد این است که شخص گم‌کرده برای یافتن گمشده‌اش در مسجد ندا سر دهد. این عمل به گونه‌ای نکوهیده است که پیغمبر ﷺ در فرموده‌ای دیگر می‌فرماید: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لَهُذَا»^۱. «هرکس از مردی شنید که برای گمشده‌اش در مسجد ندا می‌کند، (کسی که می‌شنود) بگوید: خداوند آن را به برنگرداند؛ براستی مساجد برا این عمل بنا نشده‌اند».

۱- (صحیح): مسلم (ش ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹) / ابوداود (ش ۴۷۳) / ابن ماجه (ش ۷۶۷) از طریق (عبدالله بن وهب والمقرئ) روایت کرده‌اند: «عن حيوة عن محمد بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله مولى شداد بن الهاد أنه سمع أبا هريرة يقول قال رسول الله ﷺ من سمع رجلا يمشي ضالة في المسجد فليقل لا ردها الله عليك فإن المساجد لم تبني لهذا».

سرودن شعر و اناشید در مسجد دارای روایاتی می‌باشند که جواز آن را می‌رساند از جمله اینکه ابوهریره س روایت کرده است: «أَنَّ عُمَرَ رضی الله عنه مَرَّ بِحَسَّانَ رضی الله عنه وَهُوَ يُنْشِدُ الشَّعْرَ فِي الْمَسْجِدِ، فَلَحَظَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: قَدْ كُنْتُ أُنْشِدُ، وَفِيهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْكَ»^۱. «عمر بن الخطاب رضی الله عنه از کنار حسان بن ثابت رضی الله عنه در مسجد گذشت و وی مشغول شعر گفتن بود؛ عمر رضی الله عنه هم با زیرچشمی به وی نگاه کرد! و حسان رضی الله عنه هم گفت: من در مسجد شعر گفتم و بهتر از تو هم در آن بود و چیزی به من نگفت! (یعنی؛ رسول الله صلی الله علیه و آله).

و از طرف دیگر روایاتی از جمله این روایت وجود دارند که نهی از این عمل می‌کنند. جهت اجتماع و دفع تعارض این دو دسته روایت، دو دیدگاه وجود دارد؛ که علامه عراقی رحمته الله ابراز داشته است: اَوَّلُ: نهی بر کراهت تنزیهی و رخصت بر بیان جواز دلالت دارند. دَوِّم: احادیث رخصت بر سرودن شعر نکو و جایز مانند هجو مشرکین و مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و ترغیب و تشویق به زهد و مکارم اخلاق و احادیث نهی بر شعر به مضامین تفاخر و هجو و دروغ و وصف مشروب و غیره حمل می‌شود. پس با این وصف سرودن اشعار و تواشیح و ... که دربردارنده مضامینی با تأییدیه شریعت باشند اشکالی ندارند البته به شرط آنکه خللی به عبادت و انجام فرایض در مسجد وارد نکند.^۲

۱- (صحیح): بخاری (ش ۳۲۱۲) / مسلم (ج ۴ ص ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳) / ابوداود (ش ۵۰۱۳) - (۵۰۱۴) / نسایی (ش ۷۱۶) از طریق (سفیان بن عیینه و معمر بن راشد) روایت کرده‌اند: «عن الزهري عن سعيد عن أبي هريرة أن عمر مر بحسان وهو ينشد الشعر في المسجد فلحظ إليه ...».

۲- محمد اشرف بن امير بن علی بن حیدر العظیم آبادی، عون المعبود، شماره ۸۸۷.

در زمینه اجتماع قبل از نماز جمعه خطابی رحمه الله اشاره دارد قبل از نماز اجتماع برای علم و مذاکره مکروه است. امر به مشغول شدن به نماز و سکوت برای خطبه و ذکر شده و هرگاه از این اعمال فارغ شد، اجتماع و گردهمایی بعد از آن ایراد ندارد. طحاوی رحمه الله هم گفته: نهی از گردهمایی در مسجد قبل نماز هرگاه مسجد ازدحام باشد مکروه می باشد در غیر این صورت ایرادی ندارد، و عراقی و سیوطی (رحمهما الله) هم گفته اند: یاران ما جمهور بر همین رأی هستند؛ چراکه اجتماع باعث قطع صفها می شود با وجود اینکه افراد امر شده اند که در روز جمعه تکبیر گفته و صفها را به ترتیب از صف اول مرتب و متصل کنند^۱. با همه این اوصاف به نظر می رسد که اجتماع قبل نماز جمعه باعث بی نظمی و آزار نمازگزاران می شود پس بهتر آن است که از این عمل خودداری شود تا نماز جمعه به اتمام می رسد.

حدیث سی و یکم: کراهت زیور آراستن مساجد

عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: ما أُمِرْتُ بِتَشْيِيدِ الْمَسَاجِدِ. قال ابنُ عباس: لَتُزَخَرِفُنَّهَا كَمَا زَخَرَفَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى»^۲.

۱- همان.

۲- (صحیح): عبدالرزاق، المصنف (ج ۳ ص ۱۵۲) / ابوداود (ش ۴۴۸) / ابن حبان (ش ۱۶۱۵) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۱۲ ص ۲۴۳) / ابونعیم، حلیة الاولیاء وطبقات الاصفیاء (ج ۷ ص ۳۱۳) / ابویعلی، المسند (ش ۲۶۸۸ و ۲۴۵۴) / ابوطاهر السلفی، المشیخة البغدادیة (ش ۲) / ابن حجر، تغلیق التعلیق (ج ۲ ص ۲۳۸) / ابن حزم، المحلی (ج ۴ ص ۲۴۸ و ۴۴) / بغوی، شرح السنة (ج ۲ ص ۳۴۸) / جرجانی، الاملی (ش ۱۰۴) از طریق (سفیان الثوری و صباح بن یحیی و لیث بن ابی سلیم) روایت کرده اند: «عن أبي

«رسول الله ﷺ فرمودند: من به ساختن بنای بلند و عظیم برای مساجد امر نشده‌ام. ابن عباس گفت: تا اینکه شما همانند یهود و نصاری به تزیین آن پردازید».

این حدیث اشاره به این دارد که تزیین مساجد نباید همانند معابد یهودیان و کلیسای مسیحیان مزین به عکس و تصاویر و اشیای بی‌استفاده گردد و به گونه‌ای مساجد منقش و تذهیب و تزیین گردند که توجه عابدان را به خود جلب کند و به عبادت عابدان خدشه وارد کند.

البته بی‌شک ساختن مساجد بزرگ و عظیم برای برپایی نماز و استفاده از مصالح ساختمانی با کیفیت بالا و تزیین نمای خارجی و طراحی داخلی آن و بهره بردن از طراحی مدرن برای استفاده بیشتر از مکان‌های مختلف مسجد و آراستن و تزیین آن، نه تنها جایز است بلکه اسبابی است که مشمول ثواب و اجر آباد کردن مسجد می‌باشد. و بسیار محرز است که آراستگی و تزیین مسجد در عین سادگی و مناسب بودن آن برای عبادت تأثیر زیاد در آرامش روانی و حس زیباشناختی انسان دارد، بدین خاطر آنچه مورد نهی شریعت است آراستن مسجد با عکس و اشیای بی‌استفاده و نامشروع و اسراف در تزیین و منقش کردن آن می‌باشد که در معابد یهودیان و مسیحیان به کثرت مشاهده می‌شود.

فزاره راشد بن کیسان عن یزید بن الأصم عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: ما أمرت بتشید المساجد. قال ابن عباس: لتخرقنها کما زخرقت اليهود والنصارى. ورجال عبدالرزاق «رجال صحیح» بوده و اسنادش هم صحیح می‌باشد.

و امام ابن حجر گفته است: «صححه ابن حبان» [ابن حجر، بلوغ المرام (ج ۱ ص ۵۱)]

حدیث سی و دوم: عدم جلوگیری از رفتن زنان به مسجد

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است: «كَانَتْ امْرَأَةٌ لِعُمَرَ تَشْهَدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْعِشَاءِ فِي الْجَمَاعَةِ فِي الْمَسْجِدِ، فَقِيلَ لَهَا: لِمَ تَخْرُجِينَ وَقَدْ تَعْلَمِينَ أَنَّ عُمَرَ يَكْرَهُ ذَلِكَ وَيَعَارُ؟ قَالَتْ: وَمَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْهَانِي؟ قَالَ: يَمْنَعُهُ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ»^۱. «یکی از زنان عمر رضی الله عنهما نماز صبح و عشاء را به جماعت در مسجد برگزار می کرد و به وی گفته شد: مگر نمی دانی عمر از این کار تو خوشش نمی آید و غیرت دارد؟ آن زن گفت: اگر عمر از کارم خوشش نمی آید پس چرا جلوم را نمی گیرد؟ و به وی گفتند: چون پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده که زنان را از رفتن به مسجد منع نکنید».

ممانعت زنان بر رفتن به مسجد برای ادای نمازهای فرض و نماز جمعه و نیز حج، کراهت دارد؛ البته در صورتیکه زن ضوابط و شروطی را رعایت کرده باشد، این شروط بنا بر احادیث دیگر عبارتند از:

- زن خود را خوشبو و معطر و مزین و آرایش نکرده باشد. ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ، وَلْيَخْرُجْنَ تَفْلَاتٍ»^۲

۱- (صحیح): بخاری (ش ۹۰۰) / مسلم (ش ۱۰۱۸) / ابوداود (ش ۵۶۶) از طریق (عبید الله بن عمر وایوب بن تمیمه) روایت کرده اند: «عن نافع عن ابن عمر قال كانت امرأة لعمر تشهد صلاة الصبح والعشاء في الجماعة في المسجد فقيل لها لم تخرجين وقد تعلمين أن عمر يكره ذلك ويغار قالت وما يمنعني أن ينهاني قال يمنعني قول رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنعوا إماء الله مساجد الله».

۲- (صحیح): احمد، المسند (ش ۹۶۴۵) / حمیدی، المسند (ش ۹۷۸) / ابوداود (ش ۵۶۵) / دارمی، السنن (ش ۱۲۷۹) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۵۵۸۳) و معرفة السنن والآثار (ش ۱۶۲۵) / ابن الجارود، المنتقى (ش ۳۳۲) / ابن حبان (ش ۲۲۱۴) /

ابن خزیمه (ش ۱۶۷۹) / ابویعلی، المسند (ش ۵۹۳۳ و ۵۹۱۵) / سراج، المسند (ش ۷۹۹) / شافعی، المسند (ش ۸۱۹) / ابن ابی شیبه، المصنف (ج ۲ ص ۲۷۶) / عبدالرزاق، المصنف (ج ۳ ص ۱۵۱) / ابن حزیم، المحلی (ج ۳ ص ۱۳۰) / ابن عبدالبر، التمهید (ج ۲۴ ص ۱۷۴) / مشیخة أبی الحسن السکری (ش ۷۶) / خطیب بغدادی، تاریخ بغداد (ج ۶ ص ۱۸) / طحاوی، احکام القرآن (ج ۱ ص ۴۶۸) / بغوی، شرح السنة (ج ۳ ص ۴۳۸) از طریق (یحیی بن سعید القطان و سفیان بن عیینه و یزید بن هارون و هشام الدستوائی و عیس بن یونس و عبدالله بن ادریس و یزید بن زریع و عبدالرحیم بن سلیمان و عبدالرحمن بن محمد و عبدة بن سلیمان و محمد بن عابد و زائدة بن قدامة و خالد بن عبدالله و انس بن عیاض و سعید بن عامر و سفیان بن عیینه) روایت کرده‌اند: «عن محمد بن عمرو عن أبی سلمة عن أبی هريرة أن رسول الله ﷺ قال: لا تمنعوا إماء الله مساجد الله ولكن ليخرجن وهن ثفلات».

و محمد بن عمرو بن علقمه هم متابعه شده و بخاری، التاريخ الكبير (ج ۴ ص ۷۹) / سراج، المسند (ش ۷۹۸) / طبرانی، المعجم الاوسط (ج ۱ ص ۱۷۸) / بزار (ش ۸۵۶۹) از طریق (سلمة بن صفوان و المغيرة بن قيس و صفوان بن سليم) روایت کرده‌اند: «عن أبی سلمة ...».

رجال احمد «رجال صحيحين» بوده فقط محمد بن عمرو بن علقمة بن وقاص الليثی: امامان علی بن المدینی و نسایی و یحیی بن معین می‌گویند: «ثقة» و امام مالک هم وی را «ثقة» می‌داند چرا که از وی روایت کرده است و بشر بن عمر گفت: «سألت مالكا عن رجل! فقال رأيته في كتبى؟ قلت لا: قال لو كان ثقة لرأيته في كتبى.» و امام ابوحاتم رازی می‌گوید: «صالح الحديث يكتب حديثه و هو شيخ». و امام ابن عدی می‌گوید: «له حديث صالح و قد حدث عنه جماعة من الثقات كل واحد منهم ينفرد عنه بنسخة و يغرب بعضهم على بعض و يروى عنه مالك غير حديث في الموطأ؛ وأرجو أنه لا بأس به.» و امام شعبه بن الحجاج هم از وی روایت می‌کرده و وی جز از «ثقات» روایت نمی‌کرده است و امام سمعانی هم می‌گوید: «من جلة العلماء و من قراء المدينة و متقنيهم» و امام یحیی بن سعید القطان می‌گوید: «صالح ليس بأحفظ الناس للحديث» و امام

«زنان و کنیزان خداوند را از رفتن به مسجد منع نکنید؛ (ولی آنان هم وقتی به مسجد می‌روند، بوی خوش به خود نزنند. و با همان بوی خود خارج شوند)».

- خلّالی نداشته باشد که نامحرم صدایش را بشنود.
- مختلط با مردان نامحرم نباشد.
- رفتنش وی را در معرض فتنه و آزار نامحرم قرار ندهد و امنیت راه برای وی مهیّا باشد.

عبدالله بن مبارک هم گفته است: «لیس به بأس» و امام ابن حبان هم وی را در «ثقات» آورده و گفته است: «کان یخطئ» و امام یحیی بن معین هم گفته است: «ما زال الناس یتقون حدیثه» اما امام یحیی بن معین علّتش را قبول نداشته لذا چنانکه گفتیم وی را «ثقة» دانسته است و امام ذهبی هم گفته است: «مشهورٌ حسنٌ الحدیث» و امام یعقوب بن شیبّه می‌گوید: «هو وسطٌ و إلى الضعف ما هو» و امام جوزجانی هم گفته است: «لیس بالقوی وهو ممن یشتهی حدیثه» [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۹ ص ۳۷۵ و ج ۱۰ ص ۷) و لسان المیزان (ج ۱ ص ۱۴) و تقریب التهذیب (ش ۶۱۸۸) / ذهبی، المغنی فی الضعفاء (ش ۵۸۷۶) / علی بن مدینی، سؤالات محمد بن عثمان بن أبی شیبّه (ش ۹۴) / یحیی بن معین، معرفة الرجال روایة أحمد بن محمد بن القاسم بن محرز (ج ۱ ص ۱۰۷) / سمعانی، الانساب (ج ۵ ص ۱۵۵)] لذا تا زمانی که خطایش محرز نگردیده احادیثش «صحیح» می‌باشد. و دیدیم که متابعه هم شده است.

و امام نووی هم گفته است: «اسنادہ صحیح علی شرط البخاری و مسلم». و امامان ابن الملقن و بغوی هم گفته‌اند: «حدیث صحیح» [نووی، المجموع (ج ۴ ص ۱۹۹) / بغوی، شرح السنة (ج ۳ ص ۴۳۸) / ابن الملقن، البدر المنیر (ج ۵ ص ۴۶)].

البته برخی از علما برای زن شوهردار این نهی را بر تحریم حمل کرده-
 اند؛^۱ که قول راجح بر کراهت آن می باشد؛ زیرا ذات نماز جماعت مستحب
 بوده چنانکه پیامبر ﷺ فرموده اند: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ
 وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^۲ «نماز جماعت بر نمازی که تنها خوانده شود، بیست و
 هفت درجه، برتری دارد».

واین روایت عام بوده و شامل مرد وزن هم می گردد و لذا نمی توان منع آن
 را حرام دانست.

با توجه به روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنه استنباط می شود که نماز خواندن
 زن در مسجد با احراز شرایط مربوطه مستحب بوده و محاسنی همچون
 آموزش واجبات و احکام شرعی دربردارد؛ چراکه پیامبر ﷺ مردان را از
 ممانعت آمدن آنها بر حذر داشته و این نشان مستحب بودن عبادت آنها در
 مسجد می باشد ولی نماز خواندن زن در خانه و اتاقش اولی می باشد و وی
 می تواند محلی مناسب را برای خود در خانه اش به عنوان مسجد قرار دهد و
 به عبادت و مناجاب با حضرت حق ﷻ مشغول شود؛ چراکه توصیه پیغمبر
 اکرم ﷺ بر این مسئله وجود دارد. دلیل این، فرموده پیامبر اکرم ﷺ می باشد
 که همسر ابوحمید الساعدی رضی الله عنه آن را روایت می کند که در ادامه بیان
 شده است.

۱- نووی، شرح مسلم، شماره ۵۶.

۲- (صحیح): بخاری (ش ۶۴۵ و ۶۴۹) / مسلم (ش ۱۵۰۹-۱۵۱۲) / ترمذی (ش ۲۱۵) /
 نسایی (ش ۸۳۷) / ابن ماجه (ش ۷۸۹) / ابن از طریق (مالک بن انس و عبیدالله بن
 عمر) روایت کرده است: «عن نافع عن ابن عمر أن رسول الله ﷺ قال: صلاة الجماعة أفضل من
 صلاة الفذ بسبع وعشرين درجة».

حدیث سی و سوّم: افضلیت نماز خواندن در خانه نسبت به مسجد برای زنان

همسر ابوحمید الساعدی رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّهَا جَاءَتْ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ مَعَكَ! قَالَ ﷺ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ تُحِبُّ الصَّلَاةَ مَعِيَ وَصَلَاتُكَ فِي بَيْتِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي حُجْرَتِكَ وَصَلَاتُكَ فِي حُجْرَتِكَ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكَ فِي دَارِكَ وَصَلَاتُكَ فِي دَارِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكَ وَصَلَاتُكَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِي قَالَ فَأَمَرْتُ فَبَنِي لَهَا مَسْجِدٌ فِي أَقْصَى شَيْءٍ مِنْ بَيْتِهَا وَأَظْلَمِهِ فَكَانَتْ تُصَلِّي فِيهِ حَتَّى لَقِيََتْ اللَّهَ ﷻ»^۱. «وی پیش پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ!

۱- (صحیح): احمد، المسند (ش ۲۷۰۹۰) / ابن حبان (ش ۲۲۱۷) / ابن خزیمه (ش ۱۶۸۹) / رویانی، المسند (ش ۱۱۱۵) / ابن عبدالبر، التمهید (ج ۳ ص ۳۹۸) / ابن ابی خیشمه، التاریخ الکبیر (ج ۲ ص ۸۰۲) از طریق (هارون بن معروف و أحمد بن عبد الرحمن و عیسی بن إبراهیم الغافقی) روایت کرده‌اند: «حدثنا عبدالله بن وهب قال حدثني داود بن قيس عن عبدالله بن سويد الأنصاري عن عمته أم حميد امرأة أبي حميد الساعدي أنها جاءت النبي ﷺ فقالت يا رسول الله...».

و عبدالله بن سويد هم متابعه شده وبيهقي، السنن الكبرى (ش ۵۵۷۷) / ابن ابی شيبه، المصنف (ج ۲ ص ۱۵۷) / ابن ابی عاصم، الأحاد والمثاني (ش ۳۳۷۹) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۲۵ ص ۱۴۸) / ابونعيم، معرفة الصحابة (ش ۷۹۱) از طریق (عبد المؤمن بن عبدالله الكناني وعبدالله بن لهيعة) روایت کرده‌اند: «عن عبد الحميد بن المنذر بن أبي حميد الساعدي عن أبيه عن جدته أم حميد...».

و رجال احمد «رجال صحيح» بوده و عبدالله بن سويد الأنصاري الحارثي [رك: مزى، تهذيب الكمال (ج ۱۵ ص ۷۳) / ابن عبدالبر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب

به حقیقت من نماز (خواندن) را با تو دوست دارم. ای‌شان ﷺ فرمودند: می‌دانم که تو نماز (خواندن) را با من دوست داری و (با این وصف) نماز تو در حال خانه‌ات بهتر از نمازت در اتاقت است و نمازت در اتاقت بهتر از نمازت در خانه‌ات است و نمازت در مسجد قومت است و نمازت در مسجد قومت بهتر از نمازت در مسجد من (مسجد النبی ﷺ) است. راوی گفت: پس زن امر کرد و برای وی مسجدی در آخرین قسمت خانه‌اش برای وی بنا شد به گونه‌ای که (فضای خانه‌اش را) تاریک کرد. و وی در آنجا نماز می‌خواند تا اینکه خداوند ﷻ را ملاقات کرد (و دار فانی را وداع گفت).»

این روایت صریح بوده که نماز خواندن زنان در خانه، حتی از مسجد النبی بیشتر فضیلت داشته و افضل است؛ چرا که شریعت همواره به دنبال حفظ حرمت و عورت زن بوده تا از فساد و بی بندوباری جامعه جلوگیری کند؛ و این وقتی امکان داشته که زنان محافظت شوند؛ اما چون در خانه ماندن برای زن واجب نبوده لذا شریعت ثوابش را افزون کرده تا زن بتواند با اختیار کامل و رضایت این امر را انجام دهد.

(ج ۱ ص ۲۸۳) / ابن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابة (ج ۴ ص ۱۲۴) [وعمه‌اش أم حمید الأنصاریة [رک: ابن عبدالبر، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب (ج ۲ ص ۱۲۷) / ابن حبان، الثقات (ج ۳ ص ۴۶۱)] هر دو صحابی هستند.

و امام هیشمی هم گفته است: «رجاله رجال الصحيح غیر عبدالله بن سوید الأنصاري و وثقه ابن حبان».

و امام ابن حجر گفته است: «اسناده حسن» [ابن حجر، فتح الباری (ج ۲ ص ۳۵۰) / هیشمی، مجمع الزوائد (ج ۲ ص ۳۴)].

حدیث سی و چهارم: حکم نماز نوافل در مسجد

زید بن ثابت رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اتَّخَذَ حُجْرَةً فِي رَمَضَانَ، فَصَلَّى فِيهَا لَيْلًا، فَصَلَّى بِصَلَاتِهِ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَلَمَّا عَلِمَ بِهِمْ جَعَلَ يَقْعُدُ، فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: قَدْ عَرَفْتُ الَّذِي رَأَيْتُمْ مِنْ صَنِيعِكُمْ، فَصَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةُ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ»^۱.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله اتاقی (را به عنوان مسجد) در ماه رمضان قرار دادند و در آن شبها نماز می خواند، و برخی از یارانش با نمازش نماز خواندند، هنگامیکه از این باخبر شدند دست نگه داشتند و به سوی آنها رفت و فرمود: از آنچه که از اعمالتان دیدم با خبرم. ای مردم! در خانه هایتان نماز بخوانید، به حقیقت برترین نماز جز نمازهای فرض، نماز انسان در خانه اش است».

این فرموده بیانگر این است انجام هر نمازی که در مسجد و خانه خواندنش جایز باشد بجز نمازهای فرض که خواندن آنها در مسجد به صورت جماعت بهتر است، خواندن دیگر نمازها در خانه بهتر و مشمول اجر بیشتر می باشد. البته نماز تحیه المسجد که خواندنش فقط در مسجد رواست مشمول این حکم نمی باشد.

۱- (صحیح): بخاری (ش ۷۳۱ و ۶۱۱۳ و ۷۲۹۰) / مسلم (ش ۱۸۶۱) / ابوداود (ش ۱۰۴۶ و ۱۴۴۹) / نسایی (ش ۱۵۹۹) از طریق (موسی بن عقبه و عبدالله بن سعید و ابراهیم بن ابی النضر) روایت کرده اند: «عن سالم أبي النضر عن بسر بن سعيد عن زيد بن ثابت أن رسول الله ﷺ اتخذ حجرة قال حسب أنه قال من حصر في رمضان فصل في ليالي فصل بصلاته ناس من أصحابه فلما علم بهم جعل يقعد فخرج إليهم فقال قد عرفت الذي رأيتم من صنيعكم فصلوا أيها الناس في بيوتكم فإن أفضل الصلاة صلاة المرء في بيته إلا المكتوبة».

نووی رحمته الله علیه گفته: ترغیب به خواندن نافله در خانه به دلیل مخفی تر و دورتر بودن آن از ریا می باشد و موجب تبرک خانه شده و رحمت در آن نازل می گردد و شیطان از آن دور می شود. و اینکه اشاره به «فِي بَيْتِهِ» «در خانه اش» شده به معنای آن است که خانه دیگران مشمول این فضیلت نمی باشد هر چند مصون از ریا باشد^۱.

همچنین خواندن نمازهای سنت و مندوب نوعی آموزش عملی به خانواده و فرزندان می باشد تا اینکه آنها، پدر و مادر را در عبادت و نیایش با پروردگار جل جلاله ببینند و خشوع و خضوع آنها بیشتر شود.

کلمه «الْمَرْءُ» شامل مرد و زن می شود؛ چرا که بنابر فرموده: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ...»^۲. «زنان و کنیزان خداوند را از رفتن به مسجد منع نکنید...». آمدن زنان به مسجد مستحب می باشد پس بنابر حدیث زید بن ثابت رضی الله عنه نماز نوافل مرد و زن در خانه اجر بیشتر دارد و بنابر روایت همسر ابوحمید الساعدی رضی الله عنه خواندن نماز فرض و مستحب زن در خانه اجر و ثواب بیشتر دارد. با همه این اوصاف باید مدّ نظر داشت در صورتیکه شخص نماز جماعتش را در مسجد بخواند و بعد به دلایلی به خانه برنگردد و یا احتمال دیر رسیدن و نرسیدن آن در زمان باقیمانده برای نماز سنت باشد، توصیه می شود که نماز نفلش را در مسجد بخواند؛ چراکه انجامش در مسجد بس بهتر از انجام ندادنش می باشد.

۱- نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شماره ۱۱۹۴.

۲- (صحیح): سندش در حدیث «بیست و سوّم» بیان شده است.

حدیث سی و پنجم: استحباب گذاشتن پای راست هنگام دخول به مسجد

عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ، فِي تَنْعُلِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَطُحُورِهِ، وَفِي شَانِهِ كُلِّهِ»^۱. «پیغمبر ﷺ در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضو گرفتن و همه کارهایش، شروع کردن از سمت راست را می‌پسندید».

با توجه به تأکید و تعمیم روایت، پیغمبر اکرم ﷺ در همه اموراتش و در همه احوال در حدّ توان و امکان از راست شروع کرده و راست را بر چپ ترجیح می‌دانند و بدین خاطر برای ورود به مسجد با پای راست وارد شده و با پای چپ خارج می‌شده‌اند.

تبعیت از این سنت جدای از اینکه نوعی نظم و ترتیب را بوجود می‌آورد بلکه یادآور آن است که راست و راستی و راه راست و در سمت و سوی راست بودن و ترجیح راست و درستی همیشه در اولویت قرار دارد.

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۲۶ و ۵۳۸ و ۱۶۸) / مسلم (ش ۶۴۰) / ابوداود (ش ۴۱۴۲) / نسایی (ش ۴۲۱) از طریق (عبدالله بن مبارک و حفص بن عمر و مسلم بن ابراهیم و معاذ بن معاذ و سلیمان بن حرب) روایت کرده‌اند: «حدثنا شعبة قال أخبرني أشعث بن سليم قال سمعت أبي عن مسروق عن عائشة قالت: كان النبي صلى الله عليه وسلم يعجبه التيمن في تنعله وترجله وطهوره وفي شأنه كله».

حدیث سی و ششم: حکم رفتن به مسجد با وجود بوی بد و آلت جنگی و اشیاء خطرناک

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الْبَقْلَةِ، الثُّومِ - وَقَالَ مَرَّةً: مَنْ أَكَلَ الْبَصَلَ وَالثُّومَ وَالْكَرَاثَ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى مِمَّا يَتَأَذَى مِنْهُ بَنُو آدَمَ^۱». «از پیغمبر ﷺ روایت شده که فرمود: هرکس از این باقلا، سیر و یکباری فرمودند: هرکس پیاز و سیر و تره بخورد حتماً به مسجد ما نزدیک نشود، چراکه ملائکه اذیت می‌شوند از آنچه که فرزندان آدم اذیت می‌شوند».

هدف از این فرموده این است که در هر حالتی که انسان بوی بد دارد چه با خوردن مأكولاتی که موجب پیدایش بوی بد در دهان انسان می‌شوند و چه در حالتی که لباس انسان بوی بد دارند همچون عرق بدن و لباسهای وی که بوی بد و کریه و ناخوشایند به خود گرفته‌اند باید از رفتن به مسجد خودداری کند؛ چرا که این عمل موجب آزار نمازگزاران و عابدان خانه خداوند ﷻ و تشویش در عبادت آنها می‌شود.

ولی در صورتیکه شخص با آلت جنگی و اشیای خطرناک مانند چاقو و اسلحه وارد مسجد می‌شود باید از آنها به گونه‌ای محافظت کند که موجب آزار و ناراحتی و ضرر به مسلمانان نشود. ابوموسی الاشعری رضی الله عنه روایت کرده

۱- (صحیح): مسلم (ش ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳) / نسایی (ش ۷۰۷) / ابن ماجه (ش ۳۳۶۵) از طریق (عطاء بن ابی رباح و ابوالزبیر المکی) روایت کرده‌اند: «عن النبي ﷺ قال: من أكل من هذه البقلة الثوم - وقال مرة من أكل البصل والثوم والكراث - فلا يقربن مسجدنا فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه بنو آدم».

است: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: إِذَا مَرَّ أَحَدُكُمْ فِي مَسْجِدِنَا، أَوْ فِي سُوقِنَا وَمَعَهُ نَبْلٌ، فَلْيُمْسِكْ عَلَى نِصَالِهَا، أَوْ قَالَ: فَلْيَقْبِضْ بِكَفِّهِ أَنْ يُصِيبَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْهَا شَيْءٌ»^۱. «آنکه در گوشه از مساجد یا بازارهای ما مرور می کند و همراهش تیری است باید که تیر را محکم گیرد یا اینکه نصال (آهن سر تیر) آن را به دستش بگیرد، مبدا که کدام مسلمانی را از آن ضرری رسد».

این فرموده حکم جواز وارد کردن آلت جنگی و اشیاء خطرناک را به مسجد وارد می کند ولی تأکید بر محافظت آنها را دارد؛ چراکه آزار و ضرر و ترساندن مسلمانان حرام می باشد و باید به هر شیوه ممکن از این عمل در مسجد و در هر مکانی دیگر پرهیز شود.

حدیث سی و هفتم: اعتکاف در مسجد

عبدالله عمر بن الخطاب ؓ روایت کرده است: «أَنَّ عُمَرَ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ، قَالَ: كُنْتُ نَذَرْتُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ أَنْ أَعْتَكِفَ لَيْلَةً فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ! قَالَ ﷺ: فَأَوْفِ بِنَذْرِكَ»^۲. «عمر از پیغمبر ﷺ پرسید و گفت: من در زمان جاهلیت نذر

۱- (صحیح): بخاری (ش ۷۰۴۵) / مسلم (ج ۴ ص ۲۰۱۹) / ابوداود (ش ۲۵۸۷) / ابن ماجه (ش ۳۷۷۸) از طریق (محمود بن غیلان و محمد بن العلاء و عبدالله بن براد) روایت کرده اند: «حدثنا أبو أسامة عن بريد عن أبي بردة عن أبي موسى عن النبي ﷺ قال: ...».

۲- (صحیح): بخاری (ش ۲۰۳۲ و ۲۰۴۳) / مسلم (ج ۳ ص ۱۲۷۷) / ابوداود (ش ۳۳۲۵) / ترمذی (ش ۱۵۳۹) / نسایی، السنن الکبری (ش ۳۳۳۵) / ابن ماجه (ش ۲۱۲۹) از طریق (شعبة بن الحجاج و عبد الوهاب الثقفی و حفص بن غیاث و حماد بن اسامه و یحیی بن سعید) روایت کرده اند: «أخبرنا عبيد الله بن عمر عن نافع عن ابن عمر أن عمر قال: يا رسول الله ...».

کردم شبی را در مسجد الحرام اعتکاف کنم! پیامبر ﷺ فرمودند: به نذرت وفا کن».

تمامی فقها اتفاق نظر دارند که برای مرد به غیر مسجد صحیح نیست در مکانی دیگر اعتکاف نماید و در مورد زن نیز جمهور فقها بر این باورند که وی نیز نباید در غیر مسجد اعتکاف کند بجز حنفیه که بر این باورند زن در مسجد خانه‌اش اعتکاف کند.

اساس استناد آنها فرموده خداوند متعال می‌باشد که می‌فرمایند: ﴿وَأَنْتُمْ عَلَيْكُمْ فِي الْمَسْجِدِ﴾ [البقرة: ۱۸۷]. و همچنین این روایت و روایت دیگر^۱ مؤید این حکم هستند که اعتکاف باید در مسجد انجام شود و فقط در آنجا جایز و مشمول اجر و ثواب خاصش می‌باشد و ماندن در مسجد از ارکان اعتکاف است که نبودش باعث ابطال اعتکاف می‌باشد^۲.

حدیث سی و هشتم: بلند نکردن صدا در مسجد به دلیل

عدم تشویش بر نمازگزاران

ابوسعید الخدری رضی الله عنه روایت کرده است: «اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ، فَسَمِعَهُمْ يَجْهَرُونَ بِالْقِرَاءَةِ، وَهُوَ فِي قُبَّةٍ لَهُ، فَكَشَفَ السُّتُورَ وَقَالَ ﷺ: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ يُنَاجِي رَبَّهُ، فَلَا يُؤْذِي بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَلَا يَرْفَعَنَّ بَعْضُكُمْ عَلَى

۱- نک: حدیث شماره سی و پنجم.

۲- نک: تبیین الحقائق، ۱/ ۳۵۰، ابن عابدین، ۲/ ۱۲۹ چاپ بولاق؛ حاشیه العدوی، ۱/ ۴۱۰؛ المجموع، ۶/ ۴۸۴؛ مغنی المحتاج، ۱/ ۴۵۱؛ الروضة، ۲/ ۳۹۸؛ کشاف القناع،

بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ - أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ»^۱. «رسول خدا ﷺ در مسجد اعتکاف کردند، و از برخی حاضران شنیدند که با صدای بلند قرائت می کردند، در حالیکه وی در قبه خود بودند و صورت خود را آشکار کردند و فرمودند: آیا غیر از این است که هرکدام از شما پروردگارش را مناجات می کند، یکدیگر را اذیت نکنید و در قرائت - یا شاید فرمود: در نماز - (صداهایتان را) بر یکدیگر بالا نبرید».

از آنجاییکه مسجد محل گردهمایی مسلمانان می باشد و هرکدام به گونه ای در آن به مناجات با پروردگار ﷻ مشغول می شوند حفظ آرامش و سکوت و فراهم کردن فضایی مسالمت آمیز که همه از فضای روحانی و معنوی و عرفانی آن بهره مند شوند لازم و ضروری می باشد. این حدیث

۱- (صحیح): عبدالرزاق، المصنف (ج ۲ ص ۴۹۸) / احمد، المسند (ش ۱۱۸۹۶) / ابوداود (ش ۱۳۳۲) / بیهقی، السنن الکبری (ش ۴۸۹۰) و شعب الایمان (ش ۲۴۱۲) / حاکم، المستدرک (ش ۱۱۶۹) / ابن خزیمه (ش ۱۱۶۲) / نسایی، السنن الکبری (ش ۸۰۳۸) / ابن مذر، الاوسط (ش ۲۵۳۰) / ذهبی، سیر اعلام النبلاء (ج ۱۲ ص ۶۲۹) / صیداوی، معجم الشیوخ (ج ۱ ص ۲۹۸) / ابن عبدالبر، التمهید (ج ۲۳ ص ۳۱۸) / خطیب بغدادی، تاریخ بغداد (ج ۱۵ ص ۲۰۷) / عبد بن حمید، المسند (ش ۸۸۱) از طریق (معمربن راشد) روایت کرده اند: «عن إسماعيل بن أمية عن أبي سلمة بن عبد الرحمن عن أبي سعيد الخدري قال: اعتكف رسول الله ﷺ في المسجد...». و رجال عبدالرزاق «رجال صحیحین» بوده و اسنادش هم صحیح است. و امام ابن حجر گفته است: «هذا حديثٌ صحيحٌ و رجاله رجال الصحیحین».

و امام نووی هم گفته است: «اسنادٌ صحیح».

و امام حاکم نیشابوری گفته است: «هذا حديثٌ صحيحٌ على شرط الشيخين، ولم يخرجاه» [حاکم، المستدرک (ش ۱۱۶۹) / ابن حجر، نتائج الأفكار فی تخریج أحادیث الأذکار (ج ۲ ص ۱۶) / نووی، خلاصة الاحکام (ش ۱۲۴۲)].

جدای از بیان این امر مهم و لازم ابراز می‌دارد در صورتیکه جماعتی صدای‌شان را بلند کنند و یا نظم مسجد را بهم زنند گوشزد کردن به آنها جایز است البته باید همانند پیغمبر رحمت محمد مصطفی ﷺ با نهایت تأنی و ادب و حفظ شخصیت افراد انجام شود؛ چراکه پیامبر ﷺ با استدلال و آرامش آنها را دعوت به سکوت و آرامی کردند.

حدیث سی و نهم: قضاوت و اقامه حدود و انجام برخی

امور دنیوی در مسجد

کعب بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّهُ تَقَاضَى ابْنُ أَبِي حَدَرٍ دَيْنًا كَانَ لَهُ عَلَيْهِ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَرْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهُمَا حَتَّى سَمِعَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ، فَخَرَجَ إِلَيْهِمَا حَتَّى كَشَفَ سِجْفَ حُجْرَتِهِ، فَنَادَى يَا كَعْبُ، قَالَ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: صَغَ مِنْ دَيْنِكَ هَذَا وَأَوْمَأَ إِلَيْهِ أَيْ الشَّطْرَ، قَالَ: لَقَدْ فَعَلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: قُمْ فَأَقْضِهِ^۱. «طلب خود را از ابوحدرد در مسجد مطالبه کردم. سر و صدای ما بلند شد. رسول الله ﷺ که داخل حجره بود سر و صدای ما را شنید. پرده حجره را کنار زد و با صدای بلند ندا کرد: ای کعب! گفتم: گوش به فرمانم ای رسول خدا! آنحضرت ﷺ فرمود: نصف قرض خود

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۵۷ و ۴۷۱ و ۲۴۱۸) / مسلم (ج ۳ ص ۱۹۲ و ۱۹۳) / ابوداود

(ش ۳۵۹۵) / نسایی (ش ۵۱۱۴ و ۵۴۰۸) / ابن ماجه (ش ۲۴۲۹) از طریق (ابن شهاب

الزهري وعبدالرحمن بن هرمز) روایت کرده‌اند: «عن عبدالله بن كعب بن مالك عن كعب

أنه تقاضى ابن أبي حدر دينا ...».

را معاف کن. گفتم: معاف کردم، ای رسول خدا. آنگاه، رسول الله ﷺ به ابوحدرد گفت: بلند شو و نصف دیگر آنرا بپرداز».

این روایت بیانگر این مسئله می‌باشد که دادگاهی کردن و رفع خصومت‌ها در مسجد جایز بوده و مردم می‌توانند برای حل مشاكل و حتی هم‌فکری و خدمت‌رسانی بر مبنای یاری و پشتیبانی یکدیگر در راه نیکی و پرهیزگاری نه راه تجاوز و ستمکاری در مسجد جمع شوند.

جمهور فقها با این رأی هم‌نظر می‌باشند، ابن حجر رحمته الله جدای از تأیید این مطلب اشاره می‌کند که: در صورتی که طرفین دعوا صدای‌شان را بلند کنند جایز است به شرطی که به فحاشی و هتک حرمت یکدیگر منجر نشود؛ چراکه پیغمبر صلی الله علیه و آله با شنیدن صوت بلند آنها ممانعت نکردند و ای‌شان صلی الله علیه و آله بر حرام سکوت نمی‌کنند.

همچنین این روایت بر این امر هم دلالت داشته که اشاره مفهمه می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای رساندن اراده صدق کند^۱.

با همه این اوصاف شریعت خواهان حفظ نظم و سکوت مسجد می‌باشد و یکی از مواردی که برای حفظ نظم و آرامش ظاهری و معنوی مسجد توصیه کرده ممنوعیت اجرای حدود و قصاص در مسجد می‌باشد. چرا که اجرای حدود گاهی مستلزم نجس شدن محل و همچنین اهانت کردن و نافرمانی می‌باشد. و عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت کرده است: «عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا تُقَامُ الْحُدُودُ فِي الْمَسَاجِدِ، وَلَا يُقْتَلُ الْوَالِدُ بِالْوَلَدِ»^۲. «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حدود در مساجد برپا نمی‌شود، و پدر بخاطر کشتن فرزند قصاص نمی‌گردد».

۱- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شماره ۷۶۹.

۲- (صحیح): دارمی، السنن (ش ۲۳۵۷) / ابن ماجه (ش ۲۶۶۱) / ترمذی (ش ۱۴۰۱) / دارقطنی، السنن (ج ۳ ص ۱۴۲ و ۱۴۱) / جرجانی، تاریخ جرجان (ص ۴۲۹) / ابن حزم،

المحلی بالآثار (ج ۱۱ ص ۱۲۳) / بیهقی، السنن الكبرى (ش ۱۶۳۸۴ و ۱۶۳۸۶) / ابن عبدالبر، التمهید (ج ۲۳ ص ۴۴۲) / ابن عدی، الكامل فی الضعفاء (ج ۱ ص ۲۸۳) / طبرانی، المعجم الكبير (ج ۱۱ ص ۵) / ابونعیم، حلیۃ الاولیاء وطبقات الاصفیاء (ج ۴ ص ۱۷) / بزار (ش ۴۸۳۵) / ذهبی، معجم الشیوخ الكبير (ج ۲ ص ۳۵۳) از طریق (جعفر بن عون و عبد الوهاب بن خفاف العطاء و قیس بن الربیع و عمرو بن شقیق و ابن ابی عدی و ابو حفص الابرار و علی بن مسهر) روایت کرده اند: «عن إسماعیل بن مسلم عن عمرو بن دینار عن طاوس عن ابن عباس: عن النبي ﷺ قال: لا تقام الحدود في المساجد ولا يقتل الوالد بالولد».

و اسماعیل بن مسلم هم متابعه شده و حاکم، المستدرک (ش ۸۱۰۴) روایت کرده است: «أخبرنا أبو بكر احمد بن إسحاق الصبغی أنبأ عبيد بن عبد الواحد بن شريك حدثنا أبو الجماهر محمد بن عثمان التنوخی ثنا سعيد بن بشير ثنا عمرو بن دينار عن طاوس عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: ...».

و دارقطنی، السنن (ج ۴ ص ۱۷۰) / بیهقی، السنن الكبرى (ش ۱۶۳۸۷) از طریق (عبد الباقي بن قانع و إبراهيم بن إسحاق الصيرفی) روایت کرده اند: «حدثنا الحسن بن علی بن شبيب المعمری حدثنا عقبه بن مكرم حدثنا أبو حفص التمار حدثنا عبيد الله بن الحسن العنبری عن عمرو بن دينار عن طاوس عن ابن عباس قال قال رسول الله ﷺ: ...».

و هر چند اسماعیل بن مسلم المکی [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۱ ص ۳۳۱) و تقریب التهذیب (ش ۴۸۴)].

و سعید بن بشیر الازدی [ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۴ ص ۸) و تقریب التهذیب (ش ۲۲۷۶) / ابن عدی، الكامل (ج ۳ ص ۳۶۹) / حاکم، المستدرک (ش ۹۹۵)].

و ابو حفص تمار عمر بن عامر أبو حفص السعدی [ابن حجر، لسان المیزان (ج ۴ ص ۳۱۴) / ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال (ج ۳ ص ۲۰۹)].

مورد ضعف واقع شده اند، اما هر سه (اسماعیل بن مسلم و سعید بن بشیر و عبيدالله بن الحسن) با هم موجب تقویت یکدیگر شده خصوصاً اینکه ضعف های آنان شدید نمی باشد؛ و سایر رجال دارمی هم «رجال صحیحین» است.

جدای از جواز امور دنیوی پیامبر برخی از امور دنیوی را نیز در مسجد جایز شمرده‌اند و بر آن قلمه صحّه گذاشته‌اند، از جمله این امور:

- تقسیم اموال دنیا در مسجد: انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «أُتِيَ النَّبِيُّ ﷺ بِمَالٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ، فَقَالَ: انْثُرُوهُ فِي الْمَسْجِدِ وَكَانَ أَكْثَرَ مَالٍ أُتِيَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى الصَّلَاةِ وَلَمْ يَلْتَفِتْ إِلَيْهِ، فَلَمَّا قَضَى الصَّلَاةَ جَاءَ فَجَلَسَ إِلَيْهِ، فَمَا كَانَ يَرَى أَحَدًا إِلَّا أَعْطَاهُ، إِذْ جَاءَ الْعَبَّاسُ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَعْطِنِي، فَإِنِّي فَادَيْتُ نَفْسِي وَفَادَيْتُ عَقِيلًا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خُذْ فَحَثَا فِي ثَوْبِهِ، ثُمَّ ذَهَبَ يُعَلِّهُ فَلَمْ يَسْتَطِعْ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، أَوْمُرْ بَعْضَهُمْ يَرْفَعُهُ إِلَيَّ، قَالَ: لَا قَالَ: فَارْفَعُهُ أَنْتَ عَلَيَّ، قَالَ: لَا فَتَنَرْ مِنْهُ، ثُمَّ ذَهَبَ يُقِيلُهُ،

و امام ابن السکن هم اسنادش را «صحیح» دانسته است.

و امام ذهبی هم گفته است: «هذا حدیث صالح الإسناد غریب».

و امام ابن حجر هم در مورد اسناد دیگری از حکیم بن حزام گفته است: «لا بأس بإسناده» [ذهبی، (ج ۱ ص ۴۰۵) / ابن حجر، تلخیص الحبیر (ج ۴ ص ۲۱۲) / ابن الملقن، البدر المنیر (ج ۸ ص ۷۲۲)].

باید اشاره کنیم که به اسناد دیگری هم از سعید بن بشیر و مخالف روایت حاکم، المستدرک (ش ۸۱۰۴) روایت گردیده است و بزار (ش ۴۸۳۴) / دارقطنی، السنن (ج ۴ ص ۱۷۰) / ابن خزیمه، فوائد الفوائد (ش ۷) / ذهبی، معجم الشیوخ الکبیر (ج ۱ ص ۴۰۵) / ابن حزم، المحلی (ج ۱۱ ص ۱۲۳) از طریق (محمد بن هارون البغدادی أبو نشیط) روایت کرده‌اند: «نا أبو المغيرة عبد القدوس بن الحجاج نا سعيد بن بشير عن قتادة بن دعامة عن عمرو بن دينار عن طاوس عن ابن عباس ...».

که این اسناد خطا می‌باشد چرا که محمد بن هارون البغدادی أبو نشیط توثیق صریح نگردیده ولی رجال حاکم نیشابوری همگی ثقة ومشهور هستند؛ لذا اسناد روایت حاکم محفوظ بوده و روایت اصحّ از سعید بن بشیر، (سعید بن بشیر عن عمرو بن دينار عن طاوس عن ابن عباس ...) می‌باشد.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، أُوْمِرُ بَعْضُهُمْ يَرْفَعُهُ عَلَيَّ، قَالَ: لَا قَالَ: فَارْفَعُهُ أَنْتَ عَلَيَّ، قَالَ: لَا فَتَثَرُ مِنْهُ، ثُمَّ احْتَمَلَهُ، فَأَلْقَاهُ عَلَى كَاهِلِهِ، ثُمَّ انْطَلَقَ، فَمَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتْبَعُهُ بَصَرَهُ حَتَّى خَفِيَ عَلَيْنَا - عَجَبًا مِنْ حِرْصِهِ - فَمَا قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَتَمَّ مِنْهَا دِرْهَمٌ^۱. «مقداری مال از بحرین برای رسول الله ﷺ آوردند». آنحضرت ﷺ فرمود: «آنها را داخل مسجد بریزید. راوی می گوید: این محموله، بزرگترین مالی بود که خدمت رسول خدا ﷺ آورده شده بود. رسول اکرم ﷺ برای اقامه نماز به مسجد رفت و به آنها توجه ننمود. پس از اتمام نماز، آمد و در کنار آن اموال، نشست. هر که را می دید، مقداری به او می داد تا اینکه عباس ؓ آمد و عرض کرد: ای پیامبر گرامی! به من نیز عنایت فرما. زیرا من برای خودم و عقیل (در اسارت بدر) فدیة داده ام. رسول الله ﷺ فرمود: شما نیز بردار. عباس ؓ با هر دو دست، شروع به پر کردن چادر خود کرد. و هنگامی که خواست آنها را حمل کند، نتوانست. عرض کرد: ای پیامبر گرامی! یکی را بگویند تا اینها را بر پر پشت من بگذارد. رسول الله ﷺ فرمود: خیر. عباس گفت: پس خود شما آن را بر دوش من بگذارید. رسول الله ﷺ فرمود: خیر. آنگاه، عباس مقداری از آنها را کم کرد و بقیه را بر دوش خود نهاد و براه افتاد. رسول الله ﷺ از حرص عباس ؓ تعجب کرد و همچنان به طرف او نگاه می کرد تا از نظر ما ناپدید گردید. و تا يك درهم از آن مال، باقی بود، رسول الله ﷺ آن جا را ترك نکرد».

۱- (صحیح): بخاری تعلیقاً (ش ۴۲۱ و ۳۱۶۵) / ابن حجر، تغلیق التعلیق (ج ۲ ص ۲۲۷) از

طریق (ابراہیم بن طهمان) روایت کرده اند: «عن عبد العزيز بن صهيب عن أنس بن مالك ؓ

قال: أتى النبي ﷺ بهال من البحرين ...».

-مراقبت و نگهداری از مریض در مسجد و جاری شدن خون در مسجد: عائشه رضی الله عنها روایت کرده است: «أُصِيبَ سَعْدٌ رضی الله عنه يَوْمَ الْخَنْدَقِ فِي الْأَكْحَلِ، فَضَرَبَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله خَيْمَةً فِي الْمَسْجِدِ، لِيُعَوِّدَهُ مِنْ قَرِيبٍ فَلَمْ يَرُعْهُمْ. وَفِي الْمَسْجِدِ خَيْمَةٌ مِنْ بَنِي غِفَارٍ، إِلَّا الدَّمُ يَسِيلُ إِلَيْهِمْ، فَقَالُوا: يَا أَهْلَ الْخَيْمَةِ، مَا هَذَا الَّذِي يَأْتِينَا مِنْ قَبْلِكُمْ؟ فَإِذَا سَعْدٌ يَغْذُو جُرْحُهُ دَمًا، فَمَاتَ فِيهَا»^۱. «در جنگ خندق، شاهرگ دست سعد بن معاذ رضی الله عنه قطع شد. آنحضرت صلی الله علیه و آله خیمه ای در مسجد برپا کرد تا از نزدیک مراقب حال او باشد. در کنار این چادر، چادری دیگر از قبیله بنی غفار نیز در مسجد نصب شده بود. آنچه باعث وحشت آنها گردید، خونی بود که از خیمه سعد به سوی خیمه آنها جاری بود. آنها پرسیدند: ای اهل خیمه! این خون از کجا می آید؟ ناگهان متوجه شدند که سعد رضی الله عنه دچار خونریزی شده است و (متاسفانه) در اثر همان خون ریزی بود که درگذشت.»

با این وصف درمی یابیم که انجام برخی از امورات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و که فقط و فقط در چهارچوب شریعت و مطابق با قوانین دین به گونه ای که هیچ خللی در مقاصد اصلی بنای مسجد یعنی؛ عبادت خداوند سبحان ننماید جایز می باشد و ایرادی ندارد.

۱- (صحیح): بخاری (ش ۴۶۳ و ۴۱۲۲) / مسلم (ج ۳ ص ۱۳۸۹) / ابوداود (ش ۳۱۱۰۱) / نسایی (ش ۷۱۰) از طریق (زکریاء بن یحیی و عثمان بن أبی شیبة و عبدالله بن سعید) روایت کرده اند: «حدثنا عبدالله بن نمير قال حدثنا هشام عن أبيه عن عائشة قالت: أصيب سعد يوم الخندق...».

حدیث چهل: بهترین صف نماز مساجد

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ صُفُوفٍ الرَّجَالِ الْمُقَدَّمُ، وَشَرُّهَا الْمُؤَخَّرُ، وَشَرُّ صُفُوفِ النِّسَاءِ الْمُقَدَّمُ، وَخَيْرُهَا الْمُؤَخَّرُ، ثُمَّ قَالَ: يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ، إِذَا سَجَدَ الرَّجَالُ فَأَغْضُضْنَ أَبْصَارُكُنَّ، لَا تَرَيْنَ عَوْرَاتِ الرَّجَالِ مِنْ ضِيقِ الْأُزْرِ»^۱. «پیامبر خدا ﷺ فرمودند: بهترین صف‌های

۱- (صحیح): احمد، المسند (ش ۱۵۱۶۱ و ۱۴۱۲۳) / ابونعیم، حلیۃ الاولیاء (ج ۹ ص ۲۳) / ابن ابی شیبہ، المصنف (ج ۱ ص ۵۰۴) / ابن حزم، المحلی (ج ۳ ص ۱۳۱) از طریق (عبدالرحمن بن مهدی و عبدالصمد بن عبدالوارث و ابوسعید عبدالرحمن بن عبدالله و حسین بن علی) روایت کرده‌اند: «ثنا زائدة بن قدامة عن عبدالله بن محمد بن عقيل عن جابر قال قال رسول الله ﷺ: ...».

وزائدة بن قدامة هم متابعه شده و ابن ابی شیبہ، المصنف (ج ۱ ص ۴۱۵) / ابن ماجه (ش ۱۰۰۱) / احمد، المسند (ش ۱۴۴۵۱) از طریق (وکيع بن الجراح وأبو أحمد و عبدالله بن الوليد) روایت کرده‌اند: «عن سفيان (الثوري) ...». و رجال احمد «رجال صحيحين» بوده جز عبدالله بن محمد بن عقيل که مختلف فيه بوده و احاديثش نزد ما «حسن» می‌باشد؛ چنانکه امامان بخاری و احمد بن حنبل و ابن راهويه و حمیدی و ترمذی و حاکم و ذهبی و عجللی و ابن عبدالبر و ساجی هم احاديثش را «مقبول و مقارب» دانسته‌اند و امامان یحیی قطان و عبدالرحمن بن مهدی هم از وی روایت کرده و آنان جز از «ثقات» روایت نمی‌کرده‌اند لذا امام ابن حجر در تقریب می‌گوید: «صدوق في حديثه لين ويقال تغير بأخرة» و امام ذهبی هم احاديثش را در درجه‌ی «حسن» دانسته و می‌گوید: احاديثش به درجه صحت نمی‌رسد. [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۶ ص ۱۳) / ابن حجر، تقريب التهذيب (ش ۳۵۹۲) و لسان الميزان (ج ۱ ص ۱۴) / ذهبی، المغنی فی الضعفاء (ش ۳۳۳۷) / ذهبی، سير اعلام النبلاء (ج ۶ ص ۲۰۵) / عجللی، معرفة الثقات (ج ۲ ص ۵۷)].

اما متابعه‌ای هم دارد وابن الاعرابی (ش ۲۰۶۳) روایت کرده است: «أبو قلابه (عبدالملك بن محمد) نا أبو الوليد (هشام بن عبدالملك) نا أبو عوانة عن أبي بشر (جعفر بن ایاس) عن عبدالله بن شقیق عن رجاء بن أبي رجاء عن محجن الأسلمي عن النبي ﷺ: خير صفوف الرجال المقدم وشر صفوف الرجال المؤخر وخير صفوف النساء المؤخر وشر صفوف النساء المقدم؛ يا معشر النساء! إذا سجد الرجال فاخفضوا أبصاركم لا ترين عورات الرجال من ضيق الأزر» ورجالش «رجال صحيح» بوده جز رجاء بن أبی رجاء الباهلی البصری که: امام عجلای گفته است: «بصريّ تابعي ثقة» و امام مکی بن عبدان هم گفته است: «كان ثقة» و امام ابن حبان هم وی را در «ثقات» آورده است و امام مسلم هم گفته که: «في الطبقة الأولى من تابعي أهل البصرة» [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۳ ص ۲۶۶) / خطیب بغدادی، المتفق والمفترق (ج ۱ ص ۶۰)].

أبو قلابه عبد الملك بن محمد: امام مسلم بن قاسم گفته است: «كان راوية للحديث متقناً ثقة؛ يحفظ حديث شعبة كما يحفظ السورة» و امام ابن الاعرابی هم گفته است: «ما رأيت أحفظ منه وكان من الثقات» و امام ابن حبان هم وی را در «ثقات» آورده و گفته است: «كان يحفظ أكثر حديثه» و امام طبری هم گفته است: «ما رأيت أحفظ من أبی قلابه» و امام ابوداود هم گفته است: «رجل صدوق أمين مأمون كتب عنه بالبصرة» و امام خطیب بغدادی گفته است: «كان مذكوراً بالصالح والخير» و امام دارقطنی هم گفته است: «صدوق كثير الخطأ من الأسانيد والمتون كان يحدث من حفظه فكثرت الأوهام منه» و امام ابن حجر هم گفته است: «صدوق يخطيء تغير حفظه لما سكن بغداد» [ابن حجر، تهذيب التهذيب (ج ۶ ص ۴۱۹) وتقريب التهذيب (ش ۴۲۱۰)] ودر اواخر عمرش دچار «تغییر» گردیده لذا احادیث قبل از تغییر وی «صحيح» وبعد از تغییر وی «حسن» می باشد.

و ابن الاعرابی هم قبل از اختلاط از وی شنیده چرا که دیدیم در مورد ابوقلابه گفته است: «ما رأيت أحفظ منه وكان من الثقات» و همچنین ابن الاعرابی، هم طبقه‌ی

مردان جلوی (آن) می‌باشد، و بدترین آن آخر (آن) است، و بدترین صف‌های زنان جلو و بدترین آخر (آن) است، سپس فرمودند: ای جماعت زنان! هرگاه مردان سجده بردند، چشمان خود را (از نامحرمان) فرو گیرید، تا عورات مردان را بخاطر تنگی شلوارشان نبینید».

منظور از «خیر» کسب بهترین و برترین ثواب و منظور از «شر» کسب کمترین درجه ثواب می‌باشد. این حدیث اشاره به حالتی دارد که مردان و زنان در یک مکان باهم نماز می‌خوانند و در این حال صف‌های جلوتر خصوصاً صفِ اوّل برای مردان از فضیلت و خیر زیاد و خاص برخوردار است و برای زنان آخرین صف چنین فضیلتی دارد؛ چراکه میزان اختلاط و نگاه و توجّه به غیر را به حدّ اقل می‌رساند و چشم و دل متمرکز نماز می‌شوند ولی در حالتی که مردان و زنان در مکانهای مجزا نماز می‌خوانند بهترین و برترین مکان ایستادن برای همه، صف‌های جلوتر می‌باشد^۱.

پس در صورتیکه جماعت ترکیبی از مردان و زنان و کودکان باشد، مردان و کودکان در صف اوّل و زنان صف دوّم قرار می‌گیرند. در صورت تعدّد، مردان و کودکان در جلو و زنان در پشت آنها قرار می‌گیرند. البته مستحب بوده که بالغان به امام نزدیک باشند. البته این در مواردی می‌باشد که فضای آنها جدا نبوده و در یک فضای واحد نماز بخوانند که در این حال

متقدمینی است که از ابوقلابه روایت نموده‌اند [سیوطی، تدریج الراوی (ج ۲ ص ۳۷۹)] لذا این اسناد «صحیح» است.

و امام البوصیری هم گفته است: «اسناد حسن» [البوصیری، مصباح الزجاجة (ج ۱ ص ۱۹۴)].

۱- أبو العلامه محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم المباركفوري، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، شماره ۱۹۰.

بهتر آن است که زنان به گونه‌ای در عقب قرار گیرند که در صورت آمدن مردان در معرض دید و یا عبور آنها قرار نگیرند.

- انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: «أَنَّ جَدَّتَهُ مُلَيْكَةَ دَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لِبَطْعَامٍ صَنَعَتْهُ لَهُ فَأَكَلَ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ قُومُوا فَلَأُصِلَّ لَكُمْ قَالَ أَسْ فَقُمْتُ إِلَى حَصِيرٍ لَنَا قَدْ اسْوَدَّ مِنْ طُولِ مَا لَبَسَ فَنَضَحْتُهُ بِمَاءٍ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَصَفَفْتُ وَالْيَتِيمَ وَرَاءَهُ وَالْعَجُوزَ مِنْ وَرَائِنَا فَصَلَّى لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ انْصَرَفَ^۱». «مادر بزرگم -ملیکه- رسول الله ﷺ را به صرف غذایی که برای ای‌شان ﷺ تهیه کرده بود، دعوت نمود. رسول الله ﷺ پس از صرف غذا، فرمود: بلند شوید تا برای شما نماز بخوانم. انس می‌گوید: بلند شدم و بسوی یکی از حصیرهایمان که از کثرت استعمال، سیاه شده بود، رفتم و مقداری آب روی آن، پاشیدم. رسول الله ﷺ روی آن ایستاد. من و کودکی یتیم، پشت سر آنحضرت ﷺ صف بستیم. و پیر زن، پشت سر ما ایستاد. رسول اکرم ﷺ دو رکعت نماز، برای ما خواند و تشریف برد».

- همچنین جهت مرتب بودن صف جماعت باید مراتب سنی رعایت شود که این عمل نه تنها نوعی ادب به بزرگسالان و عالمان می‌باشد

۱- (صحیح): بخاری (ش ۳۸۰ و ۸۶۰) / مسلم (ش ۱۵۳۱) / ابوداود (ش ۶۱۲) / ترمذی (ش ۲۳۴) / نسایی (ش ۸۱۰) / ابن ماجه (ش ۹۷۵) از طریق (إسحاق بن عبدالله بن أبي طلحة و موسی بن انس) روایت کرده‌اند: «عن أنس بن مالك أن جدته مليكة دعت رسول الله ﷺ لطعام صنعت له فأكل منه ثم قال قوموا فلأصل لكم قال أنس فقمتم إلى حصير لنا قد اسود من طول ما لبس فنضحته بماء فقام رسول الله ﷺ و صففت واليتيم وراءه والعجوز من ورائنا فصلى لنا رسول الله ﷺ ركعتين ثم انصرف».

بلکه در نظم و ترتیب صفها نیز تأثیرگذار می‌باشد. ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت کرده است: «قال رسول الله ﷺ: لِيَلِينِي مِنْكُمْ أَوَّلُ الْأَحْلَامِ وَالْأَخْيَرِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ»^۱ «پیامبر ﷺ فرمودند: بالغان و کامل‌مردان و عالمان و خردمندان پشت سر من بایستند، سپس کسانی که از لحاظ سن، پشت سر آنها هستند و سپس کسان دیگر قرار گیرند». همچنین ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت کرده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَمْسَحُ مَنَاكِبَنَا فِي الصَّلَاةِ وَيَقُولُ: اسْتَوُوا وَلَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ لِيَلِينِي مِنْكُمْ أَوَّلُ الْأَحْلَامِ وَالْأَخْيَرِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ». قَالَ أَبُو مَسْعُودٍ: «فَأَنْتُمْ الْيَوْمَ أَشَدُّ اخْتِلَافًا»^۲. «رسول الله ﷺ هنگام نماز (دست‌های‌شان را روی) شانه‌های ما می‌گذاشت. و می‌فرمود:

۱- (صحیح): مسلم (ش ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱) / ابوداود (ش ۶۷۴) / ترمذی (ش ۲۲۸) / نسایی (ش ۸۰۷ و ۸۱۲) / ابن ماجه (ش ۹۷۶) از طریق (شعبة بن الحجاج و عبدالله بن إدريس و أبو معاوية الضرير و وكيع بن الجراح و سفيان بن عيينه) روایت کرده‌اند: «عن الأعمش عن عمارة بن عمير التيمي عن أبي معمر عن أبي مسعود قال كان رسول الله ﷺ يمسح مناكبنا في الصلاة ويقول: استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبكم ليلني منكم أولو الأحلام والنهي ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم».

۲- (صحیح): مسلم (ش ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱) / ابوداود (ش ۶۷۴) / نسایی (ش ۸۰۷ و ۸۱۲) / ابن ماجه (ش ۹۷۶) از طریق (شعبة بن الحجاج و عبدالله بن إدريس و أبو معاوية الضرير و وكيع بن الجراح و سفيان بن عيينه) روایت کرده‌اند: «عن الأعمش عن عمارة بن عمير التيمي عن أبي معمر عن أبي مسعود قال كان رسول الله ﷺ يمسح مناكبنا في الصلاة ويقول: استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبكم ليلني منكم أولو الأحلام والنهي ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم».

راست بایستید و کج نایستید که قلب‌هایتان کج و جدا می‌شود. بالغان و بزرگان شما نزدیک من بیاستند و سپس کسانی که از نظر سنی بعد آنها قرار دارند و سپس کسانی که از نظر سنی بعد آنها قرار دارند». ابن مسعود گفت: «امروز شما بیشترین اختلاف را دارید».

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن ابو حاتم محمد بن ادريس رازی، الجرح و التعديل، بيروت، دارأحياء التراث العربی، أول، ۱۳۷۱ هـ.
- ۳- ابن أبي خيثمه، أبو بكر أحمد بن أبي خيثمة زهير بن حرب، التاريخ الكبير، دار الفاروق، بي.تا.
- ۴- ابن ابی شيبة، عبدالله بن محمد بن ابی شيبة، المصنّف، تعليق: سعيد اللّحام، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ هـ ..
- ۵- ابن أبي عاصم، احمد بن عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، السنة، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، بيروت، المكتب الإسلامي، أول، ۱۴۰۰ هـ ..
- ۶- ابن ابی عاصم، أحمد بن عمرو بن أبي عاصم الشيباني أبو بكر، الزهد، تحقيق : عبد العلي عبد الحميد حامد، دار الريان للتراث - القاهرة، دؤم، ۱۴۰۸ هـ ...
- ۷- ابن اعرابي، ابوسعيد احمد بن محمد بن زياد بن بشر، المعجم، تحقيق: عبدالمحسن بن ابراهيم بن احمد، جدّة، دار ابن جوزی، ۱۴۱۸ هـ ...
- ۸- ابن تيميه، تقى الدين احمد بن عبد الحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: نور الباز و عامر الجزار، دارالوفاء، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۶ هـ ...
- ۹- ابن جارود، عبدالله بن علي بن الجارود النيشابورى، المنتقى من السنن المسنده، تحقيق: عبدالله عمر البارودى، بيروت، مؤسسة

الكتاب الثقافیه، اول، ۱۳۸۶ هـ .

۱۰- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد البستی، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب ارنأؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، دوّم، ۱۴۱۴ هـ .

۱۱- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد البستی، الثقات، تحقیق: سید شرف الدین أحمد، دارالفکر، اول، ۱۳۹۵ هـ .

۱۲- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد البستی، المجروحین، تحقیق: محمود إبراهيم زاید، حلب، دار الوعی، بی تا.

۱۳- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانی، تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، تحقیق: عاصم بن عبد الله القریونی، مكتبة المنار، اول، بی تا.

۱۴- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب، هند، دائره المعارف النظامیه، اول، ۱۳۲۶ هـ ...

۱۵- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانی، فتح الباری، تحقیق : عبد العزيز بن عبد الله بن باز ومحَب الدین الخطیب، دارالفکر (مصور عن الطبعة السلفية)، بی تا.

۱۶- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد ابن حجر العسقلانی، تقریب التهذیب، حلب، طبعة دار الرشید، اول، ۱۴۰۶ هـ ...

۱۷- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد ابن حجر العسقلانی، التلخیص الحییر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۹ هـ .

۱۸- ابن حجر، أحمد بن علی بن محمد ابن حجر العسقلانی، لسان المیزان، تحقیق: دائرة المعارف النظامية الهند، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، سوّم، ۱۴۰۶ هـ .

- ۱۹- ابن حزم، علی بن احمد بن سعید، المحلی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۲۰- ابن حیان، عبدالله بن محمد بن جعفر انصاری، طبقات المحدثین بأصبهان، تحقیق: عبدالغفور عبدالحق حسین بلوشی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ هـ.
- ۲۱- ابن خزیمه، محمد بن اسحاق، صحیح، تحقیق: محمد مصطفی اعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۹۰ هـ..
- ۲۲- ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم بن مخلد الحنظلی، المسند، تحقیق: عبدالغفور بن عبدالحق البلوشی، المدینه، مکتبه الایمان، اوّل، ۱۴۱۲ هـ..
- ۲۳- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، طبقات الکبری، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۸ م.
- ۲۴- ابن شاهین، ابو حفص عمر بن أحمد بن عثمان بن شاهین، تاریخ أسماء الثقات، تحقیق: صبحی السامرائی، الدار السلفیة، الکویت، اوّل، ۱۴۰۴ هـ..
- ۲۵- ابن شاهین، ابو حفص عمر بن أحمد بن عثمان بن شاهین، ناسخ الحديث ومنسوخه، تحقیق : سمیر بن أمین الزهیری، مکتبة المنار، الزرقاء، اوّل، ۱۴۰۸ هـ..
- ۲۶- ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري، الاستذکار، تحقیق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض، دار الكتب العلمية - بیروت، اوّل، ۱۴۲۱ هـ..
- ۲۷- ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقیق: مصطفى بن أحمد العلوي و محمد عبد الكبير البکري، المغرب، وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷ هـ...

٢٨- ابن عدی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد الجرجانی، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر، دّوم، ١٤٠٩ هـ ...

٢٩- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، بیروت، دارالفکر، اوّل، ١٤١٩ هـ ...

٣٠- ابن عساکر، علی بن حسن، معجم الشیوخ، تحقیق: وفاء تقی الدین، دمشق، دارالبشائر، بی تا.

٣١- ابن العماد، عبد الحی بن أحمد العکری الدمشقی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.

٣٢- ابن الجعد، علی بن الجعد بن عبید أبو الحسن الجوهری، المسند، تحقیق: عامر أحمد حیدر، مؤسسة نادر - بیروت، اوّل، ١٤١٠ هـ .

٣٣- ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، التحقیق فی أحادیث الخلاف، تحقیق مسعد عبد الحمید محمد السعدنی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤١٥ هـ ...

٣٤- ابن ماجه، محمد بن یزید القزوی، سنن، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، لبنان، دارالفکر، بی تا.

٣٥- ابن مقری، ابوبکر محمد بن ابراهیم بن علی اصفهانی، معجم، تحقیق: سعد عبد الحمید السعدنی و محمد حسن محمد حسن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤٢٤ هـ ...

٣٦- ابن الملقن، سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد الشافعی، البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی الشرح الکبیر، المحقق: مصطفى أبو الغیط و عبدالله بن سلیمان ویاسر بن کمال، دار الهجرة للنشر والتوزیع - الرياض - السعودیة، اوّل، ١٤٢٥ هـ ...

۳۷- ابوبکر النصیبی، أبو بكر أحمد بن يوسف بن خلاد العطار النصیبی، الفوائد، مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني التابع لموقع الشبكة الإسلامية، أول، ۲۰۰۴ هـ ...

۳۸- ابوداود، سليمان بن اشعث سجستاني، سنن، بيروت، دارالكتب العربي، بی تا.

۳۹- ابوزرعه، عبيد الله بن عبد الكريم بن يزيد الرازي أبو زرعة، الضعفاء وأجوبة أبي زرعة الرازي على سؤالات البرذعي، المحقق: د. سعدي الهاشمي، المدينة المنورة، الجامعه الاسلاميه، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۲ هـ ..

۴۰- ابوعروبه، أبو عروبة الحسين بن أبي معشر محمد بن مودود الحراني، الاوائل، تحقيق مشعل بن باني الجبرين المطيري، دار ابن حزم، بيروت، ۱۴۲۴ هـ ...

۴۱- ابوعوانة، يعقوب بن اسحاق اسفرائيني، المسند، بيروت، دارالمعرفة، بي تا.

۴۲- ابونعيم، أحمد بن عبدالله إصفهاني، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۵ هـ ...

۴۳- ابونعيم، أحمد بن عبدالله إصفهاني، الضعفاء، تحقيق: فاروق حمادة، دار الثقافة-الدار البيضاء، أول، ۱۴۰۵ هـ ...

۴۴- ابونعيم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الهرازي الأصبهاني، المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم، تحقيق: محمد حسن محمد حسن إسماعيل الشافعي، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، أول، ۱۴۱۷ هـ ...

٤٥- ابونعيم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الهراني الأصبهاني، معرفة الصحابة، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي، رياض، دار الوطن للنشر، أول، ١٤١٩ هـ ...

٤٦- ابو يعلى، أحمد بن علي بن المثنى الموصلي، المسند، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، أول، ١٤٠٤ هـ.

٤٧- ابويوسف، يعقوب بن إبراهيم الأنصاري، الآثار، تحقيق أبو الوفا، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٣٥٥ هـ ...

٤٨- أحمد حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال الشيباني، سؤالات أبي داود للإمام أحمد بن حنبل في جرح الرواة وتعديلهم، تحقيق: زياد محمد منصور، مدينة، مكتبة العلوم والحكم، ١٤١٤ هـ

...

٤٩- أحمد حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال الشيباني، المسند، تحقيق: شعيب ارنؤوط و آخرون، مؤسسة الرسالة، دوّم، ١٤٢٠ هـ.

٥٠- أحمد حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال الشيباني، العلل و معرفه الرجال، تحقيق: وحى الله بن محمد عباس، بيروت-رياض، المكتب الاسلامى-دارخانى، أول، ١٤٠٨ هـ ...

٥١- ازرقى، محمد بن عبدالله بن احمد، اخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار، تحقيق: على عمر، مكتبه الثقافه الدينيه، أول، بى تا.

٥٢- بخاري، محمد بن اسماعيل، ادب المفرد، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دارالبشائر الاسلاميه، ١٤٠٩ هـ ...

٥٣- بخاري، محمد بن اسماعيل، التاريخ الصغير، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، حلب- القاهرة، دار الوعي - مكتبة دار التراث، أول،

١٣٩٧ هـ ...

۵۴- بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، تحقيق: سيد هاشم ندوي، دارالفكر، بي.تا.

۵۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع المسند الصحيح، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، اول، ۱۴۲۲ هـ.

۵۶- بخاری، محمد بن اسماعیل، الضعفاء، مكتبة ابن عباس، أول، ۱۴۲۶ هـ ...

۵۷- بزار، ابوبكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق، المسند، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله، بيروت - المدينة، المؤسسة علوم القرآن و مكتبة العلوم و الحكم، ۱۴۰۹ هـ ...

۵۸- بغوی، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي، معالم التنزيل، المحقق: حققه وخرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، دار طيبة للنشر والتوزيع، چهارم، ۱۴۱۷ هـ ..

۵۹- بغوی، ابوالقاسم، حديث مصعب بن عبد الله الزبيري، تحقيق صالح عثمان اللحام، اردن، الناشر الدار العثمانية، ۱۴۲۴ هـ ...

۶۰- بیهقی، ابوبكر أحمد بن الحسين، دلائل النبوة، تحقيق وثق أصوله وخرج أحاديثه وعلق عليه: الدكتور عبد المعطى قلعجي، دار الكتب العلمية - ودار الريان للتراث، أول، ۱۴۰۸ هـ ...

۶۱- بیهقی، ابوبكر أحمد بن الحسين، السنن الكبرى و في ذيله الجوهر النقي، حيدرآباد هند، مجلس دائره المعارف النظاميه الكائنه، أول، ۱۳۴۴ هـ ...

۶۲- بیهقی، ابوبكر أحمد بن الحسين، شعب الايمان، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت، دارالكتب العلمية، أول، ۱۴۱۰ هـ

٦٣- بیهقی، ابوبکر أحمد بن الحسین، معرفه السنن و الآثار، تحقیق: عبدالمعطی أمین قلجی، دارالوعی - دارالوفاء - دارقٹیہ - جامع الدراسات الإسلامية، اول، ١٤١٢ هـ ...

٦٤- ترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، الجامع الصحیح السنن، تحقیق: أحمد محمد شاکر و آخرون، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
٦٥- جرجانی، حمزة بن یوسف أبو القاسم الجرجانی، تاریخ جرجان، تحقیق: محمد عبد المعید خان، بیروت، عالم الکتب، ١٤٠١ هـ ...
٦٦- حاکم النیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی

٦٧- حمیدی، عبدالله بن الزبیر أبو بکر الحمیدی، المسند، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، القاهرة، دار الکتب العلمیة، مکتبة المتنبی، بی تا.

٦٨- خطیب بغدادی، أبو بکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدي، الفقیه والمتفق، المحقق: عادل بن یوسف العزازی، دار ابن الجوزی بالسعودیة، سنة ١٤١٧ هـ ...

٦٩- خطیب بغدادی، ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت، المتفق و المفترق، تحقیق: محمد صادق الحامدی، دمشق، دارالقاری، ١٤٠٨ هـ ...
٧٠- خطیب بغدادی، ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.

٧١- دارقطنی، علی بن عمر البغدادي، السنن، تحقیق: سید عبدالله هاشم یمان، بیروت، دارالمعرفه، ١٣٨٦ هـ ...

٧٢- دارقطنی، علی بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي، سؤالات البرقانی للدارقطني، تحقیق: د. عبدالرحیم محمد أحمد القشقری، کتب خانه جمیلی، پاکستان، اول، ١٤٠٤ هـ ...

۷۳- دارقطنی، علی بن عمر البغدادي، سؤالات الحاكم النيسابوري للدارقطني، تحقيق: موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، الرياض، مكتبة المعارف، أول، ۱۴۰۴ هـ ...

۷۴- دارقطنی، علی بن عمر البغدادي، العلل الواردة في الأحاديث النبوية، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله السلفي، الرياض، دارطيبة، أول، ۱۴۰۵ هـ .

۷۵- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن، تحقيق: فواز أحمد زمرلی و خالد السبع العلمي، بيروت، دارالكتاب العربي، أول، ۱۴۰۷ هـ ...

۷۶- ذهبی، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، تنقيح في أحاديث التعليق، تحقيق: مصطفى أبو الغيط عبد الحي عجيب، رياض، دار الوطن، ۱۴۲۱ هـ ...

۷۷- ذهبی، شمس الدين محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: مجموعه محققين بإشراف شعيب الإرنأؤوط، مؤسسة الرسالة، بی تا.
۷۸- ذهبی، شمس الدين محمد بن أحمد، الكاشف في معرفة من له روايه في الكتب الستة، دار القبلة للثقافة الاسلامية، مؤسسة علوم القرآن جدة، أول، ۱۴۱۳ هـ ...

۷۹- ذهبی، شمس الدين محمد بن أحمد، العبر في خبر من غبر، تحقيق: صلاح الدين المنجد، الناشر مطبعة حكومة الكويت، ۱۹۸۴ هـ ...

۸۰- ذهبی، شمس الدين محمد بن أحمد، الموقظة في علم مصطلح الحديث، الملتقى أهل الحديث، بی تا.

۸۱- ذهبی، شمس الدين محمد بن أحمد، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق علي محمد البجاوي المجلد الاول، بيروت، دار المعرفة، بی تا.

- ٨٢- رويانى، ابوبكر محمد بن هارون، المسند، تحقيق: ايمن على ابو يمانى، قاهرة، مؤسسة قرطبة، ١٤١٦ هـ ...
- ٨٣- زيلعي، عبدالله بن يوسف، نصب الراية، تحقيق: محمد يوسف بنوري، مصر، دار الحديث، ١٣٥٧ هـ ...
- ٨٤- سعيد بن منصور، سعيد بن منصور بن شعبة الخراساني، السنن، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، بيروت، دار الكتب العلمية، بي.تا.
- ٨٥- سمعاني، ابي سعد عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي، الانساب، تعليق: عبد الله عمر البارودي مركز الخدمات والابحاث الثقافية الجزء الاول، بيروت، دار الجنان، أول، ١٤٠٨ هـ ...
- ٨٦- سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي، تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، الرياض، مكتبة الرياض الحديثة، بي.تا.
- ٨٧- شاشي، هيثم بن كليب، المسند، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله، مدينه، مكتب العلوم و الحكم، ١٤١٠ هـ ...
- ٨٨- شافعي، محمد بن ادريس، الأم، تحقيق: علي محمد وعادل احمد، بيروت، دار الأحياء التراث العربي، ١٤٢٢ هـ ...
- ٨٩- شافعي، محمد بن ادريس، المسند، بيروت، دار الكتب العلمية، بي.تا.
- ٩٠- شافعي، ابوبكر محمد بن عبدالله بن ابراهيم، الفوائد (الغيلانيات)، تحقيق: حلمي كامل أسعد عبدالهادي، رياض، دار ابن جوزي، ١٤١٧ هـ ...
- ٩١- شاموخي، أبو علي الحسن بن علي الشاموخي، احاديث الشاموخي، رره وخرج أحاديثه: ابومحمد الالفى، قيد النشر: بدارالصفاء و المروه بالاسكندريه، بي.تا.

۹۲- شریف حاتم عونى، شریف بن حاتم العونى، المرسل الخفى و علاقته بالتدليس، دارالنجده، المملكة العربية السعودية، أول، ۱۴۱۸هـ ...

۹۳- شوکانى، محمد بن على بن محمد، نيل الأوطار من أسرار منتقى الأخبار، اداره الطباعة المنيريه، بی تا.

۹۴- شیبانى، محمد بن حسن، الآثار، تعليق: ابوالوفاء الافغانى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۳هـ ...

۹۵- شیبانى، محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانى، الأصل المعروف بالمبسوط، تحقيق أبو الوفا الأفغانى، كراتشى، الناشر إدارة القرآن والعلوم الإسلامية، بی تا.

۹۶- شیبانى، محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانى، الحجة على أهل المدينة، تحقيق: مهدي حسن الكيلاني القادري، بيروت، عالم الكتب، ۱۴۰۳هـ ...

۹۷- الصيداوى، محمد بن احمد بن الجميع، معجم الشيوخ، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت-ترابلس، مؤسسة الرسالة- دارالايما، ۱۴۰۵هـ .

۹۸- ضياء المقدسى، محمد بن عبدالواحد بن أحمد، أحاديث المختاره، تحقيق: عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، بيروت، دارخضر، دؤم، ۱۴۲۰هـ .

۹۹- طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهيم الحسينى، القاهرة، دارالحرمين، ۱۴۱۴هـ .

۱۰۰- طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الصغير، تحقيق: محمد شكور و محمود الحاج أمير، بيروت، دارعمار و المكتب الإسلامى، أول،

١٤٠٥ هـ.

١٠١- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، الموصل، مكتبة العلوم و الحكم، دؤم، ١٤٠٤ هـ.

١٠٢- طبري، محمد بن جرير، جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: احمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، أول، ١٤٢٠ هـ.

١٠٣- طحاوي، أحمد بن محمد بن سلامه بن عبدالمك بن سلمه، شرح مشكل الآثار، تحقيق: شعيب ارنووط، دار نشر، بی تا.

١٠٤- طحاوي، أحمد بن محمد بن سلامه بن عبدالمك بن سلمه، شرح معانی الآثار، تحقيق: محمد زهري النجار، بيروت، دارالكتب العلمية، أول، ١٣٩٩ هـ.

١٠٥- طياليسي، سليمان بن داود بن الجارود، المسند، تحقيق: محمد بن عبدالمحسن تركي، دارهجر، أول، ١٤١٩ هـ.

١٠٦- عبدالرزاق، ابوبكر بن عبدالرزاق بن همام الصنعاني، مصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، بيروت، المكتب الإسلامي، دؤم، ١٤٠٣ هـ.

١٠٧- عبد الله بن أحمد بن حنبل الشيباني، السنة، تحقيق: د. محمد سعيد سالم القحطاني، دار ابن القيم - الدمام، أول، ١٤٠٦ هـ.

١٠٨- عبدالله بن مبارك، عبد الله بن المبارك بن واضح، المسند، مكتبة المعارف، الرياض، أول، ١٤٠٧ هـ.

١٠٩- عبد بن حميد، ابو محمد عبد بن حميد بن نصر، المسند، تحقيق: صبحي البدری السامرايی و محمود محمد خليل الصعيدي، قاهره، مكتبة السنة، ١٤٠٨ هـ.

۱۱۰- عجلې، أحمد بن عبد الله بن صالح أبو الحسن العجلي الكوفي، معرفة الثقات، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، المدينة المنورة، مكتبة الدار، أول، ۱۴۰۵ هـ.

۱۱۱- عراقی، زین الدین ابوالفضل عبدالرحیم بن الحسین، ذیل میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد عوض و عادل أحمد عبدال موجود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ هـ.

۱۱۲- عقیلی، الضعفاء الكبير، محمد بن عمر بن موسى، تحقیق: عبدالمعطى امين قلجی، بیروت، دارالمکتبة العلمیة، أول، ۱۴۰۴ هـ.

۱۱۳- الفسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفه و التاريخ، تحقیق: اکرم العمری، بیروت، مؤسسة الرسالة، أول، ۱۹۸۱ م.

۱۱۴- کوسج، إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج أبو یعقوب التمیمي المروزي، مسائل الإمام أحمد بن حنبل وابن راهويه، تحقیق: خالد بن محمود الرباط و وئام الحوشي و جمعة فتح، الرياض، دار الهجرة، ۱۴۲۵ هـ.

۱۱۵- مالک بن أنس، الموطأ، روایت یحیی الیثی، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، مصر، دار إحياء التراث العربي، بی تا.

۱۱۶- مالک بن أنس، الموطأ، روایت یحیی الیثی، تحقیق: محمد مصطفى الأعظمی، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان، أول، ۱۴۲۵ هـ.

۱۱۷- مالک بن أنس، الموطأ، روایت حسن الشیبانی، تحقیق: تقی الدین ندوی، دمشق، دارالقلم، أول، ۱۴۱۳ هـ.

١١٨- مروزی، محمد بن نصر بن الحجاج، تعظیم قدر الصلاة، تحقیق: عبدالرحمن بن عبدالجبار الفریوئی، المدینة، مكتبة الدار، ١٤٠٦ هـ.

١١٩- مروزی، محمد بن نصر بن الحجاج المروزی أبو عبد الله، السنة، تحقیق: سالم أحمد السلفی، مؤسسة الكتب الثقافية - بیروت، ١٤٠٨ هـ.

١٢٠- مزی، یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، تهذیب الکمال، تحقیق: د. بشار عواد معروف، مؤسسة الرسالة، بیروت، ١٤٠٠ هـ.

١٢١- المحاملي، حسين بن اسماعيل الضبي، أمالي بروايه ابن يحيي البيع، تحقیق: ابراهيم القيسي، عمان، المكتبة الإسلامية- دار ابن قیم، ١٤١٢ هـ.

١٢٢- مسلم، مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، الجامع الصحيح، بیروت، دار الجیل و دار الآفاق الجديده، بی تا.

١٢٣- مناوی، عبد الرؤوف المناوي، فیض القدير شرح الجامع الصغير، تعليقات يسيرة لماجد الحموي، المكتبة التجارية الكبرى، مصر، ١٣٥٦ هـ.

١٢٤- نحاس، أحمد بن محمد بن إسماعيل المرادي النحاس أبو جعفر، الناسخ والمنسوخ، تحقیق: د. محمد عبد السلام محمد، مكتبة الفلاح، الكويت، ١٤٠٨ هـ.

١٢٥- نسائي، أحمد بن شعيب، الضعفاء والمتروكين، تحقیق: محمود إبراهيم زايد، حلب، دار الوعي، ١٣٦٩ هـ.

١٢٦- نسائي، أحمد بن شعيب، المجتبى من السنن، تحقیق: عبدالفتاح ابو غدة، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية، دؤم، ١٤٠٦ هـ.

۱۲۷- نسایی، أحمد بن شعيب، سنن كبرى، تحقيق: عبدالغفار سليمان البندارى و سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، أول، ۱۴۱۱ هـ.

۱۲۸- نووى، يحيى بن شرف بن مرى، تهذيب الأسماء واللغات، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بى جا، بى تا.

۱۲۹- هيثمى، نورالدين، بغية الحارث عن زوائد مسند الحارث، مدينة، مركز خدمة السنة و السيرة النبوية، تحقيق: حسين احمد صالح الباكري، أول، ۱۴۱۳ هـ.

۱۳۰- هيثمى، نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۲ هـ.

۱۳۱- يحيى بن معين، معرفة الرجال عن يحيى بن معين وفيه عن علي بن المديني وأبي بكر بن أبي شيبة ومحمد بن عبد الله بن نمير وغيرهم / رواية أحمد بن محمد بن القاسم بن محرز، المحقق: الجزء الأول: محمد كامل القصار، الناشر: مجمع اللغة العربية، دمشق، أول، ۱۴۰۵ هـ.

۱۳۲- وزارة الاوقاف و الشؤون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية، الاجزاء ۱- ۲۳ الطبعة الثانية دارالسلاسل في الكويت و الاجزاء ۲۴- ۳۸ الطبعة الاولى مطابع دار الصفوة في مصر و الاجزاء ۳۹- ۴۵ الطبعة الثانية طبع الوزارة، (۱۴۰۴- ۱۴۲۷ هـ)

۱۳۳- نرم افزار المكتبة الشاملة ۳/۴۵.

۱۳۴- نرم افزار جوامع الكلم ۴/۵۰.